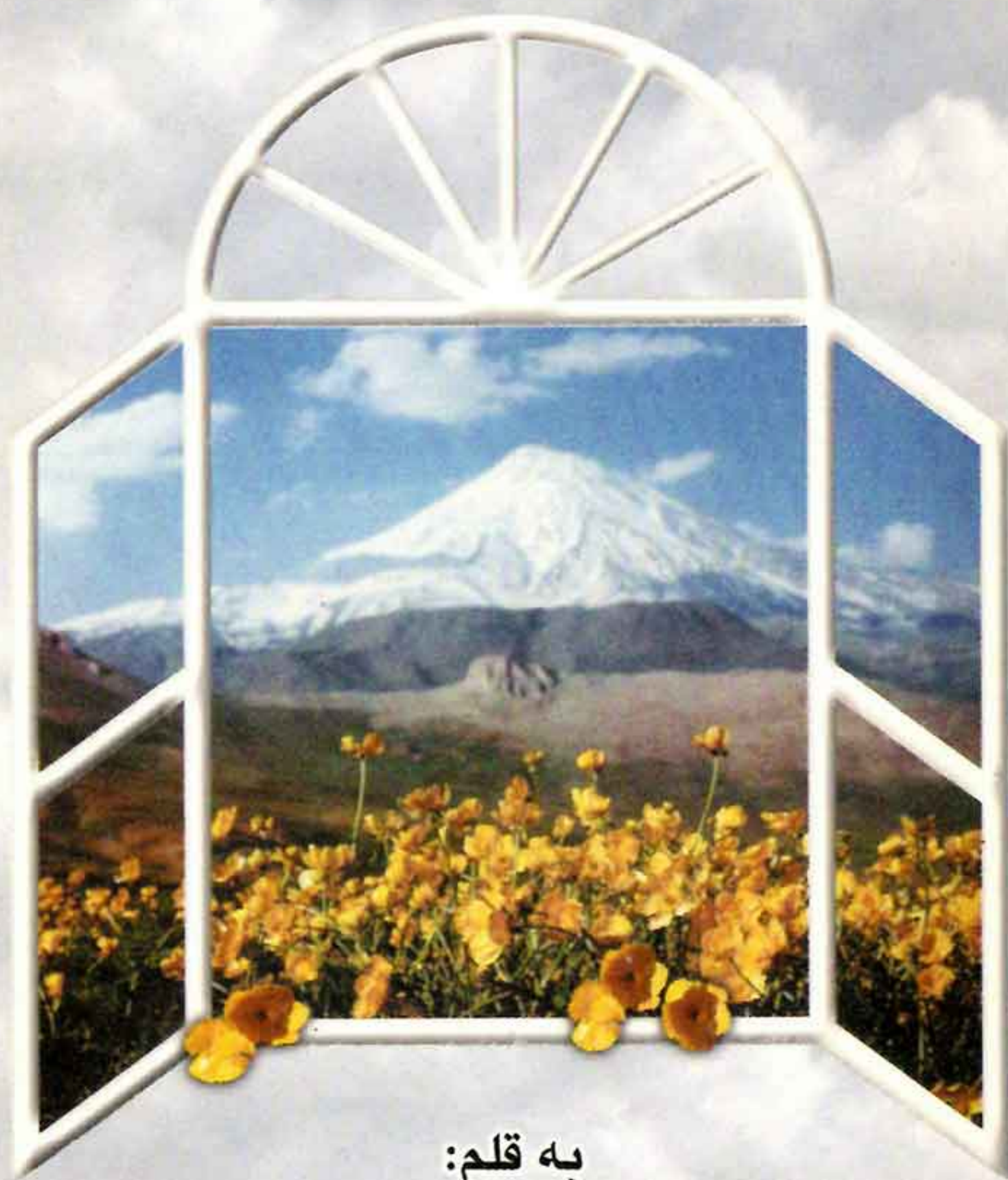




چگونه با امام زمان عجل الله فرجه ارتباط برقرار کنیم

قسمت سوم

# تمنای ظهور (۱)



به قلم:

دکتر احمد قندی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قندی، احمد، ۱۳۲۷ -

تمنای ظهور / به قلم احمد قندی. - تهران: دیار، ۱۳۷۹.  
۱۵۲ ص. - (چگونه با امام زمان علیه السلام ارتباط پیدا کنیم؟  
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار).  
کتابنامه به صورت زیر نویس.

ISBN 964 - 92095 - 6 - 5: ۴۰۰ تومان

۱. محمد بن حسن علیه السلام، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - ادبیات نوجوانان. ۲-  
مهدویت - انتظار - ادبیات نوجوانان. الف. عنوان.  
۸ ت ۹ ق / BP ۵۱ (ج) ۲۹۷ / ۹۵۹

۱۲۳۹۴ - ۷۹ م

کتابخانه ملی ایران

## تمنای ظهور

به قلم: دکتر احمد قندی

انتشارات دیار

صفحه آرای: امیر نیک سرشت

طرح جلد: موسسه طراحی و گرافیک سبحان

لیتوگرافی: باختر - چاپ: جباری - صحافی: اندیشه

نوبت چاپ اول - ۵۰۰۰ نسخه - پاییز ۷۹ - نیمه شعبان ۱۴۲۱

ISBN 964 - 92095 - 6 - 5 ۹۶۴ - ۹۲۰۹۵ - ۶ - ۵

قیمت ۴۰۰ تومان

نظارت بر امور تولید: عباس نیک سرشت

چگونه با امام زمان علیه السلام ارتباط برقرار کنیم؟

(۳)

## تمنای ظهور

به قلم:

دکتر احمد قندی

انتشارات دیار

## تذکر

قسمت اول و دوم این کتاب جهت استفاده‌ی دانش‌آموزان ابتدایی و راهنمایی تحت عنوان راز دل با امام به طور جداگانه چاپ گردیده است.

## در آغاز راه

راستی که جشن و شادی برای بچه‌ها مزه‌های شیرین و به یاد ماندنی دارد. هرگاه صحبت مراسم عقد و عروسی می‌شد، برای ما بچه‌ها آزادی در خوردن و بازی کردن با بستگان هم‌سن و سال را به ارمغان می‌آورد. از خاطرات شیرینی که بین ما ردّ و بدل می‌شد، شرکت در این مراسم بود. یکی دیگر از مراسمی که برای ما خیلی ارزش داشت، عید نوروز بود. حلول سال جدید همراه با ورود مشهدی عبدالله، خادم مسجد بود. مادرم می‌گفت که این رسم پدرش مشهدی غلام‌حسین بود. او هم خادم همین مسجد بود و هم‌زمان با تحویل سال، با دستمال یزدی - که درونش مقداری نان سنگک تازه و پنیر و سبزی بود - می‌آمد و به هر یک از ما لقمه‌ای نان و پنیر و سبزی و یک سکه‌ی دو قرانی<sup>(۱)</sup> نو می‌داد. بنابراین، ما لباسهای نو می‌پوشیدیم و منتظر مشهدی عبدالله می‌شدیم.

---

۱- سکه‌ی دو ریالی که در آن زمان رایج بود و ارزش داشت.

پس از آن بود که اجازه داشتیم به خانه‌ی پدر بزرگ و مادر بزرگ برویم و از دست آنها اسکناس نوی یک تومانی دریافت کنیم. خدا همه آنها را رحمت کند که از خود خاطرات شیرین برای ما بجای گذاشتند!

از دیگر مراسمی که برایم خیلی خاطره‌ها داشت و با دیگر جشن‌ها تفاوت ویژه‌ای داشت، جشن میلاد امام زمان علیه السلام در نیمه‌ی شعبان بود. یکی دو تا قالیچه، دو طرف در مغازه‌ها آویزان می‌شد و روی آن با پنبه می‌نوشتند:

## میلاد مسعود حضرت صاحب الزمان مبارک باد!

روی یک یا دو میز عسلی هم یکی دو گلدان می‌گذاشتند و گاهی چراغ ریشه‌ای ریز و زمانی چراغ زنبوری روشن می‌کردند.

برخی مغازه‌ها شیرینی و آب نبات هم توزیع می‌کردند. درون مساجد هم معمولاً با قالیچه‌های کوچک - که از دیوارها آویزان می‌کردند - تزئین می‌شد و تبریک را با پنبه روی آن می‌نوشتند.

یک سال، در مسجد محل به من اجازه دادند که من هم با دست‌های کوچک خود پنبه‌ها را آماده کنم و بنویسم:

« یا صاحب الزمان ... میلادت مبارک! »

الآن که به گذشته‌های دور برمی‌گردم، می‌بینم این که به من گفته بودند: تو هم بزرگ شده‌ای و می‌توانی این کار را خودت انجام دهی، خیلی مهم بوده‌است، اما فقط این احساس من مهم نبود. راستی... من قرار بود با آقا و مولای خودم رابطه‌ی مستقیم برقرار کنم و روی قالیچه نام آقایم را بنویسم و میلادش را تبریک بگویم.

یک لحظه به نظرم می‌رسید که مولا به من لبخند زد و تبریکم را پاسخ می‌گوید.

از همان روزها باورم بود که آقا زنده است و همه‌ی ما را می‌بیند. پس تبریک نوشتن مرا هم می‌بیند. در این دنیا، تولد هرکس را به او تبریک بگویند، به گونه‌ای مناسب موقعیت خود، جواب می‌دهد. مگر می‌شود امام آگاه من - که بزرگواری و آقایی‌اش از همه‌ی ما بیشتر است - به احساس لطیف من بی‌توجهی کند؟! نه، نه... آقای من چنین نیست.

از آن روز، من آدمی دیگر بودم؛ احساس می‌کردم آقایی مهربان به من نظاره‌گر است. فردای آن روز - که جشن میلاد انسان بزرگ روزگار بود - برای من رنگ دیگری داشت.

یادم می‌آید که در مجلس جشنی شرکت کردم. شراینده‌ای، شعری درباره‌ی آن حضرت سروده بود. چشمش به من افتاد. مرا برگزید و به من گفت: تمرین کن و این شعر را برای همه بخوان. شعر را چندین بار خواندم. هم شعرها با من حرف می‌زدند و هم من از لابلای شعرها با آقایم سخن



پرده از روی ماه خود وا کن	مهر و ماه و نجوم رسوا کن
تا قبول خدا شود فردا	دین ما را بیا و امضا کن
ریشه‌ی نخل یأس را بر کن	گل امید را شکوفا کن
ای که خواندی بسوی خود مارا	دعوت خویش آشکارا کن
دست بر ذوالفقار حیدر زن	دفع دشمن تو بی محابا کن
ریشه‌ی ظلم را بکن از بیخ	عدل را استوار و برپا کن
با همان قدرت خداوندی	دادخواهی ز خیل اعدا کن
ذلت دشمنان دین برسان	عزت اولیا هویدا کن
بار غم از دل علی بردار	قلب زهرای او تسلا کن
قبر مخفی مادر خود را	بهر عشاق خویش پیدا کن
جان زهرا دگر ظهورت را	از خداوند خود تقاضا کن
حکم حق را چنان که خود دانی	در تمام نقاط اجرا کن
حرف بسیار مختصر گویم	رفع ظلم و جور از ما کن
ملتجی را کنار خود بنشان	قطره را متصل به دریا کن

راستی... چه قدر مولا به من نزدیک شده بود! من به راحتی می توانستم حرف دلم را به سرورم برسانم؛ آخر دلم برایش تنگ شده بود؛ آن قدر تنگ که در زمان تمرین شعر، چندین بار قطرات اشک از گوشه‌ی چشمانم سرازیر شد و یکی دو بار گریه راه گلویم را گرفت... هق هق کنان گریستم و چندین بار صدایش زدم.

بعید می دانستم که جوابم ندهد. دلم کوچک بود؛ اما پر از عشق دیدارش. دلیلش هم اشک سرازیر شده‌ی دیدگانم. دیگر، چه باید می کردم؟ روز بعد، به مدرسه رفتم. سر کلاس درس، به تدریس معلم گوش می دادم؛ اما دلم هوای او را داشت که با او آشنا شده بودم. به او عرض کردم: از امروز می خواهم برای تو درس بخوانم. به نام تو درس را دنبال کنم. آقا... کمکم کن! از قبل هم وضع درسی من خوب بود. معمولاً در ردیفهای اول کلاس بودم. اکنون آرامش جدیدی بر درس خواندنم حکمفرما شده بود؛ زیرا می دانستم که در هر مشکلی، می توانم او را بخوانم و از او کمک بگیرم. این عادت من شده بود که پیوسته و در هر کاری، نام آقایم را بر زبان جاری کنم و بگویم:

## یا صاحب الزمان... ادرکنی!

بعدها بنظرم رسید که مربیان ما به گردن ما حق فراوانی داشته‌اند. ما برخی از حقوق را حتی بعدها هم نتوانستیم خوب بشناسیم. در دوران دبستان، پدرم - که حق عظیمی در تربیت مذهبی بر من داشت -

ما در مدرسه‌ی دینی نام‌نویسی کرده بود. در آن مدرسه رسم بود که عصرها، همه‌ی ما دانش‌آموزان به صف می‌ایستادیم و دعایی را - که بعداً فهمیدم از طرف حضرت حجت علیه السلام، همان مولای مهربان و دوست داشتنی، سفارش شده است - می‌خواندیم:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ (۱)

خداوندا... توفیق اطاعت و بندگی از خودت و دوری از نافرمانی‌ها و کارهای زشت را روزی من قرار بده...

اولین بخش این دعا بسیار مهم است. ما بچه‌ها نمی‌فهمیدیم که چه می‌گوییم و چه می‌خواهیم... امام زمان علیه السلام در این دعا به ما تعلیم کرده بودند تا از خدا بخواهیم که خداوند ما را در راه اطاعت از امام زمان و خدای امام زمان کمک کند.

شاید همین دعا برای من مستجاب شده بود که دلم به امام زمان مایل شده بود و پیوسته به یادش بودم.

اکنون - که پس از سالهای دراز به گذشته‌های دور برمی‌گردم و خاطره‌ی

---

۱- این دعا در کتاب مفاتیح الجنان، بخش دعای حضرت مهدی علیه السلام آمده است. چه خوب است که عزیزان، این دعا را فراگیرند و معانی آن را به خاطر بسپارند و مرتب بخوانند!

اولین گام‌های آشنایی با سرورم را مرور می‌کنم - به خود می‌گویم:

پدر و مادرت و نیز مربیان کوشش می‌کردند تا زمینه را آماده سازند که  
توجه امام و مولایت به تو جلب شود و گوهر وجودت به نام او روشن گردد.  
آن بزرگوار آقایی خود را به جای آورد و به من این افتخار را داد که به  
یادش باشم و نامش را بارها و بارها بر زبان جاری کنم و در کارهایم از او کمک  
بخواهم.

این بزرگواری در طول زمان ادامه داشته است... هنوز هم خوشحالم که  
اجازه دارم هر هنگام که بخواهم، چه روز و چه شب، در خانه‌ی او را بکوبم و  
بگویم:

آقا! محتاجم... کمک کنید!

او هم خودش بزرگوار است و هم پدرانش همگی بزرگوار بوده‌اند. بنابراین،  
به همه‌ی درخواست‌کنندگان چشم عنایت خواهد داشت.

این بود که وقتی ماه شعبان می‌رسید، درون منزل را، به یاد سرور مهربانم،  
تمیز و آراسته می‌کردم و در این کار از برادران و خواهرانم کمک می‌خواستم.  
سپس با همکاری دوستانم، به نظافت و تزئین کوچه‌ی خود می‌پرداختیم. با

این عمل به همگان اعلام می‌کردیم:

صاحب ما، مولای ما، امام زمان علیه السلام در نیمه‌ی شعبان به این جهان گام

گذاشت و ما از این میلاد بسیار مسرور و خوشحالیم.

خدایا! در ظهور مولایمان تعجیل فرما و او را از هر خطری نگاه دار!

## راز دل با اماه

در آن زمان که من دانش آموز بودم، دوره‌ی دبستان ۶ سال بود. از اوّل سال هفتم، ۶ سال، به دبیرستان می‌رفتیم. در کلاس هشتم درس می‌خواندم. نزدیک تعطیلات نوروز بود که در منزل صحبت از مسافرت به کربلا شد. مسافرت برای همه خاطره‌انگیز است و برای بچه‌ها بیشتر؛ آن هم سفر کربلا! آن روزها برای همه‌ی مردم این امکان نبود که به سفر کربلا بروند. امکانات مالی مناسب برای این کار لازم بود و از آن مهمتر، عشق و علاقه.

ما در یکی از محله‌های قدیمی تهران زندگی می‌کردیم. پدرم کاسبی فعال بود. در عین حال، زندگی ما رونق مادی چندانی نداشت. در مقابل، او علاقه وافر به فعالیت‌ها و برنامه‌های مذهبی داشت. دوران کودکی من با میان سالی او هم زمان بود و من و برادران و خواهرانم، خاطرات زیادی از پای‌بندی‌های مذهبی او داریم. بیداری

یک ساعت قبل از سحر و نماز و مناجات و گریه و زاری او در پیشگاه خدا و تا اول آفتاب ادامه داشتن آن امری عادی بود.

او از جمله به زیارت قبور امامان علیهم السلام بسیار عقیده داشت. هر گونه سختی را بر خود هموار می کرد که ما را به این مکانهای مقدّس ببرد تا هم خودش بهره ی معنوی ببرد و هم ما را با آن بزرگواران آشنا کند. خدایش رحمت کند که چه سرمایه ی عظیمی را برای ما تدارک دید!

من از مشکلات آماده شدن برای سفر چیزی نمی فهمیدم؛ فقط در خاطر هست که روزی همه ی ما به جایی رفتیم و به ما واکسن تزریق کردند. این کار از صبح تا ظهر، وقت ما را گرفت. پدرم برای گذرنامه اقدام کرده بود و برای ورود به کشور عراق، ویزا (=روادید) گرفته بود. در این سفر، سه خواهر و یک برادر من هم بودند. دو برادر بزرگترم در تهران ماندند.

یکی از عموهای من نیز با همسرش در این سفر همراه ما بود. سفر ما بعد از تعطیلات نوروزی آغاز شد. شبی که می خواستیم به سفر برویم، از شوق خوابم نمی برد...

بالاخره نیمه های شب از هوش رفتم؛ اما صبح خیلی زود از خواب بیدار شدم.

می دانید که نوجوانها هر قدر هم برای نماز صبح به سختی بیدار شوند! برای گردش تفریحی و مسافرت به راحتی بیدار می شوند. این

خود نشانگر تأثیر هدف‌داری و انگیزه داشتن است. به عبارت دیگر، خواستن توانستن است.

اتوبوس مسیر تهران - همدان - کرمانشاه را تا عصر طی کرد. شب در مسافرخانه‌ای در کرمانشاه سکونت گزیدیم. آن شب، پدرم ما را برای نماز جماعت به مسجد شهر برد و وضعیت شهر را تا اندازه‌ای برایمان شرح داد و گفت که خودش در جوانی مدتی ساکن این شهر بوده است. فردا صبح به طرف مرز خسروی به راه افتادیم... تا قبل از ظهر، از مرز خسروی، وارد مرز خانقین در عراق شده بودیم. عصر بود که از بغداد گذشتیم و به شهر کاظمین علیه السلام رسیدیم.

راستی که حرم امام کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام برایم بسیار پرخاطره بود.

الآن نمی‌خواهم جزئیات این سفر را توصیف کنم؛ با این که شرح آن به طور مبسوط بسیار آموزنده است.

یادم نیست که بعد از کاظمین، ابتدا به نجف رفتیم یا به کربلا؛ اما به هر حال، چنان این مکانهای مقدس برایم خاطره‌انگیز بود، که قدرت و توان توصیفش را ندارم.

این که می‌گویم خاطره انگیز بود نه از باب شرح دوران نوجوانی است بلکه از آن نظر که توشه‌ی معنوی آن روزگار، در سالهای آینده مرا در مسیر زندگی بسیار کمک کرد.



همان طور که زاد و توشه‌ی مسافری که از بیابان بی‌آب و علفی عبور می‌کند برایش معنی‌دار است، آن چه در سفر عَتَبَات<sup>(۱)</sup> فراگرفتم عمری مرا در کورانهای زندگی یاور و کمک کار بود.

اجازه دهید به بحث اصلی خودم پردازم.

در این سفر، طبق معمول زندگی ام به یاد آقایم بودم. همه جانام او را بر زبان داشتم. هر جا که زمینه‌ای فراهم می‌شد، خاطرش را زنده می‌کردم.

ما شیعیان - وقتی به حرم امامان خود می‌رویم - از آنها و از خدا حاجت می‌خواهیم؛ خواسته‌ی خود را بیان می‌کنیم؛ گاهی اشک می‌ریزیم و خداوند را به حق آن بزرگواران قسم می‌دهیم. خدای مهربان هم - که ائمه را بسیار دوست داشته و دارد - دعاهای ما را مستجاب می‌گرداند.

من که همیشه می‌خواستم به یاد سرورم امام زمان علیه السلام باشم، در همه‌ی این مکانها به طور مکرر سلامتی و فرج مولایم را از خدا می‌خواستم.

در آن زمان، دعای فرج را - که با «*اِلهی عَظُمَ الْبَلَاءُ*» شروع می‌شد، از

---

۱- عتبات جمع عَتَبَه (= آستانه) است. مردمان با معرفت در زیارت‌ها از روی خاکساری، بوسیدن چارچوب‌های اماکن مقدس را توفیق و سعادت می‌دانند.

حفظ کرده بودم و پیوسته در حریمهای شریف می خواندم. گاهی اشک می ریختم، به خصوص آن جا که نام مولایم را بر زبان جاری می کردم و صدایش می زدم:

إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَ  
انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ

وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ الْيَكُ الْمُشْتَكَى وَ عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي  
الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

مُحَمَّدٍ أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَ عَرَفْتَنَا  
بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عَاجِلاً

قَرِيباً كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيَّ يَا  
عَلِيَّ يَا مُحَمَّدُ اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ وَ انصُرَانِي

فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبِ الزَّمَانِ الْغَوْثَ  
الْغَوْثَ الْغَوْثَ أَذْرِكْنِي أَذْرِكْنِي أَذْرِكْنِي السَّاعَةَ

السَّاعَةَ السَّاعَةَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خداوندا... بلاها فراوان و بیچارگی ما بر ما و همه روشن شده است.  
امید ما از هر جا بریده است. زمین، با همه پهناوری اش، بر ما تنگ شده و  
آسمان هم رحمتش را از ما دریغ کرده است. اکنون از تو کمک می‌خواهم و  
به سوی تو شکایت می‌آورم که در سختی و ناراحتی، پناه ما تویی.  
پروردگارا! درود خودت را بر محمد و آلش بفرست. تو اطاعت از  
ایشان را بر ما واجب فرمودی و مقامات ایشان را به ما شناساندی.  
خداوندا! به حق ایشان بر ما منت گذار و هر چه زودتر، حتی در کمتر از  
یک چشم بر هم زدن، در کار ما گشایشی عنایت فرما!  
ای پیامبر و ای علی! ای علی و ای پیامبر! از سختی کار من گره باز کنید؛  
زیرا شما برای حل مشکلات من توانائی دارید. مرا یاری فرمایید که  
یاری‌کنندگان من شما باشید.

مولای ما! ای صاحب الزمان! به فریاد من برس!  
مرا دریاب! مرا دریاب! مرا دریاب! هم اکنون! هم اکنون! هم اکنون!  
بی‌درنگ! بی‌درنگ! بی‌درنگ! ای مهربانترین مهربانان، به حق محمد و  
آل محمد، حاجت مرا روا فرما!

در این دعا، بیشتر برای خودم کمک می خواستم؛ اما در عین حال، سلامتی و ظهور امام زمان علیه السلام را از خدا پیوسته طلب می کردم. در نجف اشرف، چندین بار به مسجد سهله - که خارج شهر و در راه مسجد کوفه قرار دارد - رفتیم. فراموش کردم بگویم که این سفر ما جمعاً ۲ ماه طول کشید. این بود که فرصت چندین بار رفتن به مسجد سهله را داشتیم.

مشهور است که هر کس چهل شب چهارشنبه، پیاپی به این مسجد بیاید و زیارت امام عصر علیه السلام را از خدا بخواهد، شب چهارم به دیدار آن حضرت می رسد. بنابراین، شبهای چهارشنبه مسجد سهله بسیار شلوغ بود. بسیاری از افراد به این محل می آمدند و شب تا به صبح به عبادت مشغول بودند. من در این رفت و آمدها، بارها بزرگان دین را می دیدم که پدرم آنها را معرفی می کرد. آنها مقید بودند در مسجد سهله بمانند.

بعدها فهمیدم که زمان ظهور امام زمان علیه السلام، مسجد سهله محل سکونت آن حضرت خواهد بود و مسجد کوفه محل حکومت آن بزرگوار. پس مسجد سهله یادآور نام مولایم بود و من - که امام زمانم را خیلی دوست داشتم - به این مسجد علاقه ی زیادی می ورزیدم. همه جایش برای من بوی مولایم را می داد. با عشق و علاقه به آن جا می رفتم و همراه پدرم اعمال آن مسجد را انجام می دادم. چه توفیق

بزرگی خدا نصیب کرده بود که در مسجد سهله به یاد آقایم و مولایم  
باشم و برای سلامتی و فرجش دعا کنم!

در کربلا مصائب امام حسین علیه السلام برایم تکرار می شد. تا اندازه ای هم  
کتابهای تاریخ زندگی سرور آزادگان را خوانده بودم و با واقعه ای  
عاشورا و مصیبت های امام حسین علیه السلام آشنا بودم. خودم برای خودم  
تکرار می کردم و می گریستم. مراسم روضه خوانی هم زیاد برقرار  
می شد و روضه خوانها با یادآوری حادثه ای عاشورا، شنوندگان را به  
حالت عزا می بردند. من هم در میان جمع، عاشقانه می گریستم.

می اندیشیدم انتقام گیرنده ی خون امام حسین علیه السلام کیست؟

خدای بزرگ در قرآن مجید می فرماید:

﴿ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوَلِيَّهِ سُلْطٰنًا ﴾<sup>(۱)</sup>

(هر کس به ظلم و ستم کشته شود، ما برای صاحب خونش تسلطی قرار

داده ایم (تا انتقام خون مظلوم گرفته شود).)

روایت است که امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«این آیه درباره قائم آل محمد است که می آید و انتقام خون جدش

حضرت حسین علیه السلام را می گیرد.»<sup>(۲)</sup>

---

۱- اسراء (۱۷): ۳۴

۲- سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، ص ۲۲۵.

پس در کربلا پیوسته باید به یاد امام زمان علیه السلام بود و از خدا سلامتی و فرج امام زمان علیه السلام را خواستار شد.

امام حسین علیه السلام در میان ائمه علیهم السلام چند ویژگی دارد. یکی از ویژگیهای حضرت حسین علیه السلام آن است که هر کس در زیر قبه (گنبد) ای حضرتش دعا کند، دعایش برآورده می شود. آن گاه که شبکه های ضریح مطهر حضرتش را در دست می گرفتیم، از صمیم دل می گفتم:

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ»

«خدایا! فرج ولی ات (امام زمان) را برسان!»

بدان امید بودم که دعایم مستجاب شود و هرچه زودتر شاهد انتقام گرفتن خون به ناحق ریخته ای حضرت اباعبدالله به دست فرزندی برومندش حضرت بقیة الله باشم.

از آن به بعد، در هر مجلس روضه که شرکت می کردم، برای فرج امام زمان علیه السلام دعا می کردم.

بعدها به این عبارت برخورد کردم که حضرت ولی عصر علیه السلام در خواب به فردی فرموده بودند:

«إِنِّي لَأَدْعُو لِمُؤْمِنٍ يَذْكُرُ مُصِيبَةَ جَدِّي الشَّهِيدِ، ثُمَّ يَدْعُو لِي بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ وَالتَّأْيِيدِ»<sup>(۱)</sup>

۱- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۶.

«من برای هر مؤمنی که درد و رنجهای جدّ شهیدم را یاد کند و سپس برای تعجیل در ظهور من و تأیید من به دعا پردازد، دعا می‌کنم.»

از خاطره‌انگیزترین قسمت‌های سفر، تشرّف به شهر سامرا بود. شهر سامرا در شمال عراق است که بیشتر سنی‌نشین است. در این شهر، حضرت هادی و امام حسن عسکری علیه‌السلام مدفون‌اند و سرداب مطهر - که محلّ غیبت حضرت ولیّ عصر علیه‌السلام بود - در نزدیکی بارگاه آن دو امام بزرگوار - که به عسکریّین معروف‌اند - قرار دارد.

شیعیانی که برای زیارت بارگاه ائمه علیهم‌السلام به عراق می‌آمدند معمولاً در کربلا و پس از آن، نجف توقف بیشتری داشتند و چند روزی هم کاظمین می‌ماندند؛ اما وقتی به سامرا می‌رفتند، صبح به آن شهر وارد می‌شدند و پس از زیارت مختصری، به شهری در چند کیلومتری خارج شهر سامرا - که مزار امامزاده سید محمد (برادر امام هادی علیه‌السلام) است - می‌رفتند.

پدرم بارها به افراد مختلف تذکر می‌داد که این نوع زیارت سامرا صحیح نیست. در این شهر، امام زمان علیه‌السلام هنوز هم به صورت ناشناس رفت و آمد می‌کنند؛ زیرا بارگاه پدر و جدّ بزرگوار ایشان، منزل مسکونی آن حضرت بوده است و اکنون ملک آن بزرگوار است. سرداب مطهر هم جایگاه عبادت آن حضرت در دوران کودکی بوده است. بهتر می‌بود که شیعیان این مکانها را قدر می‌دانستند و چند شبی را در آنجا می‌ماندند؛ اما افسوس که شیطان، با ایجاد غفلت، در بسیاری

از مردم نفوذ کرده و این سعادت را از آنها ربوده است.  
پدرم قصد داشت ما را به مدّت ده روز به آن جا ببرد و در آن جا  
توقف کامل داشته باشیم تا ضمن زیارت های مکرّر، به دلیل توقف ده  
روزه، نماز زمان تمام باشد. (۱)

رفتن به سامرا و زیارت محلّ زندگی امام زمان علیه السلام برای من - که به  
تازگی علاقه‌ی زیادی به حضرتش پیدا کرده بودم - بسیار ارزشمند بود.  
بالاخره روز موعود فرارسید و صبح زودی، پس از غسل زیارت به  
طرف سامرا حرکت کردیم.

نزدیکی های ظهر، به سامرا رسیدیم. شهر کوچکی بود؛ اما دیدار  
گنبد امام هادی و امام عسکری علیهما السلام اشکم را سرازیر کرد.  
در طول سفر شعرهایی که درباره‌ی امام عصر علیه السلام یاد گرفته بودم زیر  
لب زمزمه می کردم:

ای ولی عصر و امام زمان!

ای سبب خلقت گون و مکان!

تا تو ز ما روی نهان کرده‌ای

خون به دل پیر و جوان کرده‌ای

یا برخی اشعار دیگر...

---

۱- مسافری که از محلّ اقامت خود خارج شود و بیش از ده روز در مقصد بماند،  
نمازهای خود را تغییر نمی‌دهد؛ در صورتی که اگر کمتر از ده روز بماند؛ نمازهای  
چهار رکعتی وی به دو رکعتی تبدیل می‌شود.



شاعر می گوید:

سر می نهم به پای تو؛ یا صاحب الزمان  
جان می کنم فدای تو؛ یا صاحب الزمان  
تقدیم، سر و جان را ز فرط شوق  
گر بشنوم صدای تو؛ یا صاحب الزمان  
صد مرحبا به آن که گرفته است توشه‌ای  
از روی دلربای تو؛ یا صاحب الزمان  
آری؛ صفای مجمع سوته دلان همه  
میباشد از صفای تو؛ یا صاحب الزمان  
والله بر تمام سلاطین روزگار  
دارد شرف گدای تو؛ یا صاحب الزمان  
بیگانه است با همه بیگانگان تو  
شد هر که آشنای تو؛ یا صاحب الزمان  
مشمول لطف حق نشود آن کسی که نیست  
مشمول او دعای تو؛ یا صاحب الزمان  
از ارتکاب هر عملی قصد عاشقان  
اول بود رضای تو؛ یا صاحب الزمان  
شکر خدا که با همه بی لیاقتی  
دل‌های ماست جای تو؛ یا صاحب الزمان

ما را برای روز جزا زاد و توشه ای  
 نبود مگر ولای تو؛ یا صاحب الزمان  
 کی می شود به دیده‌ی ما جلوه گر شود  
 رخسار حق نمای تو؟ یا صاحب الزمان  
 کی از کنار بیت خدا می شود بلند  
 آن صوت جانفزای تو؟ یا صاحب الزمان  
 بر این مریض جان به لب از درد افتراق  
 کی می رسد دوی تو؟ یا صاحب الزمان  
 خود واقفی که «ملتجی» ات در تمام عمر  
 دارد به سرهوای تو؛ یا صاحب الزمان  
 در شهر سامرا - به دلیل آن که شیعیان توقف شبانه ندارند -  
 مسافرخانه کمتر پیدا می شد. پدرم در منزل یکی از اهالی سامرا اطاقی  
 اجاره کرد و به ما گفت که ده روز تمام این جا خواهیم ماند.  
 مادرم خاطرات گذشته را چندین بار برایمان تعریف کرده بود. من ۵  
 ساله بودم که پدرم ما را همراه مادر و خواهرش و یک بانوی خدمتکار  
 در سفری شش ماهه به همین سرزمین مقدس آورده و چندین بار در  
 سامرا توقف و اقامت کرده بود. آن روز هم باز خاطره سفرهای گذشته  
 را بیان می کرد.

برای نماز ظهر به حرم رفتیم. من یاد گرفته بودم که در حرم

امامان علیهم‌السلام زیارت جامعه‌ی کبیره<sup>(۱)</sup> را بخوانم. این زیارت در اواخر مفاتیح الجنان است. من که مقداری عربی فراگرفته بودم و معنی بسیاری از عبارات این زیارت را می‌فهمیدم در سخن گفتن با ائمه علیهم‌السلام لذت بسیار می‌بردم.

در حرم امام هادی علیه‌السلام زیارت جامعه لطف دیگری داشت؛ چه این زیارت را حضرت هادی علیه‌السلام خود تعلیم فرموده بودند و اکنون من سعادت داشتم که عبارات خود آن حضرت را در آستانشان عرضه بدارم.

درود بر شما خاندان نبوت! ای برجستگانی که رسالت در خاندان شما جای دارد و فرشتگان در رفت و آمد به سوی شما افتخار دارند. جایگاه وحی الاهی در خانواده شما بوده است. شما خزانه‌داران علم خدایید...

این خانه محلّ زندگی امام هادی و سپس امام عسکری علیه‌السلام بوده است و اکنون قبور مطهر ایشان به همراه قبر حضرت نرجس خاتون، مادر امام زمان و حضرت حکیمه خاتون، خواهر امام هادی علیه‌السلام در کنار هم است.

---

۱- زیارت جامعه یعنی زیارت فراگیر که می‌شود آن را خطاب به هر یک از معصومان علیهم‌السلام خواند. طولانی‌ترین آنها را کبیره گویند.

بنابراین، محلّ تولد و زندگی چند ساله‌ی امام زمان در دوران زندگی پدر بزرگوارشان همین جا بوده است. دلم می‌خواست و جب به جب حرم را ببوسم: «یرا مولایم و پدرانش در همین محل‌ها قدم گذاشته و رفت و آمد کرده‌اند. بارها به زمین می‌افتادم و می‌گریستم و زمین را می‌بوسیدم. با خود زمزمه می‌کردم: آقای من! کجااید؟ من به خانه‌ی شما آمده‌ام؛ می‌خواهم دست و پای شما را ببوسم و از محضر شما استفاده کنم؛ اما افسوس که شما را نمی‌بینم!

پدرم گفت: عصر به زیارت سرداب مطهر می‌رویم. من شنیده بودم که این جا در سالهای آغاز زندگی امام زمان علیه السلام، مخفی‌گاه آن حضرت بوده است. ستمگرانی از دودمان عباسیان که در آن روزگار فرمانروایی داشتند؛ خبر تولد آن حضرت را شنیده بودند و می‌دانستند ولادت حضرتش با از بین رفتن حکومت ستمگرانه‌شان همراه است. بنابراین، دستور داده بودند تا مأموران زن منزل امام حسن عسکری علیه السلام را بازدید و جستجو کنند. آنان هم مواظبت داشتند تا در این خانه پسری از خاندان رسالت به عرصه‌ی هستی گام نگذارد.

خداوند - که به همه چیز داناست و وجود مقدس امام زمان علیه السلام را برای برپایی عدالت همگانی و اجرای بندگی الاهی ذخیره کرده است - با مخفی نگه داشتن بارداری مادرش، چشمان آنان را از واقعیت دور داشت. آن بزرگوار به صورت مخفیانه متولد شدند و مدّتی در همان

محل می‌زیسته و در همان خانه، و گاه در یکی از سرداب‌ها<sup>(۱)</sup> به صورت نهانی زندگی می‌کرده‌اند.<sup>(۲)</sup>

عصر آن روز، به سرداب مطهر رفتیم. ورود به این زیر زمین آدابی دارد. اولین کار اجازه گرفتن است. این رسم در همه‌ی حرمهای مطهر هست. من خیلی دلم می‌خواست در ورود به آن سرداب مقدّس، از خود آن آقا به نحوی اجازه بگیرم که صدای مبارکشان را بشنوم. آرزو می‌کردم که اجازه‌ی ورود را از لبان گهربار آن حضرت بشنوم.

پس از خواندن عبارات اذن دخول، از پله‌های زیر زمین پایین رفتم. دلم می‌خواست تمامی سطح پله‌ها را غرق بوسه کنم؛ زیرا شنیده بودم که امام علیه السلام به این محل توجه ویژه‌ای دارند و مرتب به این محل تشریف می‌آورند. از جمله کسانی که حضرتش را در این محل زیارت کرده است مرحوم سید ابن طاووس است.

سید ابن طاووس از علمای قرن ۷ هجری بوده‌است که در سالهای

---

۱- واژه‌ی سرداب (= سرد + آب) در اصل فارسی است و به زیرزمین‌هایی که در مناطق گرمسیر، از جمله بیشتر خانه‌ها در عراق، وجود دارد. گفته می‌شود این محل‌ها - که پیشترها بیشتر مورد استفاده واقع می‌شد - خنک می‌بود و مردم در گرما به این سردابها پناه می‌بردند.

۲- لازم است که جوانان عزیز با جزئیات نقل شده از داستان ولادت حضرت مهدی علیه السلام آشنا شوند و به این منظور به کتابهایی که در این مورد نوشته شده مراجعه کنند.

۵۸۹ تا ۶۶۱ هجری قمری می‌زیسته است. وی از شخصیت‌های برجسته‌ای است که علاقه‌ی فراوانی به حضرت مهدی علیه السلام داشته و این علاقه را به صورت‌های گوناگون بروز داده است.

او می‌گوید که در یک سحرگاه، این مناجات را در سرداب مطهر از حضرت صاحب‌الأمر ع ارواحنا فداء ع شنیده است:

«پروردگارا! شیعیان و پیروان ما از پرتو انوار ما و زیادتی طینت (= گل سرشت) ما آفریده شده‌اند. اگر آنان در دنیا خطاهای فراوانی مرتکب می‌شوند، به این امید دارند که محبت ما و ولایت ما به کمک‌شان برسد و گناهانشان را بزداید.

خداوندا! اگر ایشان به گناه آلوده‌اند، از تو می‌خواهیم گناهان را از صفحه‌ی وجودشان پاک کنی بدین ترتیب. ما با این گذشت و کرامت تو خوش حال خواهیم شد.

خداوندا! اگر بین خود شیعیان اختلافاتی مالی هست که از هم نمی‌گذرند، تو صلح و آرامش بین آنها را ایجاد فرما و از سهم خمس ما<sup>(۱)</sup> زمینه‌ی پرداختش را فراهم دار.

پروردگارا! شیعیان ما را داخل بهشت فرما!

---

۱- خمس یک دستور فقهی در آیین تشیع است. معنای آن این است که یک پنجم درآمد اضافی هزینه‌ی سالانه‌ی هر فرد، به امام زمان او تعلق دارد و در غیبت آن حضرت، به مصارف ویژه‌ای از جمله رفع گرفتاریهای مردم می‌رسد.

آنها را از آتش جهنم نجات بخش! و ایشان را با دشمنان ما در یک صف  
مورد غضب خود قرار مده! (۱)»

سید ابن طاووس در کتابی که برای فرزندش سید محمد نوشته  
است، توصیه‌های فراوانی دارد. این کتاب، **كشْفُ الْمَحْجَةِ لِثَمَرَةِ  
الْمُهَبَّجَةِ** نام دارد و آقای محمد باقر شهیدی آن را با نام برنامه‌ی سعادت  
ترجمه کرده است.

در سالهای اخیر در ترجمه‌ی دیگری از این کتاب، به نام فانوس به  
قلم مرحوم دکتر اسدالله مبشری نیز چاپ شده است.

وی توصیه‌های چندی در رابطه با حضرت ولی عصر علیه السلام برای  
فرزندش می‌دارد که برخی از آنها را نقل می‌کنم:

۱- امام زمانت را آن‌گونه دوست بدار و آن‌گونه به آن حضرت  
وفادار باش که خدا و رسول او و پدران بزرگوار امام زمان علیه السلام از آن  
راضی و خشنودند.

۲- خواسته‌های امام زمان علیه السلام را بر نیازهای خود ترجیح ده.

۳- هرگاه خواستی برای خودت و عزیزانت صدقه دهی، برای آن  
حضرت صدقه بده.

۴- قبل از آن که برای خودت دعا کنی، برای امام زمان علیه السلام دعا کن.

---

۱- جنة المأوی، حکایت ۵۵- نجم الثاقب حکایت ۱۹.

۵- در روزهای دوشنبه و پنجشنبه، با کمال ادب و فروتنی، نیازهایت را به حضرتش عرضه کن. (۱)

باری... وارد سرداب شدیم و اعمال مخصوص آن مکان را به جای آوردیم.

در این جا بود که با توضیحات پدرم بخشی از یک تحریف اساسی تاریخی را دانستم.

سرداب، محلّ غیبت امام زمان علیه السلام است. زمانی که پدر ایشان، امام عسکری علیه السلام شهید شدند، برادر امام عسکری به نام جعفر در جلوی مردمی که برای نماز بر بدن مطهر ایستاده بودند، قرار گرفت. در این هنگام، امام عصر علیه السلام که در ظاهر کودکی ۴ یا ۵ ساله بودند- کنار جعفر قرار گرفته از عمو خواستند که جای خود را واگذار کند. بدین ترتیب، حضرت ولی عصر علیه السلام به پیکر پدر بزرگوار نماز خواندند. مأموران حکومت که شاهد این ماجرا بودند- بدنبال آشکار شدن ناگهانی این کودک- که فرزند امام حسن عسکری علیه السلام بود- قصد جان او کردند. آن حضرت از دست مأموران گریخته به سرداب رفتند. مأموران وارد سرداب شدند؛ اما حضرتش را ندیدند و این همان وعده‌ی الاهی بود

---

۱- فانوس، صص ۲۳۰ - ۲۳۱.



که آن حضرت از دیده‌ها پنهان می‌شوند و غیبت آغاز می‌گردد. غیبت بدین معنی است که خداوند برای حفظ آن بزرگوار از خطرات گوناگون و نیز حکمت‌های دیگری که برخی از آنها بر ما پوشیده است، اجازه داده است تا ایشان به صورت ناشناس زندگی کنند. در مواردی، دیگران توانایی دیدار این آفتاب درخشان را ندارند و در بسیاری دیگر از موارد، او را می‌بینند؛ ولی نمی‌شناسند.

دشمنان تشیع، در این میان افسانه‌ای را ساختند و آن را نقل کردند. آنها گفتند که شیعیان می‌پندارند امام زمان علیه السلام در چاه رفته و در آنجا غیبت کرده است! بدین منظور در صحن مطهر حضرت عسکری علیه السلام نیز چاهی را نشان می‌دهند که افراد ساده لوح به آنجا رفته و تبرک می‌جویند. پدرم می‌گفت: چاه افسانه‌ای دروغین است و نباید به آن توجهی کرد.

در سرداب مطهر فرصتی بود که با امام زمان علیه السلام سخن بگویم. من به اندازه‌ی وجودم و با زبان خودم با آن حضرت صحبت می‌کردم. ابتدا از این که با ایشان آشنا شده‌بودم اظهار خوش وقتی می‌کردم. به آن حضرت می‌گفتم که این آشنایی در کارهای من اثر فراوانی داشته است؛ در عین حال شرمنده‌ام که نتوانسته‌ام وظایفم را به خوبی انجام دهم.

او را پدری مهربان می‌دیدم که منتظر است فرزندش خواسته‌هایش را به او بگوید.

این بود که من خواسته‌هایم را عرضه می‌داشتم:

مولا! دلم می‌خواهد شما را بیشتر بشناسم.

دوست دارم شما را ببینم.

علاقه دارم از محضر تان استفاده کنم.

آرزو دارم که خدمتگزار تان باشم.

دلم آتش گرفته بود. اشک می‌ریختم و با امام خود سخن می‌گفتم.

باورم شده بود که او هم مرا دوست داشته است که به من اجازه داده در

منزلش و در محلّ عبادتش بنشینم و با سوز و گداز با او سخن بگویم.

سعادت دیدارش دست نداد؛ اما پیوند او با من محکمتر شده بود.

بهترین دلیلش آن بود که در خود علاقه به انجام دستورات مذهبی را

قویتر می‌دیدم. از آن پس، کتابهای مذهبی و مخصوصاً کتب مربوط به

حضرت ولی عصر علیه السلام را با علاقه می‌خواندم.

باید اعتراف کنم لطف آن بزرگوار نه بر من که بر همگان زیاد بوده و

هست؛ اما آن چه که به من مربوط می‌شد سستی و تنبلی و آلودگی بود.

من می‌دانستم عصرهای دوشنبه و پنجشنبه اعمالم بر آن بزرگوار

عرضه می‌شود. زمانی که چشمان مبارک آن حضرت نامه‌ی اعمال مرا-

که حکایت از خلاف‌هایم دارد- می‌بیند، ایشان متأثر و اندوهگین

می‌شوند و اگر کار خوبی داشته باشم، شاد می‌گردند.

تذکرات مربیان مرا بر آن می‌داشت که محتوای سوره‌ی والعصر را

پیوسته در نظر داشته باشم و در تحقق آن بکوشم.

﴿وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ أَلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾

ایمان به خدا، قیامت و پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام و دست یازیدن به دامن پر مهر امام عصر عجل الله فرجه و اعمال شایسته‌ای که مورد رضایت خدا و اولیایش باشد، توصیه به حق و نیز توصیه به صبر در عبادات و صبر در مقابل گناهان، ویژگیهای انسانی است که نجات می‌یابد. در غیر این صورت، زیان‌کاری و ضرر زندگی را فرامی‌گیرد.

لازم بود که با اعتقاد به زنده بودن امام زمان عجل الله فرجه و توجه آن حضرت در همه شؤون زندگی، از آن بزرگوار در اعمال روزمره‌ی خود، اعم از عبادات فردی و اجتماعی، زندگی خانوادگی و آینده‌نگری و بهره‌برداری از اوقات گرانبها، کمک بخواهم و ضمن توصیه‌ی رفتار صحیح به دیگران، خود از توصیه‌های خیرخواهانه‌ی دیگران استفاده کنم. هر جا که حرف حقی رامی‌شنیدم و در برابر آن خضوع می‌کردم و تسلیم می‌شدم و با پذیرش حق، رفتارم را عوض می‌کردم، مسیر زندگی‌ام روشنتر و بهتر می‌شد.

در همین دوران واقعی‌تری دیگر برایم روشن شد: هرچه بیشتر غفلت می‌کردم، حضرتش کمتر کمند محبت را به سوی من می‌انداخت و

نیروهای دیگری - که همگی شیطانی بودند - مرا از مسیر صحیح باز می‌داشت.

شیطان در برابر خداوند قسم یاد کرده بود که بر سر راه مستقیم نشسته همگان را به انحراف می‌کشاند. اگر راه حضرت ولی عصر علیه السلام راه درست و مستقیم است، پس او - که دشمن سوگند خورده است - به این راه نظاره می‌کند و هر کس را که در این مسیر به دنبال امام زمانش گام برمی‌دارد، شناسایی می‌کند و از طریق عواملش به انحراف وی همت می‌گمارد.

مربیان به گردن ما حقّ عظیمی داشتند که پیوسته خطر شیطان را به ما یاد آوری می‌کردند. آنها زمینه‌های اصلی فعالیت شیطان را یادآوری می‌کردند که چنین است:

### ۱- غرور:

هر عمل خیر و هر عمل عبادی ممکن است موجب شود که اساس کنیم چه جوان خوبی شده‌ایم و اکنون می‌توانیم از هر کار زشتی دوری کنیم (!)؛ اما این آفت است. باید برای رهایی از شیطان، از خود ناامید باشیم و با دست زدن به دامان امام زمان علیه السلام به خدای بزرگ پناه ببریم؛ **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ**.

### ۲- دوستان ناباب:

دوستی‌های پایدار معمولاً از سنین نوجوانی آغاز می‌شود.

کسی برای جوان دوست تلقی می‌شود که با خواسته‌های او همراهی کند و در همه‌ی کارها محرم اسرار وی باشد؛ اما در مکتب امام زمان علیه السلام دوست شایسته آن است که پیوسته ما را به یاد خدا و امام زمان علیه السلام بیندازد. دوستی صالح است که اگر کار خلافی کردیم، صریحاً ما را از کار خلاف باز دارد و روش صحیح را یادآوری کند. شاعر می‌گوید:

از محبت دوستی برنجم      کاخلاق بدم حسن نماید  
کو دشمن شوخ چشم ناپاک      تا عیب مرا به من نماید  
۳- خوش گذرانی:

نوجوان دوست دارد که اوقات را به خوشی بگذراند و آن چه لذتهای بیشتری را به او ارزانی دارد مطلوبتر است؛ اما بندگی خدا لذتی فراتر از این است. بسیاری از لذتهای مادی، علاوه بر زود گذر بودن، آینده‌ی تاریکی دارد. اگر جوانی چشمش در دیدن هر منظره‌ای آزاد حرکت کند و گوشش هر صدایی را بشنود و دنبال کند و دستش به سوی هر چیزی دراز و پایش به هر مجلسی باز شود، پس از مدتی کوتاه، تمامی سرمایه‌هایش دست خوش تاراج غارتگرانی می‌شود که هستی او را هدف گرفته‌اند.

در برابر او جوانی، که به دنبال مولایش امام زمان علیه السلام رفته و او را خواستار شده است، در هر کار خود به آینده می‌نگرد و قطعاً لذتی که در این پیروی برایش حاصل می‌شود از همه لذتها شیرین‌تر و برتر است.

در آستان آن عبادت‌گاه مقدّس، از مولای خود چنین خواستم:  
مولای من!

- از این که خودت را به من نزدیک کردی، سپاس گزارم.

- از این که اجازه دادی با تو سخن بگویم، ممنونم.

- سپاس خود را با کمک خواستن از تو و پی‌روی از آن چه

مورد رضای توست نشان می‌دهم و قول می‌دهم که سعی کنم

نامه‌ی اعمالم لبخند رضایت را بر لبانت بنشانم؛ اما در همین

کار هم از تو کمک می‌خواهم.

سرور و مولایم!

- در مقابله با شیطان، خودت مرا کمک کن.

- گفته‌اند: صدقه دادن (یعنی صادقانه به کسی خوبی کردن)

موجب سلامتی است. من برای سلامتی تو صدقه می‌دهم، زیرا

تو را دوست می‌دارم.

- پیوسته در درگاه الهی و در هر جایی که امکان داشته باشد،

سلامتی و ظهورت را از خدا خواستارم.

دوست دارم که هر چه زودتر خداوند اجازه‌ی ظهور و قیام عنایت

کند و صدایت را از مسجد الحرام بشنوم که بانگ برداشته‌ای:

«بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»

« وَأَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ الْمُتَنَطِّرُ »

«نگه داشته‌ی خدا برای شما (از هر چیزی) بهتر است؛ اگر ایمان داشته باشید و من همان بقیة الله هستم که انتظارش را می‌کشیدید...»

سفر، شیرین بود و به یادماندنی. پس از گذشت ۲ ماه، با غم ترک آن دیار مقدّس - که زیارتگاه نیمی از امامان است - به زادگاه خویش برگشتیم و باز زندگی معمولی آغاز شد؛ اما پیوند قلبی من با امامانم و به ویژه مولایم امام زمان علیه السلام محکم و محکمتر شد. راستی... چه سفر پر ثمری بود!

حماد از نزدیکان امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

شب بیست و یکم ماه رمضان خدمت امام جعفر صادق علیه السلام رسیدم. به من فرمودند: غسل کرده‌ای؟ پاسخ مثبت دادم. حضرت زیراندازی را خواستند و به امر ایشان، من هم در کنار ایشان قرار گرفتم. تا به سحرگاه نماز خواندند و زمانی هم دعا فرمودند و من آمین گفتم.

هنگام طلوع فجر، به اذان و اقامه ایستاده دو رکعت نماز صبح را خواندند و من و غلامان ایشان، پشت سر ایشان، نماز را به جماعت گزاردیم. آن بزرگوار، در رکعت اول، سوره‌ی مبارکه حمد و سوره "اَنَا أَنْزَلْنَاهُ" و در رکعت دوم "حمد" و "قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ" را تلاوت فرمودند.

پس از نماز صبح، به تسبیح و تقدیس و حمد و ثنای خداوند پرداخته، بر پیامبر و آل پیامبر درود فرستادند و برای همه مؤمنان و مسلمانان دعا فرمودند. در انتها، سر به سجده گزاردند. مدتی فقط صدای نفسهای مبارک حضرت را می‌شنیدم.

پس از مدتی، صدای مناجات آن بزرگوار به گوشم رسید که عرض می‌کرد:



لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُقَلَّبُ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ وَ...

و سپس به این قسمت رسیدند:

وَ أَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ وَ مَا لَمْ أَسْأَلْكَ مِنْ عَظِيمِ  
جَلَالِكَ مَا لَوْ عَلِمْتُهُ لَسَأَلْتُكَ بِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ  
بَيْتِهِ، وَ أَنْ تَأْذَنَ لِفَرَجٍ مَنْ بِفَرَجِهِ فَرَجُ أَوْلِيَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ مِنْ  
خَلْقِكَ وَ بِهِ تُبِيدُ الظَّالِمِينَ وَ تُهْلِكُهُمْ، عَجَّلْ ذَلِكَ يَا رَبَّ  
الْعَالَمِينَ.

پروردگارا ترا به حق هر آنچه از عظمت تو خواندم و آنچه از عظمت  
که اگر می دانستم ترا به آنها نیز می خواندم درخواست دارم که بر محمد و  
آلش درود بفرستی و نیز اجازه فرج آن کس را صادر فرمایی که اگر فرج  
او انجام شود فرج همه اولیاء و برگزیدگان از آفریدگانت خواهد شد و به  
وسیله او همه ستمگران را نابود و هلاک خواهی کرد. ای پروردگار عالم  
در این امر تعجیل فرما.

حضرت باز به دعای خود ادامه دادند و سر از سجده برداشتند.  
حماد می گوید: خدمت حضرت عرض کردم آیا مگر خود شما آن  
کس نیستید که به فرج شما فرج همه اولیا و اصفیا خواهد بود؟  
حضرت فرمودند: خیر، او قائم آل محمد است.

عرض کردم: آیا برای خروج آن بزرگوار علامتی هست؟ فرمودند: بله. به هنگام طلوع خورشید کسوف انجام می‌شود و... به همین مقدار اکتفا کن. فقط هر شب و هر روز انتظار وقوع فرج را داشته باش زیرا که خداوند هر روز در کاری است و هیچ کاری او را از کار دیگر باز نمی‌دارد، خدای تو چنین است. اولیای خدا به کمک خدا محفوظند و تنها از خدا می‌ترسند.<sup>(۱)</sup>

خداوند حضرت ولی عصر(عج) را مأموریتی ویژه عنایت فرموده است. این مأموریت، آن گونه که به همه انبیا و اولیا نیز یادآوری شده، تحقق عدالت همگانی در تمامی سطح جهان است. توضیح آن که پروردگار متعال، همه انسانها و موجودات پنهانی را برای عبودیت آفریده است. یعنی همگان باید در مقابل عظمت خداوند، سر تعظیم و تسلیم فرود آورده، اوامر او را گردن نهند و از هر آنچه که او نهی فرموده دوری گزینند. اما از همان ابتدای آفرینش انسان، یکی از موجودات پنهانی - به نام شیطان - به اختیار خود سرکشی کرد و در مقابل امر پروردگار به سجده در مقابل حضرت آدم، نافرمانی نمود. این نافرمانی و عصیان باعث شد که خداوند او را از درگاه خود براند.

شیطان از خداوند، مهلت درازی را درخواست نمود تا به اغوا

---

۱- کتاب مکیال المکارم جلد دوم ص ۴۴ تا ۴۶، به نقل از کتاب اقبال

و فریب آدمیانِ راست کردار بپردازد. و خداوند برای امتحان بشر، شیطان را مهلتی فراوان داد و در عین حال، بشر را از فریب شیطان آگاه نمود.

شیطانِ رانده شده، تمامی تلاش خود را در طول تاریخ، بکار برده تا انسانهای خوب را از خوبی‌ها به دور دارد و بدی‌ها را برای او تزئین نماید تا بدین طریق، بشر را از بندگی خداوند منحرف سازد. و البته که در بسیاری از مواقع موفق شده است.

### انسان:

- با داشتن ضمیری پاک که مخلوق خداوند است و خمیره‌ی وجودش نیز با معرفت خداوندی سرشته شده است؛  
- در عین داشتن عقل که هر خوبی را از هر بدی توان تمیز دارد؛

- و نیز بهره‌مندی از روشنگریهای پیامبران و اولیای الهی؛  
فریب شیطان را خورده، در مقابل حق، مخالفت نمود. او بجای روی آوردن به درگاه الهی، در برابر خواسته‌های نفسانی تسلیم گشته و هواهای شیطانی را برگزیده است. به همین دلیل، سراسر تاریخ بشر، شاهد ظلم و بیدادگری و ستیز در برابر حق و حقیقت و اقدامات پیامبران بوده است. در عین حال، پروردگار مهربان، روزی را به عنوان پایان این امتحان و برقراری عدالت -

به معنای وسعتِ عبودیت و بندگی خدا - به همه انبیا و اولیا و مکاتب الهی بشارت داده است.

آن روز، روز برپاییِ حقّ و عدالت است و برپاکننده این قیام، وجود مقدس حضرت ولی عصر (عج) است که روایات بیشماری این مژده را تأیید می‌نمایند.

این شخصیت الهی که از دودمان گرامی پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی علیه السلام می‌باشد، فرزند حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است و بنا به امر الهی قرن‌ها از مسیر شناسایی مردم دور بوده است و خواهد بود.

دوستاناران مکتب الهی، تحقق این عدالت را ارج می‌نهند و چشم‌ها را به این آینده دوخته، یکدیگر را بدان روز، بشارت می‌دهند و با تمامی وجود از خداوند بزرگ، بستن تومار مهلت شیطان را خواستار شده، فرج مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله را طلب می‌نمایند.

انسانهای حق جو موظفند:

۱ - از یکسو به عنوانِ بندگانِ شایسته‌ی خداوند، دستورات خداوندی را بدان‌گونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بیان فرموده‌است، گردن نهند و انسانی مؤمن و شایسته، از خود بسازند.

قرآن در سوره‌ی مؤمنون می‌فرماید:

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ « ۱ » الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ « ۲ »  
 وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ « ۳ » وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ « ۴ »  
 وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ « ۵ » إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ  
 أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ « ۶ » فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ  
 الْعَادُونَ « ۷ » وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ « ۸ » وَالَّذِينَ هُمْ  
 عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ « ۹ » أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ « ۱۰ » الَّذِينَ  
 يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ « ۱۱ »

به راستی که مؤمنان، رستگارانند.

آنانی که در نمازشان، در برابر خداوند خشوع دارند.

و آنانی که از کار لغو و بی‌هوده روی می گردانند.

و آنانی که زکات می پردازند.

و آنانی که اندام خود را، از حرام محفوظ نگاه می دارند. مگر بر

همسران و کنیزان، که در این صورت، ملامتی برایشان نیست.

پس آنانی که از این مقررات دوری کنند، تجاوزکارانند.

و آنانی که نسبت به امانات و عهدی که دارند رعایت می کنند.

و کسانی که نسبت به نمازشان پای بندی دارند.

اینان فردوس را به ارث می برند و در بهشت، جاودانه خواهند بود.

۲- از سویی دیگر، در سختیها و ناکامیها و بروز آثار شیطانی

در جامعه، ناامید نشده، آینده تابناک را به عنوان وعده‌ی الهی  
ارج می‌نهند.

۳- برای تحقق این وعده الهی - بنا به امر خداوند - بایستی  
پیوسته دستهای طلب را به سوی خداوند دراز کرده، از  
درگاهش، ظهور ولیّ وقت و آخرین ذخیره یعنی حضرت مهدی  
را درخواست کنند.

بدین ترتیب، انسان وارسته، می‌بایستی پیوسته در مسیر  
ارتباط با مولایش حرکت کند و از او راهنمایی بخواهد. بدیهی  
است که دعا بر سلامتی و طول عمر و ظهور امام زمان علیه السلام،  
مهمترین وظیفه‌ایست که بندگان صالح، بدان مأمورند. زیرا این  
وجود گرانقدر، برای انجام آنچه‌ان برنامه عظیمی تدارک دیده  
شده و شایستگی آن را داشته است.

در روایات بسیاری، این امر مهم توضیح داده شده و تأکید بر  
آن گردیده است.

در این مورد، کتابی بسیار ارزنده تألیف شده که قصد دارم  
در این نوشته، به معرفی آن کتاب پرداخته و برگزیده‌ای از آن را  
تقدیم‌تان نمایم. زیرا آشنایی با این کتاب، - که خود افتخار  
خواندن آنرا در دوران جوانی داشتم و بر من تأثیر عمیقی  
گذاشت - بر فرد فرد ما لازم است.

نام کتاب: مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم (عج)

پیمانه‌ی اندازه‌گیری کرامت‌ها در فواید دعا برای حضرت  
مهدی (عج)

مؤلف: سید محمد تقی موسوی اصفهانی

تولد: ۱۳۰۱ هجری قمری

وفات: ۱۳۴۸ هجری قمری

علت تألیف کتاب: مؤلف در ابتدای کتاب نوشته است که:

مدتها در اندیشه نوشتن کتابی درباره فواید دعا برای امام زمان (عج) بودم اما مشکلات روزگار و گرفتاریها مرا از این کار باز می داشت. تا اینکه در خواب به محضر انور حضرت بقیةالله (عج) شرفیاب شدم، من که توان نوشتن و بیان آنچه را که دیدم ندارم.

آن بزرگوار به بیانی دل‌انگیزتر از هر دوستی و هیجان انگیزتر از نوای هر نوازنده‌ای به زبان فارسی فرمودند:

این کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام او را بگذار:

مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم (عج).

از خواب بیدار شدم. همچون تشنه‌ای که سیراب نشده، تأسف فراوان، از عدم ادامه خواب خوردم. لیکن تصمیم خود را بر نوشتن کتاب گرفتم. اما متأسفانه سعادت یار نشد. تا اینکه در سال گذشته که سال ۱۳۳۰ هجری قمری بود (یعنی در سن ۲۹ سالگی) به حج مشرف شدم. در آنجا مرض وبا باعث کشتار عده زیادی شد و من با خدای خود عهد کردم که در صورت نجات از این مهلکه، در بازگشت، کتاب شریف مزبور را

بنویسم و اکنون بر عهد خود وفا نمودم.

خواننده‌ای که این کتاب را بخواند و به مضامین آن دقت کند، نورانیّت کتاب را که به امر مستقیم حضرت ولی عصر (عج) نوشته شده، کاملاً درک می‌کند و خود می‌یابد که بین این کتاب و بسیاری دیگر کتبِ مربوط به امام عصر علیه السلام تفاوت فراوانی موجود است. (۱)

**مجلّدات کتاب و ترجمه‌ی آن:** چاپ دوم در دو جلد ۵۲۴ و ۴۴۰ صفحه‌ای در سال ۱۳۹۸ هجری قمری انجام شده است. کتاب در سال ۱۳۶۱ توسط سید مهدی حائری قزوینی به فارسی ترجمه شده و در دو جلد ۶۴۰ و ۶۲۴ صفحه‌ای تاکنون ۵ بار تجدید چاپ شده است.

**ابواب کتاب:** در ابتدا، معرفی مختصری از ابواب کتاب انجام می‌شود و سپس توضیحی درباره هر یک از ابواب به مناسبت عرضه می‌گردد. کتاب ۸ باب به شرح ذیل دارد:

**باب اول:** بحث در وجوب شناسایی حضرت صاحب‌الزمان (عج) و دلایل مربوطه. ۱۱ صفحه  
**باب دوم:** بحث درباره دلایل مربوط به اینکه مهدی اسلام،

---

۱- چنانچه خواننده با زبان عربی آشنا باشد می‌تواند متن اصلی کتاب را بخواند. بدین ترتیب، حقایق زیادی را که در عبارات نقل شده از بیانات ائمه علیهم السلام آمده درک خواهد نمود.



همان حضرت حجّة بن الحسن (عج) است. ۱۵ صفحه

باب سوم: برخی از حقوق حضرت ولی عصر بر ما. ۹ صفحه

باب چهارم: جهات گوناگونی که وظیفه ما را در دعا بر

حضرت صاحب الزمان ایجاب می کند. ۲۵۸ صفحه

باب پنجم: کرامت‌هایی که برای انسان در اثر دعا بر فرج

امام عصر علیه السلام ایجاد می شود. ۲۱۷ صفحه

باب ششم: زمانها و مکان‌هایی که در آنها دعای بر

صاحب الزمان و درخواست تعجیل در فرج آن بزرگوار از

خداوند تأکید شده است. ۵۴ صفحه

باب هفتم: در سه بخش تنظیم گردیده است:

۱- مقدمه بحث. ۱۳ صفحه

۲- کیفیت دعا در تعجیل فرج امام عصر (عج). ۲ صفحه

۳- برخی از دعاهای وارد شده در روایات، از زبان ائمه علیهم السلام

درباره فرج حضرت مهدی (عج). ۳۳ صفحه

باب هشتم: اعمال دیگری غیر از دعای بر فرج که زمینه‌ی

نزدیکی انسان به حضرت مهدی (عج) را فراهم می آورد.

## باب اول:

### وجوب شناسایی حضرت صاحب الزمان (عج) و دلایل مربوطه

مؤلف در این مبحث، سیزده روایت را نقل فرموده است و برای برخی از آنها، توضیحاتی را آورده است. از میان روایات مزبور دو روایت را نقل می‌نمایم.

۱- حارث بن مغیره می‌گوید که خدمت امام صادق علیه السلام عرض

کردم:

[قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؟

قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: جَاهِلِيَّةً جَهْلَاءَ أَوْ جَاهِلِيَّةً لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

جَاهِلِيَّةً كُفْرٍ وَنِفَاقٍ وَضَلَالٍ] <sup>(۱)</sup>

توضیح بفرمایید که این فرمایش رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را که

هرکس بمیرد و امامش را نشناسد آیا مرگش واقعاً مرگ

---

۱- کافی ج ۱ باب من مات ولم يعرف... ص ۳۷۷ حدیث سوم.

جاهلیت است؟ حضرت صادق علیه السلام فرمودند: بله.  
عرض کردم: این مرگ جاهلیت بمعنی ندانستن معمولی است  
یا جاهلیت به معنای عدم شناسایی امام است؟  
حضرت صادق علیه السلام فرمودند: بمعنی جاهلیت کفر و نفاق و  
ضلالت است.

۲- از امام صادق علیه السلام از پدرانشان از رسول گرامی صلی الله علیه و آله که  
حضرت فرمودند:

مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً (۱)  
هرکس قائم از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار نماید مرگش مرگ  
جاهلیت است.

مؤلف در پایان این باب ذکر می‌کند که منظور از معرفت امام  
زمان علیه السلام علاوه بر شناسایی نام و نسب حضرت، آگاهی از  
صفات و ویژگیهای خاص آن حضرت است که ایشان را از  
دیگران متمایز می‌کند.

---

۱- کمال الدین جلد ۲ ص ۴۱۲ باب ۳۹ ح ۱۲.

## باب دوم:

اثبات این مطلب که مهدی و موعود اسلام همان حضرت مجة بن الحسن العسكري علیه السلام است.

بدیهی است که معرفی هر امام، می بایستی یا از طریق پیامبر گرامی اسلام انجام شده باشد و یا از طریق امام قبلی صورت گیرد.

زمانی که این معرفی، به مردم انجام شود، تبعیت از آن امام، بر همگان واجب و لازم می شود.

در این بخش، هشت روایت که بر معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان فرزند امام حسن عسکری علیه السلام دلالت دارد، آمده است.

شیخ صدوق از عثمان بن سعید عمروی نقل می کند که من خدمت امام حسن عسکری علیه السلام بودم که فردی از آن بزرگوار راجع به روایت معروفی که از اجدادشان نقل شده که خداوند زمین را تا روز قیامت بدون حجّت وانگذاشته و اگر فردی بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد مرگش مرگ جاهلیت خواهد بود، سؤال نمود.

حضرت عسکری علیه السلام فرمودند: همانگونه که روز، روشن و حق است این روایت هم درست و حق است.

سؤال کننده از امام پرسید: حجّت و امام بعد از شما کیست؟ حضرت فرمودند: فرزندم محمد بعد از من امام و حجّت شماست. هر آنکس که بمیرد و او را نشناسد، مرگ جاهلیت خواهد داشت. او دارای غیبتی است که نادانان درباره او به حیرت می‌افتند و کسانی که او را قبول نکنند در هلاکت قرار می‌گیرند. و هرکس برای ظهور حضرتش وقتی بیان کند دروغ گفته است. فرزندم بعد از دوران غیبتش ظاهر می‌شود، و من از ورای زمان پرچم‌های سفیدی را که بالای سرش به اهتزاز در آمده می‌بینم. <sup>(۱)</sup>

مؤلف، در پایان این بحث بیان می‌کند که در کتاب کفایة الاثر مرحوم خَزَّازِ قُمِّی، هفده حدیث از طریق شیعه و سنّی آمده است که بیانگر مشخصات دوازده امام شیعه هستند.

---

۱- کمال الدّین جلد ۲ ص ۴۰۹ باب ۳۸ حدیث ۹.

## باب سوم:

برخی از حقوق حضرت ولی عصر علیه السلام بر ما  
و نیز محبت‌های آن بزرگوار نسبت به ما

در این باب، بیست و نه روایت نقل شده است که مطالب ذیل در  
آنها آمده است.

**۱- خلقت ما از طریق ائمه علیهم السلام انجام شده است.**

آنچه از روایات پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام مشخص  
می‌شود آن است که خداوند، نظام خلقت را به این طریق قرار داده  
است که ابتدا مقام روحانی حضرت رسول صلی الله علیه و آله آفریده شده و بعد  
از ایشان حضرت علی و حضرت فاطمه و ائمه علیهم السلام خلق  
گردیده‌اند.

خلقت ملائکه و انسانها، از مقامات و مراتب الهی ائمه علیهم السلام  
می‌باشد. به این ترتیب، وجود انسانها از وجود ائمه است و  
بنابراین آن بزرگواران بر ما، حق وجود دارند.

از امام زمان علیه السلام در توقیعی نقل شده است که حضرت  
فرمودند:

نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَ الْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا (۱)

ما ساخته شده‌ی خدایمان هستیم و خلایق، مصنوعات ما هستند.

در توقیع دیگری حضرت ولی عصر (عج) در پاسخ افرادی که موضوع خلقت و روزی دادن توسط ائمه را سوال کرده بودند فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى هُوَ الَّذِي خَلَقَ الْأَجْسَامَ وَ قَسَمَ الْأَرْزَاقَ لِأَنَّهُ لَيْسَ بِجِسْمٍ وَ لَا حَالٌ فِي جِسْمٍ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.  
فَأَمَّا الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَى فَيَخْلُقُ وَ يَسْأَلُونَهُ فَيَرْزُقُ،  
إِجَاباً لِمَسْئَلَتِهِمْ وَ إِعْظَاماً لِمَسْئَلَتِهِمْ. (۲)

خداوند تعالی اجسام را آفریده و روزی‌ها را تقسیم می‌نماید. زیرا که خدا جسم نیست و در جسم هم حلول ننموده است. هیچ چیزی مانند خدا نیست. و اوست که شنوا و بیناست. اما ائمه علیهم‌السلام از خداوند تعالی درخواست می‌کنند تا بیافرینند و نیز روزی عنایت فرماید و خداوند در جهت بزرگداشت حق آنان، خواسته‌ی ائمه را پذیرفته است. می‌آفریند و روزی می‌دهد.

۱- احتجاج طبرسی جلد ۲ ص ۵۳۶.

۲- احتجاج طبرسی جلد ۲ ص ۵۴۵.

## ۲- حق ادامه‌ی حیات در دنیا

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ (۱)

چنانچه زمین بدون امام باشد اهل خود را فرو می‌برد.

## ۳- حق قرابت با رسول خدا صلی الله علیه و آله

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (۲)

ای پیامبر به مردم بگو که من از شما اجری را نمی‌طلبم جز آنکه اهل  
بیتم را دوست بدارید.

در روایات فراوانی، ائمه علیهم السلام نزدیکان پیامبر معرفی شده‌اند.  
امام زمان علیه السلام در این زمان مصداق کامل این آیه می‌باشند.

## ۴- حق نعمت

روایات فراوانی بر این نکته دلالت دارند که خداوند در این  
جهان، نعمت‌ها را از طریق امام علیه السلام به مخلوقات می‌رساند. نعمت  
حیات، باران، روییدن گیاهان، حرکت خورشید و خلاصه، همه‌ی

۱- کافی جلد ۱ ص ۱۷۹ ح ۱۰.

۲- شوری آیه ۲۳.



آنچه را که می‌توان نام نعمت بر آن نهاد، بواسطه‌ی وجود  
گرانقدر امام زمان علیه السلام به ما می‌رسد.

از ویژگیهای انسان عاقل آنست که در برابر کوچکترین  
محبت و احسانی که فردی به او می‌نماید، سپاسگزاری کند. اگر  
در بیابان، محتاج بنزین و آب شدیم و گرمای تابستان هم ما را  
می‌آزرد، چنانچه رهگذری به ما احسان کرده، با دادن بنزین یا  
آب، ما را از گرفتاری نجات داد، پیوسته محبت او را ارج می‌نهیم  
و سپاسگزار او خواهیم بود و بدنبال جبران آن محبت هستیم.  
اگر باران نمی‌بارید، زندگی از بین می‌رفت.

اگر خورشید نبود و نورافشانی نمی‌کرد، حیات از روی زمین  
رخت برمی‌بست.

اگر تعادل حرکت خورشید بر هم می‌خورد، مشکل فوق‌باز  
پیدا می‌شد، و....

اما به برکت وجود امام زمان علیه السلام، در هر شبانه روز از  
نعمت‌های فراوان برخوردار شده و زندگی را ادامه می‌دهیم. بر  
ما لازم است که در مقابل این همه احسان و نعمت، کمترین وظیفه  
خود را که دعا بر سلامتی و فرج آن بزرگوار است انجام دهیم.  
در این، باب برخی حقوق دیگر نیز هست که جهت اختصار از  
ذکر آنان خودداری می‌نمائیم.

## باب چهارم:

ویژگیهای حضرت مهدی علیه السلام که

ما را بر دعای حضرتش الزام می‌نماید.

این باب یکی از مفصل‌ترین قسمت‌های کتاب مکیال المکارم است. در این باب نویسنده ۵۹۹ روایت را در ۲۸ قسمت دسته‌بندی نموده است.

نوع دسته‌بندی بر اساس حروف الفباست. در هر حرفی متناسب با آن حرف، یک یا چند ویژگی حضرتش را مطابق روایات به بحث گذاشته و به خوبی موفق شده که خواننده را بر اساس آن خصوصیت، نسبت به دعای بر امام زمان (عج) تشویق و ترغیب نماید. در این قسمت، ما برخی از عناوین را همراه با تعدادی از روایات ذکر می‌نماییم.

### حرف الف - ایمان حضرت به خداوند

هر انسان مؤمنی موظف است درباره مؤمن دیگر دعا کند، اثر این دعا آنست که خداوند همان دعا را به نفع مؤمن دعا کننده برای او مستجاب می‌فرماید. ایمان آورندگان به خدا حتی در

روز قیامت به فکر هم هستند و اگر مؤمنی به آتش فرستاده شود بقیه مؤمنین از خدا می‌خواهند که کرامت کرده و برادر و خواهر مؤمن‌شان را از آتش نجات دهد<sup>(۱)</sup>.

مصداق تمام و کمال مؤمن، وجود مقدس امام زمان علیه السلام است که بر ما دعای بر حضرتش لازم و ضروری است.

### حرف الف - استجابت دعای ما به برکت وجود امام عصر (عج)

روزی پیامبر گرامی اسلام به حضرت علی علیه السلام فرمودند: آنچه را که می‌گویم برای شریکانم بنویس تا به آنها این مطلب برسد. حضرت علی علیه السلام سؤال کردند: شریکان شما چه کسانی هستند؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: امامانی که از نسل تو خواهند بود شریکان منند. خداوند به سبب ایشان باران می‌فرستد و به خاطر ایشان دعاها را مستجاب می‌فرماید، و به واسطه آنان بدی‌ها را از مردم دور می‌کند و نیز رحمت را از آسمان نازل می‌فرماید.

سپس پیامبر فرمودند: اولین آنها حسن علیه السلام و بعد حسین علیه السلام است و نیز امامان از فرزندان تو.

یکی از نعمت‌های الهی، استجابت دعاها از طریق امام عصر علیه السلام است.

۱- کافی ج ۲ ص ۵۷. باب الدعاء للاخوان بظهر الغیب حدیث ۵.

## حرف الف - احسان امام زمان علیه السلام

در دعایی که فرموده، دشمنان را از مردم دور کرده و گرفتاریهای ایشان را برطرف می‌فرمایند.

## حرف الف - اغاثه و فریادرسی فریادکنندگان

از جمله ویژگیهای حضرت ولی عصر علیه السلام آنست که در گرفتاریهای شیعیان به فریاد گرفتاران رسیده، آنان را نجات داده و رفع نگرانی از ایشان می‌فرمایند. این بزرگوار با رحمت فراوانی که نسبت به مردم به خصوص شیعیان دارند، هرگاه که او را به خلوص دل بخوانند، به فریادرسی آمده و رفع ناراحتی می‌نمایند.

در این قسمت، نویسنده، داستانی را به نقل از کتاب *جنة المأوی*، نوشته‌ی مرحوم میرزا حسین نوری ص ۲۹۲ حکایت ۴۷ نقل فرموده که ترجمه آنرا عرضه می‌داریم.

یکی از شخصیت‌های مذهبی که از نزدیکان مرحوم میرزا حسین نوری بوده است به نام سید علی رشتی برای مرحوم نوری نقل نموده است که: در بازگشت از سفر کربلا به نجف اشرف، تصمیم گرفتیم تا از راه آب با کشتیهای کوچک، مسیر رود فرات را طی کرده به کوفه و نجف برسیم. در کشتی مزبور، عده‌ای از اهالی شهر حله و منطقه طویرج بودند. ایشان از فرصت استفاده کرده به پایکوبی و شوخی و عیش و نوش مشغول بودند.

یکی از آن میان، ضمن آنکه در خورد و خوراک همراهی با آنان می نمود، در پایکوبی و شوخی های آنها همراهی نمی کرد. این عدم همراهی، باعث می شد که همراهان او را به استهزاء و مسخره بگیرند.

کشتی ما پس از مدتی به قسمتی از رودخانه رسید که عمق آب کم بود و بنابراین ملوان کشتی از ما خواست تا برای مدتی از کشتی خارج شده، پیاده راه را طی کنیم تا کشتی سبک شده براحتی از آن منطقه گذر کند. اینجا فرصتی شد تا من با فرد مزبور همراه شوم و از او علت عدم همراهی وی با دوستانش را سؤال کنم. وی گفت: اینها نزدیکان پدری من هستند. پدرم و ایشان سنی مذهب هستند و لکن مادرم شیعه است و خود من را نیز حضرت ولی عصر (عج) به تشیع راهنمایی فرمود.

وی خود را یاقوت معرفی کرد که کارش روغن فروشی بوده در نزدیکی پل شهر حله به کسب مشغول است.

وی داستان خود را اینگونه بیان کرد:

برای تهیه و خرید روغن به اطراف حله سفری کردم و مقداری روغن تهیه کرده بر روی الاغی که داشتم بار کرده، بسوی حله براه افتادم. در این مسیر با برخی از اهالی حله همراه شدم. شب هنگام به محلی رسیدیم استراحت کرده، خوابیدیم. صبحگاهان که از خواب برخاستم، متوجه شدم همگان زودتر براه افتاده و من تنها مانده ام. نمی توانستم سفر را به تنهایی ادامه دهم زیرا از یکطرف بیابان خشک و بی آبی در پیش داشتم و از طرفی سابقه حمله درندگان در این بیابان زیاد بود. اما به ناچار بارم را بر

الاغ گذاشته براه افتادم. مسیر قدمهای آنان را دنبال کردم که بعد از مدتی راه پیمایی متوجه شدم راه را گم کرده‌ام و اثری از حرکت آنان بر روی خاکها دیده نمی‌شود. ترس از درندگان و تشنگی مرا فرا گرفت. همچون عادت همیشگی دست بدامان خلفای ناحق بعد از پیامبر یعنی ابوبکر و عمر و عثمان شدم و از آنها خواستم که مرا یاری دهند. هرچه گریستم و زاری نمودم کمکی مرا نرسید. در آن هنگامه بیچارگی و درماندگی که راه به جایی نمی‌بردم برقی به ذهنم زد و به یاد سخنان مادرم افتادم که می‌گفت: **دین ما را امامیست که او را اباصالح می‌خوانند. او راهنمای گم‌گشتگان و فریادرس بیچارگان و یار ضعیفان است.**

با خود عهد کردم که اگر او را بخوانم و به فریادم برسد همچون مادرم شیعه شوم و از روش پدری دست بردارم با ناامیدی او را صدا زدم، که ناگاه همراه خود مردی را دیدم که عمامه‌ای سبز رنگ همچون سبزی‌های کنار آب که به من نشان داد بر سرش بود. او به من راه را نشان داد و توصیه کرد تا مذهب مادرم را دنبال کنم و مطالب دیگری را نیز بیان کرد که فراموش نمودم. سپس به من فرمود به زودی به آبادی خواهی رسید که همه اهالی آن جا شیعه هستند.

از ایشان خواستم که مرا همراهی کند. در پاسخ فرمود: یاقوت هم اکنون هزار نفر دیگر در گوشه و کنار دنیا مرا خوانده و از من کمک طلبیده‌اند دوست دارم به همه آنها یاری برسانم و از دیدگانم پنهان شد. در این هنگام چند قدمی بیشتر برنداشته بودم که آن آبادی را دیدم. من یک روز آن جا

ماندم که فردای آنروز همراهانم تازه به آن آبادی رسیدند.  
به حله که رسیدم نزد سید مهدی قزوینی عالم محل رفتم و ضمن بیان  
آنچه بر من گذشته بود از ایشان خواستم راهی را به من بیاموزد که بار دیگر  
به دیدار آن بزرگوار نایل شوم. سید مهدی فرمود: چهل شب جمعه حضرت  
حسین علیه السلام را زیارت کن.

۳۹ شب جمعه به کربلا رفتم و حضرت اباعبدالله علیه السلام را زیارت کردم  
در بار چهلیم به دروازه‌های کربلا که رسیدم، دیدم مأمورین حکومتی رفت  
و آمدها را کنترل کرده جواز عبور از افراد می‌خواهند و من که جواز عبور  
رسمی نداشتم و حتی پولی نداشتم تا به جای جواز عبور استفاده کنم، مات و  
مبهوت در کناری ایستادم و از عدم موفقیت خود سخت ناراحت بودم.  
جمعیت زیادی از دروازه عبور می‌کرد.

چندین بار تصمیم گرفتم در میان جمع، مخفیانه بدون جواز عبور  
حرکت کنم و داخل کربلا شوم، اما نمی‌شد.  
بناگاه حضرت ولی عصر علیه السلام را که لباس طلاب ایرانی بر تن داشتند در  
داخل شهر کربلا دیدم. حضرتش را صدا زدم و کمک خواستم. ایشان از  
دروازه بیرون آمدند و مرا همراه خود داخل کربلا بردند بدون آنکه کسی  
از من جواز عبور بخواهد.

به محض آن که وارد کربلا شدم دیگر مولای خود راندیدم.

چه خوب است که ما هم در گرفتاری‌هایمان دل به این صاحب

بزرگوار خود دهیم و از او کمک بخواهیم و البته می باید مطمئن بود که آن عزیز ما را کمک و یاری خواهد نمود.

دانش آموز، در یادگیری درسها و گذراندن آزمونها می تواند او را بخواند.

جوان، در ازدواجش و کار شغلی و درآمدهای مادی از او کمک بخواهد.

همگان، در سیر معنوی و فراگیری راههای بندگی خدا از او مدد بجویند.

و بالاخره پیوسته او را صاحب خود دانستن و پناه خود دیدن شیرینی عجیبی دارد.

این راه را آغاز کنید و نتیجه اش را ببینید که تا آن نتایج را نبینید، دلبستگی به صاحب امر پیدا نخواهید کرد.

اما فراموش نکنید که ما نیز موظف هستیم پیوسته از خداوند سلامتی و ظهور حضرت صاحب الامر را بخواهیم. ما هر روز با مشکلات فراوانی روبرو می شویم که توانایی حل آنها را نداریم و بناگزیر راههای مختلفی را برای رفع مشکل بر می گزینیم. یکی از بهترین مسیرها، دست زدن به دامان بزرگوار است که خود راه را به ما می نمایاند و در بسیاری موارد، بقدری مسیر برایمان روشن می شود و بر حل مشکل خود توانا می شویم که از قبل، تصوّر آن را نمی کردیم.



حرف الف - احیای دین و اعتلای نام خدا و بزرگ داشتن ذکر خدا

حرف الف - انتقام از دشمنان خدا

دشمنان خدا در طول تاریخ به ستیز با خدا و فرامین الهی و نیز برگزیدگان خداوند پرداختند و بسیاری از بزرگان را و نیز مردمان بی دفاع را از دم تیغ ستم خود گذراندند. حضرت ولی عصر علیه السلام عهده دار خون مظلومان است که در رأس این مظلومان، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و مادر ستمدیده‌ی ایشان حضرت زهرا علیها السلام قرار دارند.

این ویژگی حضرت مهدی، ما را بر آن می‌دارد که دعای بر سلامتی و فرجش را جدی بگیریم و آن روز عظیم را از نزدیک ببینیم که انتقام خون همه مظلومان تاریخ بویژه اجداد بزرگوارش در آن تحقق می‌یابد.

حرف الف - اضطرار

یکی از برجسته‌ترین خصوصیات امام زمان علیه السلام، اضطرار آن بزرگوار در برابر همه نابسامانیهاست. آن حضرت، پیوسته نظاره‌گر آنهاست. در هر لحظه، او شاهد بیدادگریها و انحراف‌های فراوانی از مسیر خدا و حق و عدالت است. اما او که برای برپایی حق و عدالت، ذخیره شده، از مشاهده‌ی بیدادگریها

متأثر و متألم است. تا بجایی مضطر می شود که در مسجد الحرام کنار خانه ی خدا دو رکعت نماز گذارده، دست به دعا برداشته این آیه شریفه را تلاوت می فرماید:

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ. (۱)

کیست که خواسته ی مضطر را اجابت کرده، رفع ناراحتی نماید. امام علیه السلام فرموده اند که مضطر واقعی حضرت مهدی علیه السلام است و خداوند بدنبال این درخواست فرج او را اجازه می فرماید. (۲) خداوند، این روز درخشان را نصیب ما بفرما تا که شاهد لبخند پیروزی و سرور بر لبان مبارک امام عزیزمان باشیم.

**حرف ت - تحمل ناراحتی های ما توسط حضرت مهدی (عج)**

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

روز قیامت، خداوند حساب شیعیان ما را به ما وا می گذارد. آن خطاهایی که بین مردم و خداوند وجود دارند و عصیان مردم در برابر خداوند می باشند، پیامبر از خداوند درخواست گذشت و بخشش آنها را می نماید.

و اما حقوقی هم که دیگر مردمان بر گردن شیعیان ما دارند، پیامبر ادا

---

۱- سوره نمل آیه ۶۲.

۲- تفسیر علی بن ابراهیم ص ۴۷۹.

کرده، صاحبان حق را راضی می‌نماید. البته در مواردی که شیعیان بر ما ستمی روا داشته و ما حقی بر آنها داشته باشیم، خود ما از آنها گذشت خواهیم نمود و بدین ترتیب، بدون حساب وارد بهشت می‌شویم.<sup>(۱)</sup>

### حرف ت - تجدید اسلام بعد از کهنگی و محو شدن

حضرت مهدی (عج) در روزگار ظهور به تجدید اسلام و بیان واقعیات دین به همان گونه که پیامبر اسلام و حضرت علی علیه السلام در نظر داشتند همت می‌گمارند و بنای کهنه اسلام را که در طول تاریخ دستخوش حوادث و تحریفات و انحرافات فراوان شده بازسازی می‌نمایند.

### حرف جیم - جهاد در راه خدا

محمد بن مسلم می‌گوید: روزی قصد داشتم از امام باقر علیه السلام راجع به قائم آل محمد صلی الله علیه و آله سؤال کنم - وقتی خدمت حضرت رسیدم ایشان بدون مقدمه فرمودند:

ای محمد بن مسلم، در قائم از اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله پنج سنت از پنج پیامبر وجود دارد:

از یونس بن مثنی، از یوسف، از موسی، از عیسی، و از محمد

---

۱- بحار ج ۷ ص ۲۷۴ باب ۱۱ حدیث ۴۸.

صلوات‌الله علیهم اجمعین.

اما سنت یونس، عبارتست از بازگشت یونس به سوی مردم پس از مدتی غیبت.

آن زمان که حضرت مهدی پس از غیبت دراز به سوی مردم باز می‌گردد قیافه جوانی را دارد و حال آن که، از عمر شریفش قرن‌ها گذشته است.

اما سنت یوسف، پنهانی از نزدیکان و غیر نزدیکان است. با آنکه در جمع برادرانش قرار می‌گرفت او را نمی‌شناختند. و با آنکه فاصله چندانی از پدر نداشت پدر از او خبر نداشت.

اما سنت موسی، پیوستگی خوف و ترس است. درازی غیبت و پنهانی و سختیهای یارانش در دوران غیبت است.

اما سنت عیسی، اختلاف افراد در مورد اوست که برخی می‌گویند او مرد، برخی او را کشته و برخی او را به صلیب کشیده شده می‌دانند.

اما سنت جدش پیامبر، قیامش با شمشیر است. و نیز کشتن دشمنان خدا به دست او می‌باشد. همه ستمگران و طغیان‌گران را از دم شمشیر می‌گذرانند. او به وسیله قدرت شمشیر و ترس حاصله از آن یاری می‌شود.

حضرت مهدی علیه السلام به امر الهی بعد از غیبت فراوان و دراز برای از بین بردن تمامی مظاهر شرک و فساد و ظلم بر می‌خیزد. در آن زمان دیگر هرگونه اتمام حجّتی شده و هرکس که قرار بود

تابه نجوی هدایت شود هدایت شده است و هر آنکس که هدایت نشده لیاقت حضور در صحنه جهانی را ندارد و بایستی بدست مبارک و با کفایت حضرت مهدی علیه السلام و یاران آن بزرگوار از صحنه گیتی دور شوند و زمین به پاکان و صالحان رسیده ندای توحید و حق و عدالت تمامی جهان را پر کند.

**حرف جیم - جمع کردن همه سخن‌ها بر مسیر توحید و اسلام**

امام صادق علیه السلام در توضیح این آیه شریفه:

﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً﴾<sup>(۱)</sup>.

می‌فرمایند: زمانی که قائم، قیام می‌کند، در تمامی سرزمین‌ها ندای شهادت بر وحدانیت خدا و رسالت پیامبر بر می‌خیزد.<sup>(۲)</sup>

**حرف جیم - جمع کردن عقل‌ها**

یکی از نقشهای عمده پیامبران آن بوده است که عقل‌های بزیر خاک‌های هوای و هوس و شهوات رفته انسانها را بیرون کشیده، پرده‌های جهل و غفلت را کنار بزنند. اما شیطان با تمام نیرو و توان، در مقابل منادیان یکتاپرستی برخاسته و تحقق این امر را

---

۱- آل عمران آیه ۸۲

۲- کتاب المحجة فی ما نزل فی القائم علیه السلام ص ۷۲۷ سطر ۴ به نقل از تفسیر عیاشی.

مشکل ساخت.

زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام شرایط به گونه‌ای خواهد بود که بنا به فرموده حضرت باقر علیه السلام، امام عصر ارواحنا فداه دستهای مبارکش را بر سر مردم می‌کشد و عقل‌ها جمع آوری شده و تکمیل می‌گردند.

### حرف ح - حبّ حضرت مهدی علیه السلام نسبت به ما

محبت آن بزرگوار به شیعیان، عامل عمده‌ایست که حضرت توجه فراوان به آنان می‌نماید. بدیهی است در برابر این لطف عظیم، می‌بایستی پیوسته در حق مولایمان دعا کنیم. یادآوری این نکته لازم است که محبت این بزرگوار به مردم تا زمانی ادامه دارد که انسانها اطاعت از فرامین خدا را گردن نهاده از گناه دوری نمایند.

امام باقر علیه السلام به جابر جعفی فرمودند: (۱)

هرکس اطاعت خدا را گردن نهد، دوست ما می‌باشد و آن کس که به مخالفت با خدا پردازد، دشمن ما می‌باشد. و جز با عمل نیک و ورع و تقوی کسی نمی‌تواند محبت ما را دریافت کند.

---

۱- مکیال المکارم جلد ۱ ص ۸۲ به نقل از دارالسلام.

## حرف خ - خوف و ترس امام علیه السلام

عدم لیاقت انسانها در طول تاریخ، عامل عمده‌ی رویگردانی از انبیا و اولیا بوده است. متأسفانه انسانها تحت تأثیر عوامل شیطانی، از راه خدا دوری گزیدند و قدر فرستادگان الهی را نشناخته بجای اطاعت از دستورات آنان، مخالفت با آن بزرگواران را انتخاب کردند.

از این روی، بسیاری از فرستادگان و برگزیدگان الهی توسط مردم کشته شدند. بررسی مختصر تاریخ زندگی ائمه علیهم السلام هم گویای این حقیقت است که ایشان همگی به شهادت رسیدند. در حقیقت مخالفان حق و حقیقت، امنیت را از ایشان سلب نموده، خوف و ترس را بر ایشان مستولی کردند.

پیشگویی‌های پیامبر و ائمه علیهم السلام نسبت به تولد حضرت مهدی علیه السلام و وظیفه استثنایی آن بزرگوار در برپایی عدل عمومی جهانی، حکومت‌های ستمگر زمان را بر آن داشت که از تولد ایشان جلوگیری بعمل آورند. خلفای عباسی جاسوسانی را در منزل امام هادی و امام عسکری داشتند و حتی منزل ایشان را در منطقه مسکونی نظامیان مشخص کرده بودند تا به نحوی کنترل نظامی دقیق انجام شود. به همین دلیل به امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام، عسکرین گفته‌اند (عسکر به معنی لشکر است و بدلیل سکونت در منطقه نظامی، ایشان را عسکری

گفته‌اند). تولد حضرت مهدی علیه السلام مانند تولد حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام مخفیانه انجام شد.

زندگی ایشان در دوران کودکی در زمان پدر هم مخفیانه بوده است. یکی از دلایل عمده غیبت و نهان زیستی امام زمان علیه السلام، حفظ آن بزرگوار در مقابل خطراتی است که ایشان را تهدید می‌کند. امام صادق علیه السلام به زراره فرمودند: برای قائم قبل از قیام حضرتش، غیبتی است.

زراره سؤال می‌کند چرا؟ حضرت فرمودند: زیرا او هراسان از خطرات است. و با دستشان اشاره به شکم و گردن مبارک کردند کنایه از آن که اگر ظاهر باشد او را می‌کشند.

### حرف دال - دعا کردن حضرت در حق مردم

سید ابن طاووس در کتاب **مَهَجُ الدَّعَوَاتِ** نقل می‌کند: در سامرا هنگام سحر مناجات حضرت مهدی علیه السلام را می‌شنیدم که درباره زندگان و مردگان دعا می‌فرمودند و به درگاه الهی عرض می‌کردند:

خدایا ایشان را در زمان حکومت ما که زمان عزت مؤمنین و سلطنت و دولت ماست زنده کن.

موسی بن یسار از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند:

آیا نمی‌دانی که اعمال شیعیان ما هر صبح و شام به ما عرضه



می‌شود. چنانچه در نامه اعمالشان نقطه خلاف و سیاهی باشد از خداوند درخواست می‌نماییم تا آنها را پاک فرماید. و چنانچه کار خیری انجام داده باشند از پروردگار درخواست پاداش می‌نماییم.<sup>(۱)</sup>

### حرف ر - رفع بلا و عذاب از مردم بواسطه امام زمان علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمودند:

زمانی بر مردم فرا خواهد رسید که امامشان از دیدگانشان پنهان می‌شود. خوشا بر احوال کسانی که در زمان غیبت امام عصر علیه السلام ایمان به حضرتش را حفظ نمایند. کمترین پاداش ایشان آنست که خداوند به او خطاب نموده می‌فرماید: بنده‌ی من، در پنهانی ولّیم او را تصدیق نموده و ایمان آوردی. تو را به پاداش نیک بشارت می‌دهم. ای بنده من: این عهد را از تو می‌پذیرم و از تو در می‌گذرم و گناهانت را می‌بخشایم. به خاطر شما باران را برای مردم می‌فرستم و بلایا را از ایشان دور می‌کنم. اگر شما نمی‌بودید عذاب من بر مردم نازل می‌شد.<sup>(۲)</sup>

### حرف ر - راحتی مردم در زمان ظهور حضرت ولی عصر (عج)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

---

۱- بحار ج ۳ ص ۴۵۲، سطر ۱۸.

۲- کمال الدین ص ۳۳۰ باب ۳۲ حدیث ۱۵.

چنانچه قائم ما به پا خیزد، آسمان باران را بر مردم می‌بارد و از زمین همه گیاهان می‌روید و بغض و کینه از دل مردم رخت برمی‌بندد و درندگان و چهارپایان به صلح و صفا زیست می‌کنند. امنیت به قدری فراوان می‌شود که زنی به تنهایی بین عراق و دمشق که بسیار خشک و بی‌آب و علف می‌باشد بر سرزمینی قدم نمی‌گذارد مگر آن که آن سرزمین سرسبز و خرم باشد. این زن، تاج زینت خود را بر سر دارد ولی کسی به او طمع نامناسب نمی‌ورزد و آن زن هم از هیچ چیزی نمی‌ترسد.<sup>(۱)</sup>

### حرف سین - سخاوت امام علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمودند:

تمامی اموال دنیا، چه آنچه در روی زمین است و یا آنچه در دل زمین پنهان است - در اختیار حضرت مهدی (عج) خواهد بود، به همه مردم گفته می‌شود: هر چه از شما به هر نحوی به ناحق گرفته شده باز پس‌گیرید. به آنها چیزهایی داده می‌شود که هرگز قبل از آن داده نشده بوده است.<sup>(۲)</sup>

---

۱- مکیال المکارم ج ۱ ص ۱۰۱ شماره ۲۲۸.

۲- بحار ج ۵۲ ص ۳۹۰ باب ۲۷ حدیث ۲۱۲.

## حرف شین - شفاعت آن بزرگوار

در روایتی<sup>(۱)</sup> از پیامبر ﷺ نقل شده است: به هریک از ائمه علیهم السلام در روز قیامت مقامی داده شده است و مقام شفاعت در اختیار حضرت مهدی علیه السلام است. این بزرگوار هر که را بخواهد شفاعت می‌کند و خداوند بنا به درخواست حضرت مهدی علیه السلام افراد را می‌آمرزد.

## حرف شین - شرف امام علیه السلام

در عظمت و شرافت مقام حضرت مهدی علیه السلام همین بس که امام صادق علیه السلام فرمودند: چنانچه به خدمت حضرت مهدی علیه السلام برسیم، تمامی عمرم را در حضورش خدمت می‌کنم.<sup>(۲)</sup>

## حرف ظ - ظلم دشمنان در حق او

امام صادق علیه السلام فرمودند<sup>(۳)</sup>

این آیه قرآن را که می‌فرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (سوره حج آیه ۳۹)  
«خداوند به کسانی که در جنگ‌ها مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند اجازه انتقام داده و خداوند بر یاری ایشان تواناست.»

۱- مکیال المکارم ج ۱ ص ۱۰۶ به نقل از غایة المرام.

۲- بحار ج ۵۱ ص ۱۴۸ حدیث ۲۲.

۳- المحجة ص ۴۴۱.

اهل سنت این آیه را در باره پیامبر می‌دانند که ایشان را از مکه اخراج نمودند. در حالی که آیه مربوطه به قائم ماست. او در طلب خون امام حسین علیه السلام قیام می‌کند و می‌فرماید: ما صاحبان خون امام حسین علیه السلام هستیم و طلب دیه می‌کنیم.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

امام قائم، زمان ظهور، پشت به دیوار خانه خدا می‌دهد و فریاد بر می‌آورد و سخنانی را به گوش مردم می‌رساند تا بدانجا که می‌فرماید: از شما بحق خدا و حق رسولش و حق خودم می‌پرسم: من بر شما حق نزدیکی به رسول خدا صلی الله علیه و آله دارم و شما این حق را به غنیمت بردید و به ستمگران بر ما اعتراض نکردید. آنان بر ما ظلم و ستم کردند و ما را و فرزندان ما را از خانه‌های خود دور کردند و به ما ظلم روا داشتند. <sup>(۱)</sup>

حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام فرمودند:

قائم این امت، نهمین فرزند من است و او دارای غیبت است و او کسی است که در حالی که زنده است، میراثش در میان دیگران تقسیم می‌شود. <sup>(۲)</sup>

حضرتش بعد از پدر گرامی زنده بودند ولی افراد بسیاری شهادت بر نبودن فرزندش در خاندان امام عسکری دادند و

---

۱- بحار جلد ۵۲ ص ۲۳۹ سطر ۳.

۲- کمال الدین ص ۳۱۷ باب ۳۰ ذیل ۲.

میراث حضرت را به تاراج بردند.

### حرف عین - علم امام زمان علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمودند:

علم به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در قلب مهدی ما رشد می نماید همانند رشد میوه بر بهترین درختش. هر کدام از شما اگر زنده بودید و به دیدارش رسیدید به او بگویید:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَالنَّبُوَّةِ

وَمَعْدِنَ الْعِلْمِ وَمَوْضِعَ الرَّسَالَةِ<sup>(۱)</sup>

درود بر شما ای خاندان رحمت و نبوت و معدن علم و جایگاه رسالت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از بیاناتی راجع به حضرت مهدی درباره خصوصیات آن بزرگوار فرمودند:

پناهگاه وجودی او وسیعترین پناهگاهها می باشد و از نظر علم، برترین است و رحمتش بیشترین. پروردگارا، بیعت با او را همراه با خروج از غم و غصه قرار ده و تفرقه امت را به وسیله او به وحدت تبدیل فرما.... حضرت با دست به سینه مبارک اشاره کردند و چنین فرمودند:

چه قدر مشتاق دیدار اویم.<sup>(۲)</sup>

۱- کمال الدین ج ۲ ص ۶۵۳، باب ۵۷ حدیث ۱۸.

۲- بحار ج ۵۱ ص ۱۱۵ حدیث ۱۴.

حرف عین - عزت شیعیان در زمان ظهور آن بزرگوار  
در یکی از فقرات دعای ندبه می خوانیم:

أَيْنَ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُدِلِّ الْأَعْدَاءِ

کجاست آن که عزت دهنده اولیاست و ذلیل کننده دشمنان

حرف عین - عدالت امام زمان علیه السلام

ویژگی استثنایی آن بزرگوار که مورد توجه تمامی انبیا و اولیا در طول تاریخ بوده و همه مکاتب بدان افتخار می کنند، گستردگی عدالت در زمان ظهور حضرتش می باشد. کمتر حدیثی درباره این بزرگوار شرف صدور یافته که این ویژگی در آن ذکر نشده باشد.

سخن درباره حضرت مهدی علیه السلام ترادف عجیبی با ظهور عدالت و دادگستری دارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ... مهدی آن کسی است که گیتی را از دادگری و عدالت پر می کند همانگونه که آکنده از ظلم و جور و بیدادگری است. سوگند به آنی که مرا بشارت دهنده بر حق برانگیخت، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند آنچنان روز مزبور را طولانی می کند که بالاخره فرزندم مهدی خروج نماید...<sup>(۱)</sup>.

---

۱- کمال الدین ج ۱ ص ۲۸۰ باب ۲۴ حدیث ۲۸.

## حرف غین - غیبت حضرت ولی عصر (عج)

در کتاب مکیال تحت عنوان غیبت حضرت مهدی علیه السلام روایات فراوان و بحث‌های گوناگونی مطرح شده که خود می‌تواند به صورت مستقل منتشر شود. بنا به اهمیت موضوع و در عین حال رعایت اختصار، برخی از موارد آن را ذکر می‌نماییم. پیامبر گرامی اسلام فرمودند:

مهدی از فرزندان من است، او هم نام و هم کنیه من است (نامش محمد و کنیه‌اش ابوالقاسم است) از نظر ظاهر و خلق و خوی، شبیه‌ترین مردم به من است. او دارای غیبتی است که حیرت را برای مردم پیش می‌آورد. در مورد او گروه‌هایی از مردم گمراه می‌شوند. سپس به ناگاه همچون شهابی نورانی، آسمان را روشن می‌کند و گیتی را از دادگری و عدالت مملو می‌فرماید، همانگونه که از ظلم و بیدادگری پر شده باشد.<sup>(۱)</sup>

---

۱- کمال الدین ج ۱ ص ۲۸۶ باب ۲۵ حدیث ۱.

## مباحثی پیرامون غیبت امام زمان (عج)

### ۱- علّت غیبت

در بحث علّت غیبت، دو نوع بحث وجود دارد:

الف- علّت اصلی غیبت، که بنا به فرموده ائمه علیهم السلام بعد از ظهور حضرتش بر ما روشن می‌شود.

عبدالله بن فضل الهاشمی از امام صادق علیه السلام روایت می‌نماید که حضرت فرمودند: صاحب‌الامر، غیبتی دارد که افرادی به شک می‌افتند... سؤال کردم جانم فدایت و چرا آن بزرگوار از دیده‌ها پنهان می‌شود؟

فرمودند ما اجازه نداریم دلیلش را برای شما بیان کنیم.

سؤال کردم حکمت این غیبت چیست؟ فرمودند: همان گونه که در غیبت انبیای الهی حکمت غیبت بعد از بازگشت و آشکار شدن ایشان<sup>(۱)</sup> مشخص گردیده است و همان گونه که کارهای خضر برای

---

۱- بسیاری از انبیای الهی دارای غیبت‌هایی بوده‌اند مانند حضرت ادریس، یونس، موسی و...

در کتاب کمال‌الدین بحث‌های مفصلی راجع به این موضوع آمده است. آگاهی از این بحث را به همه افراد توصیه می‌نمائیم. کتاب کمال‌الدین توسط شیخ صدوق



حضرت موسی در سوراخ کردن کشتی و کشتن پسر و برپا کردن دیوار بدون اجر و مزد در پایان دیدار خضر و حضرت موسی علیه السلام روشن شد<sup>(۱)</sup>.  
 ای فرزند فضل: امر غیبت از امور الهی و سرّی از اسرار خداوند است و یکی از علوم غیبی خداست. ما که خداوند را با حکمت می‌دانیم، همه کارهای او را حکیمانه می‌شماریم و لو آنکه علت آن بر ما روشن نباشد.  
 ب- در برخی روایات، حکمت‌هایی از ائمه علیهم السلام درباره‌ی غیبت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه بیان کرده‌اند که بترتیب بیان می‌شود:

۱- اگر حضرتش آشکارا زندگی می‌کردند، همچون پدر و اجداد گرامیش مورد سوء قصد قرار گرفته و به شهادت می‌رسیدند.

۲- حضرت مهدی علیه السلام، تابعیت هیچ حکومت ظالمی را ندارند و غیبت آن حضرت، راهی برای خروج از تبعیت از ستمگران است. بدین ترتیب، آن بزرگوار، شناسنامه هیچ ملیتی را ندارند و به هیچ حکومتی مالیات و عوارض نمی‌پردازند.

(ابن بابویه) به امر حضرت مهدی علیه السلام درباره موضوعی که خود حضرت تعیین فرموده‌اند «یعنی غیبت» نوشته شده است.

۱- داستان ملاقات حضرت موسی با جناب خضر و سؤال از کارهای غیر معمول خضر و پاسخ نشنیدن مگر در زمان جدایی حضرت موسی از خضر در سوره کهف آمده است.

۳- مردم در دوران غیبت، به نهان‌زیستی حضرت مهدی علیه السلام امتحان می‌شوند.

امام هشتم علیه السلام فرمودند:

غیبت، طولانی می‌شود و انتظار شما بدرازا می‌کشد برای اینکه امتحان شده افراد جدا شوند تا به جایی که جز اندکی باقی نمانند.

۴- بروز سنت‌های مختلف انبیا در حضرت مهدی علیه السلام

در مورد پیامبران قبل هم سنت غیبت موجود بوده است و این سنت در مورد حضرت مهدی علیه السلام هم وقوع می‌یابد.

۵- همه مؤمنینی که از نسل کفار هستند، خارج شوند.

۶- زشتی اعمال ما که باعث درازی غیبت آن بزرگوار می‌شود.

ما مرتکب گناهان فراوانی می‌شویم و خداوند، ما را در مقابل این اعمال زشت به عقوبت‌هایی گرفتار می‌کند. از جمله عقوبت‌ها، محرومیت ما از درک حضور و ایمان به امام زمان علیه السلام است.

۲- غیبت صغری یعنی پنهان‌زیستی کوتاهتر

از سال ۲۶۰ هجری که پدر بزرگوار امام زمان علیه السلام به شهادت رسیدند تا سال ۳۲۸ هجری قمری دوران غیبت صغری محسوب می‌شود. در این مدت، برخی افراد که سفر او نمایندگان

ویژه حضرت بودند، امکان دسترسی به آن بزرگوار را داشتند. این مدت، ۶۸ سال است. اما برخی دوران غیبت صغری را از ابتدای تولد امام عصر(عج) یعنی سال ۲۵۵ هجری حساب می‌کنند و آنرا ۷۳ سال می‌شمارند.

### ۳- غیبت کبری یعنی پنهان‌زیستی درازتر

این دوره با فوت علی بن محمد سیمری، آخرین سفیر ویژه‌ی حضرت مهدی علیه السلام آغاز می‌شود که در نیمه شعبان سال ۳۲۸ بدرود حیات گفت و پایانی برای آن مشخص نشده است.

در روایات فراوانی مکرراً تذکر داده شده است که هرکس برای ظهور وقتی مشخص کند دروغ گفته است.

فضیل از امام باقر علیه السلام سؤال می‌کند<sup>(۱)</sup>: آیا برای ظهور مهدی علیه السلام وقتی مشخص شده است؟

حضرت سه بار فرمودند: آنکس که وقتی مشخص کند دروغگو است. مفضل بن عمر از امام صادق سؤال می‌کند<sup>(۲)</sup>: آیا برای مهدی منتظر وقتی مشخص شده است تا مردم بدانند؟

حضرت فرمودند: زمانی را برای ظهور بیان نمی‌کنیم.

---

۱- غیبت طوسی ص ۲۶۲.

۲- المحجة ص ۷۵ سطر ۲۱.

مفضل پرسید: چرا چنین است؟

حضرت فرمودند: قیام مهدی علیه السلام همان تعبیر «ساعت» است که در قرآن آمده است. ای پیامبر از تو از «ساعت» سؤال می‌کنند که کی تحقق می‌یابد؟ پاسخ داد که علم ساعت نزد خداست و جز خودش آنرا آشکار نمی‌نماید.

۴- ائمه علیهم السلام پیش بینی هر دو غیبت صغری و کبری را برای امام زمان علیه السلام داشته‌اند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از نام بردن تک تک ائمه علیهم السلام فرمودند: سپس امام ایشان از میانشان غایب می‌شود. او دو غیبت و پنهان زیستی دارد. یکی از آنها از دیگری درازتر است.<sup>(۱)</sup>

۵- مردم در زمان غیبت امام زمان علیه السلام او را می‌بینند اما نمی‌شناسند.

همانگونه که یوسف، در زمان امیری مصر، در میان برادرانش قرار می‌گرفت. او برادرانش را می‌شناخت اما برادرانش هرگز متوجه حضور در مقابل یوسف نبودند، مردم زمان غیبت امام زمان علیه السلام همین گونه هستند. حضرت در مجامع

---

۱- بحار ج ۵۲ ص ۳۸۰ باب ۲۷ حدیث ۱۸۹.

آنان شرکت می‌فرمایند. حضرت را می‌بینند اما نمی‌شناسند. ما در شبانه روز با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و حتی با آنها صحبت می‌کنیم اما ایشان را نمی‌شناسیم.

امام صادق علیه السلام به سدیر صیرفی فرمودند: <sup>(۱)</sup>

در صاحب این امر شباهتی از حضرت یوسف است.

سدیر عرض می‌کند: گویا شما می‌خواهید غیبت یا حیرتی را

بیان بفرمایید.

حضرت فرمودند: چه قدر این مردم خوک صفتند. برادران یوسف با آنکه فرزند پیامبر بودند و نیز عاقل هم بودند در مقابل یوسف قرار گرفته با او سخن گفتند و با او تجارت نمودند و مراوده پیدا کردند اما او را نشناختند تا زمانی که یوسف، خود را معرفی نمود.

بین یوسف و یعقوب، ۱۸ روز بیشتر فاصله نبوده و امکان آگاه‌کردن خیلی وجود داشت اما خدا نمی‌خواست. خدا همین گونه برای صاحب این امر خواسته است که مظلوم واقع شده و حقش مورد انکار قرار گرفته است. آن بزرگوار، در میان مردم رفت و آمد دارد و گام بر روی فرش آنها می‌گذارد ولی او را نمی‌شناسند تا آن که خداوند اجازه معرفی به او عنایت فرماید.

در بیانی دیگر، حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

---

۱- بحار ج ۵۲ ص ۱۵۴ باب ۲۳ حدیث ۹.

مردم، امامشان را از دست می‌دهند اما آن بزرگوار، در مراسم حج شرکت می‌کند مردم را می‌بیند و مردم او را نمی‌بینند (یعنی نمی‌شناسند).<sup>(۱)</sup>

### ۶- پاسخ به یک پرسش

چنانچه سؤال شود؛ از طرفی خداوند بر اساس لطفش، امام را معرفی می‌کند، و از طرف دیگر، شما غیبت امام را به خدا نسبت می‌دهید و حال آن که این غیبت، با لطف عمومی خدا سازگار نیست.

### پاسخ آنست که:

اول- بدکاران، خود موجب غیبت هستند و این پنهانی، عقوبتی در برابر اعمال زشت آنان است.

دوم- نیکان، بقدری درک بالا دارند که، غیبت برای آنان همانند ظهور است. زیرا امام علیه السلام محدود به زمان و مکان ویژه‌ای نیست و اشراف معنوی آن بزرگوار، وسیعتر از آنست که که غیبت، مانع ارتباط مردم با آن حضرت شود. همانگونه که در زمان ائمه علیهم السلام شیعیان، از راه دور هم می‌توانستند خواسته‌های خود را به ایشان عرضه کنند و پاسخ بگیرند، در زمان غیبت هم

---

۱- بحار ج ۵۲ ص ۱۵۱ باب ۲۳ حدیث ۲.

این راه باز است. افراد، می‌بایستی ارتباط معنوی و قلبی خود را با حضرت ولی عصر علیه السلام محکمتر کنند.

سوم - آنهایی که در محبت نسبت به حضرت، از خود بیخود شده و از صمیم دل او را می‌طلبند، نوعاً به دیدار مولای خود نائل می‌شوند.

علاقمندان در این مورد می‌توانند به کتاب نجم الشاقب، نوشته‌ی مرحوم حاجی ثوری مراجعه کنند. نویسنده‌ی محترم، دستیابی عده‌ی زیادی را به حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده و دستگیری آن بزرگوار از شیعیان خود را، به طور مبسوط بیان داشته است.

سید ابن طاووس که خود بارها به شرف دیدار مولایش نائل شده، در کتاب کشف المحجّه به فرزندش می‌نویسد:

راه ارتباط با امام عصر علیه السلام برای کسی که خدا بخواهد عنایتی بدو نماید و احسانش را تکمیل نماید باز است.

**تذکر عمده:** دیدار به معنی ادّعای امکان ارتباط با امام زمان علیه السلام ممنوع است. در توقیعی که امام علیه السلام برای علی بن محمد سیمری - نایب چهارم - صادر فرمودند، راه ارتباط مردم با امام زمان علیه السلام را مسدود اعلام کردند. اما دیدار، بدین معنی که کسی ممکنست مورد عنایت امام عصر علیه السلام قرار گرفته، به دیدار

حضرت - یک یا چند بار - موفق شود، رد نشده است.

حرف غین - غربت حضرت مهدی علیه السلام

غربت به دو معنی است:

الف - دوری از وطن و زن و فرزند

ب - کمی یاران صمیمی و فداکار

مولای ما، که جانمان فدای او باد، به هر دو معنی غریب است.

آیا سزاوار نیست که همگان به یاری آن بزرگوار برخیزیم و او

را از این غربت رها سازیم؟

امام عصر علیه السلام به علی بن مهزیار فرمودند: «پدرم از من تعهد

گرفت تا مخفیترین و دورترین سرزمینها را برای زندگی برگزینم. تعهد

مزبور بدان جهت بود که زندگیم در پنهانی بماند و دست دشمنان گمراه

به جایگاه من نرسد.»<sup>(۱)</sup>

آیا اگر عزیز شما چنین سختی را در انتخاب مسکن برای

سالهای سال تحمل کند، غریب نیست؟

امام جوان علیه السلام فرمودند: «چنانچه ۳۱۳ نفر از اهل اخلاص، آمادگی

کامل داشته باشند، خداوند امر حضرت مهدی علیه السلام را اظهار

می فرماید.»<sup>(۲)</sup>

---

۱- کمال الدین ج ۲ ص ۴۴۷ باب ۴۳ حدیث ۱۹.

۲- مکمال المکارم ج ۱، ص ۱۳۸.



جای این پرسش هست که چگونه بعد از گذشت سالها و قرن‌ها هنوز این عده‌ی مخلص آماده نشده‌اند. شاید بر همین مبنا بوده است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«صاحب این امر دور از وطن، زندگی می‌کند بگونه‌ی آنانی که از موطن خود طرد شده‌اند و او یکه و تنها به زندگی ادامه می‌دهد.»<sup>(۱)</sup>

امام موسی بن جعفر علیه السلام خطاب به داود رقی، بیانی شبیه عبارت امیرالمؤمنین علیه السلام را داشته، تأکید بر پنهانی آن بزرگوار از دیدگان نزدیکانش دارند.<sup>(۲)</sup>

### حرف ف - فصل و جدایی بین حق و باطل

از مشکلاتی که برای نوع انسانها پیش آمده و می‌آید سختی، در تشخیص بین حق و باطل است. زیرا شیطان به انواع وسایل، کوشش در آن داشته که باطل لباس حق را بپوشد و بگونه‌ی حق جلوه کند. اما از الطاف الهی آنست که در روزگار حضرت مهدی علیه السلام حق و باطل به صورت صریح در برابر یکدیگر صف می‌بندند و حق بصورتی آشکار بر باطل چیره می‌شود.

در قرآن مجید آمده است:

---

۱- کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۳، باب ۲۶، حدیث ۱۳.

۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۱، باب ۳۴، حدیث ۴.

«مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ  
مِنَ الطَّيِّبِ»<sup>(۱)</sup>

«خداوند، مؤمنان را بر آنچه شما بر آنید وانمی‌گذارد تا پلید را از  
پاکیزه جداگرداند.»

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«گذر ایام، به جایی می‌رسد که منادی از آسمان صدا می‌زند: اهل  
حق و اهل باطل صف جدا کنند و چنین می‌شود.»

راوی سؤال می‌کند: آیا بعد از این نداء باز این دو گروه مخلوط  
می‌شوند؟ حضرت فرمودند: هرگز! زیرا که خدا در قرآن می‌فرماید:

«مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ  
مِنَ الطَّيِّبِ»<sup>(۲)</sup>

مشابه این روایت از امیرالمؤمنین علیه السلام<sup>(۳)</sup> و امام صادق علیه السلام به  
نقل از ابان بن تغلب<sup>(۴)</sup> نیز آمده است.

۱- آل عمران، آیه ۱۷۹.

۲- آل عمران، آیه ۱۷۹.

۳- بحار، ج ۵۲، ص ۲۷۴، سطر ۲۰.

۴- غیبت نعمانی، ص ۱۷۲، ذکر الشیعه عند الخروج القائم (عج).

## حرف ف - فرج و گشایش برای مؤمنین به دست مبارک حضرت صاحب الزمان علیه السلام

مکرراً به ما توصیه شده است که دعا بر فرج حضرت  
ولی عصر علیه السلام بنماییم که این دعا، خود فرج و گشایش ما خواهد  
بود. تعبیری که در این روایت شده، نشان از این دارد که به ظهور  
امام زمان علیه السلام گشایش بر انسانها پیش می آید.  
مشابه این تعبیر در زیارت روز جمعه آمده است:

وَهَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَهُوَ يَوْمُكَ، الْمَتَرَقُّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ وَالْفَرَجُ فِيهِ  
لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ وَقَتْلُ الْكَافِرِينَ بِسَيْفِكَ. (۱)

ای مولا و سرور امروز، روز جمعه است که روز مخصوص شماست،  
در این روز انتظار زاهورتان را می کشیم و در این روز است که گشایش  
برای مؤمنین به دست مبارک شما ایجاد می شود و نیز کفار به شمشیر  
شما از پای در می آیند.

ابراهیم کرخی نقل می کند:

روزی در محضر امام صادق علیه السلام نشسته بودم، امام هفتم علیه السلام  
که توجوانی بودند، تشریف آوردند. من برخاستم و ایشان را  
بوسیدم و در محضرش نشستم.

---

۱- مفاتیح الجنان، زیارت روز جمعه.

امام صادق علیه السلام فرمودند: ابراهیم! امام بعد از من، این فرزند  
 من است که یعنی درباره او به هلاکت افتاد و گروهی نیز با اعتقاد به او به  
 سعادت می رسند. خداوند قاتل او را لعنت کند و عذابش را افزون نماید.  
 خداوند از نسل او بهترین انسان را در زمان خودش خارج خواهد فرمود.  
 او همان جدش علی علیه السلام است و وارث علم پیامبر است. پیغمبری از  
 بنی قریظ (اشاره به بنی عباس) بعد از بروز شگفتی هایی از روی حسد او  
 را می دهد. اما خداوند امرش را به ظهور و بروز می رساند و لو آنکه  
 مشرکین آنرا نپسندند.

خداوند، از نسل او دوازدهمین نفر از سلسله امامت یعنی مهدی را نیز  
 خارج می فرماید. پروردگار، کرامت و بزرگواری ویژه ای به او عنایت  
 کرده است. آن کسی که بدو استناد ورزد، همچون شمشیر به دست است که  
 در راه پیامبر از وجود گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله دفاع می نماید.  
 در این هنگام، یکی از وابستگان حکومت بنی امیه وارد شد و  
 حضرت سخن خود را قطع فرمودند.

ابراهیم می گوید من یازده مرتبه خدمت امام صادق علیه السلام  
 رسیدم تا حضرت، سخن خود را کامل فرمایند، اما امکان این امر  
 نشد. سال بعد که خدمت حضرت رسیدم ایشان آغاز به سخن  
 کردند و فرمودند:

ای ابراهیم! او یعنی مهدی کسی است که بعد از فشار شدید و بلای  
 طولانی و ترس و ناراحتی که بر شیعیانش وارد می شود همه آنها را

برطرف می‌فرماید. خوشا بر احوال آنانی که آن زمان را درک می‌نمایند.  
سپس حضرت فرمودند: تا اینجا برایت بس است.<sup>(۱)</sup>

حرف قاف - قتل و کشتار کافران بدست امام عصر علیه السلام

به آیات ذیل توجه شود:

الف - «يُعْرِفُ الْمُؤْمِنُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ»<sup>(۲)</sup>

«مؤمنان از روی چهره‌شان شناخته می‌شوند. سپس بر اساس

آنچه در پیشانی آنها مشهود است مورد عقوبت قرار می‌گیرند.»

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«چنانچه قائم ما برخیزد، خداوند به او امکان شناسایی از روی چهره

را عنایت می‌فرماید که با شناسایی، به شمشیر او را هلاک می‌کند.»<sup>(۳)</sup>

ب - «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً»<sup>(۴)</sup>

«همه آنچه در آسمانها و زمین است از روی اطاعت و یا به اجبار در

برابر او تسلیم می‌شوند.»

ابن‌بکیر از امام رضا علیه السلام درباره‌ی این آیه سؤال کرد:

حضرت فرمودند: «این آیه، درباره‌ی قائم ماست که اسلام را به همه

---

۱- کمال‌الدین ج ۱ ص ۳۳۴ باب ۳۳ حدیث ۵.

۲- الرحمن آیه ۴۱.

۳- بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۰، باب ۲۷، حدیث ۲۶.

۴- آل عمران آیه ۸۳

مخالفان عرضه می‌فرماید. آنانی که بپذیرند مطابق دیگر مسلمانان وظایف خود را انجام می‌دهند. اما آنانی که نپذیرند از دم شمشیر گذرانده می‌شوند.»

ج - ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>(۱)</sup>

«خداوند رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر همه ادیان چیره شود اگرچه کافران کراهت داشته باشند.»

ابوبصیر درباره این آیه از امام صادق علیه السلام سؤال می‌نماید: حضرت فرمودند: «تأویل این آیه و بازگشت اصلی آن هنوز تحقق نیافته، بلکه تحقق آن در زمان قائم ما انشاءالله خواهد بود. آنگاه که قائم ما به پا خیزد، کافری و مشرکی باقی نمی‌ماند...»<sup>(۲)</sup>

د - ﴿وَلَنذِقْنَهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ﴾<sup>(۳)</sup>  
«ما عذاب کمتری را به غیر از عذاب بزرگتر بر آنان می‌چشانیم.»  
مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام درباره این آیه سؤال می‌کند. حضرت فرمودند: «عذاب کمتر عذاب دوزخ است و عذاب بزرگتر برای دشمنان شمشیر مهدی (عج) است.»<sup>(۴)</sup>

۱- توبه آیه ۳۳.

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۶۰، حدیث ۵۸.

۳- سجده آیه ۲۱.

۴- تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۸۸، حدیث ۳.

حرف قاف - قتل شیطان بدست امام عصر (عج)

زمانی که شیطان از خداوند مهلت خواست تا روز قیامت به راه نگریدن مؤمنان ببرد، خداوند تا روزی که به تعبیر قرآن «یوم الذی قتلت المصاوم است» به او این مهلت را داد.

این روز بر اساس بیان روایات توسط ائمه علیهم السلام روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. در این زمان شیطان بدست حضرت علیه السلام می‌شود. (۱)

حرف قاف - قتل دجال که رئیس گمراهان است

امام صادق علیه السلام پس از بیان خلقت و آفرینش چهارده نور پاک فرمودند:

«این ۱۴ نفر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه از فرزندان حسین می‌باشند».

آخرین ایشان قائم است که بعد از غیبت بپا می‌خیزد و زمین را می‌کشد و زمین را از هر ظالم و بیدادگری پاک می‌فرماید.» (۲)

لازم به یادآوریست که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام دوران مهلت به کفار تمام می‌شود. کفار و منافقین به عذاب برخاسته از کارهای ناپسند خود و کفران نعمت‌های الهی مبتلا می‌شوند.

۱- بحار ج ۵۲ ص ۳۷۶ باب ۲۷ حدیث ۱۷۸.

۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۵، حدیث ۷.

## حرف قاف - قضا و بر آوردن دین مؤمنین

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«... سپس حضرت مهدی علیه السلام بسوی کوفه تشریف می آورند و آنجا را محل سکونت خود بر می‌گزینند. اگر غلام زر خریدی و یا کنیزی در میان شیعیان باشد، او را خریده آزاد می‌نمایند. بدهکاری هر ورشکسته‌ای را می‌پردازند. هر گونه‌ای گرفتاری مالی داشته باشد برآورده می‌فرمایند و همسران افراد را نیز با بخشش خود شاد می‌فرمایند تا آنجا که تمامی زمین را از عدل و داد پر می‌فرماید همان گونه که آکنده از ظلم و بیدادگری است.»<sup>(۱)</sup>

## حرف قاف - قضا و بر آوردن حاجات مؤمنین

شاید کوتاهترین و رساترین جمله‌ای را که بتوان بیان داشت اینست:

آنکس که در پناه امام زمان علیه السلام زندگی می‌کند، اگر بدانند صاحب دارد و صاحب او آگاه است؛ پیوسته نیازهای خود را به محضر انور آن بزرگوار عرضه می‌کند و یقین دارد که آن حضرت

---

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۲۲۴، حدیث ۸۷



توجه فرموده و حاجتش را برآورده می‌فرمایند. آنانی که این راه را طی کرده و توجهات حضرت را مشاهده کرده‌اند بی‌نیاز از اثبات این واقعیت هستند. شما هم آزمایش کنید! یقیناً به واقعیت‌ها پی خواهید برد. انشاءالله...

صاحب مکیال المکارم خاطره‌ای از گرفتاری مالی خود را ذکر می‌کند که با توسل به دامان حضرت ولی‌عصر(عج) درخواست رفع گرفتاری می‌نماید. در خواب بشارت رفع مشکلش را می‌دهند و بعد از چند روز گره از مشکل او گشوده می‌شود.

مرحوم میرزا حسین نوری در کتاب شریف نجم‌ثاقب موارد عدیده‌ای از این عنایات را ذکر کرده است که یکی از آنها در کتاب مکیال المکارم نقل شده است و خلاصه آن چنین است:

در سال ۱۲۹۹ هجری قمری در ماه جمادی الاولی فردی به نام آقا محمد مهدی که از شیعیان ساکن برمه بود ولی پدرش شیرازی بوده است، به کاظمین سفر می‌کند.

آقا محمد مهدی سه سال قبل از ورودش به کاظمین مبتلا به مریضی شدیدی می‌شود که پس از معالجات و بهبودی، متأسفانه زبانش از سخن باز می‌ایستد و لال می‌شود و کوششها و معالجات، تأثیری در بهبودی وی نمی‌گذارد.

وی مدت ۲۰ روز در کاظمین منزل یکی از بستگانش سکونت می‌گزیند

و سپس با کشتی قصد زیارت سامراء می نماید. بستگانش از مسافرین کشتی درخواست همراهی و رعایت حال او را که لال بوده است، می نمایند. حتی به برخی از آشنایانشان نامه می نویسند و آقا محمد مهدی را به آنها در سامراء می سپارند.

آقا محمد مهدی پس از زیارت امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام به سرداب مطهر که محل غیبت امام زمان علیه السلام است تشرّف پیدا کرده آنجا توّسل شدیدی به ساحت مقدّس صاحب و مولای خویش پیدا می کند. وی در نامه ای حال خود را می نویسد و به دیوار سرداب آویزان کرده از دیگر زائران تقاضای دعا در حال خویش می نماید.

او که از لال بودن خود سخت متأثر بود دست توّسل به دامان زبان گویای عالم وجود حضرت بقیة الله علیه السلام می زند و شفای خویشتن را، از آن بزرگوار با گریه و زاری درخواست می نماید.

هنوز اشکهای وی پایان نیافته بود که دست عنایت امام زمان علیه السلام بر سر او سایه افکنده و زبانش گویا می شود و همه حاضران، این عنایت را مشاهده می نمایند.

آقا محمد مهدی که شفا یافته بود در محضر مرجع بزرگوار زمان، مرحوم آقا میرزا محمد حسن شیرازی - صاحب فتوای معروف تحریم تنباکو - و عدّه زیادی از حضار مجلس، شفای خود را بیان می کند و همگان به شکرانه این عنایت، مجلس شادی و سرور برپا می نمایند. یکی از همراهان وی بنام حاج ملا عباس زنوزی بغدادی شاعر، این قضیه را به شعر

در آورده است.

### حرف قاف - قرابت و نزدیکی با رسول خدا ﷺ

محبت و دوستی از مهمترین عوامل پیوند بین انسانهاست. آنی را که دوست می داریم پیوسته به یادش هستیم و در حقش دعا می کنیم.

پیامبر اکرم ﷺ مزد رسالت خود را دوست داشتن اهل بیت خود تعیین فرمودند. قرآن می فرماید:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾<sup>(۱)</sup>

«ای پیامبر، به مردم بگو که من از شما اجر و مزدی جز دوستی اهل بیتم خواستار نیستم.»

در روی کره زمین نزدیکترین فرد از نسل پیامبر، وجود مقدس حضرت مهدی - ارواحنا فداه - است که دوست داشتن آن بزرگوار، افتخاری بس بزرگ است.

### حرف قاف - قسط و عدل آن حضرت

که در بحث عدل مواردی از آن را ذکر کردیم.

---

۱- شوری، آیه ۲۳.

## حرف کاف - کمالات امام زمان علیه السلام

آنچه خوبان همه دارند، تو تنها داری!

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«هیچ معجزه‌ای از معجزات انبیا و اوصیا نیست مگر آن که خداوند تبارک و تعالی همانند او را به دست قائم ما ظاهر می‌فرماید. این کار در جهت اتمام حجت در مقابل مخالفان تحقق می‌پذیرد.»<sup>(۱)</sup>

و نیز امام صادق علیه السلام فرمودند:

«آقای ما، قائم علیه السلام پشت به دیوار کعبه زده خطاب به مردم جهان می‌فرماید:

ای گروه انسانها، آنکس که دوست دارد به آدم و شیث بنگرد پس بیاید که منم آدم و شیث. آنکس که دیدار نوح و فرزندش سام را خواستار است منم نوح و سام. آنی که علاقمند به نظاره بر ابراهیم و اسماعیل است، منم ابراهیم و اسماعیل. اگر موسی و یوشع را می‌خواهید، منم موسی و یوشع، عیسی و شمعون هم منم. محمد و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز منم. دیدار من چون دیدار امام حسن و امام حسین و نیز ائمه‌ای که از فرزندان امام حسین‌اند، می‌باشد.

سخن مرا پاسخ دهید. من آنچه را که ایشان به شما خبر دادند و نیز

---

۱- اثبات الهداة، شیخ حر عاملی، ج ۷، ص ۳۵۷، حدیث ۱۳۷.

آنچه را که خبر ندادند به شما خبر خواهم داد...»<sup>(۱)</sup>  
این روایت و نظایر آن گویای بروز کمالات همه‌ی انبیای  
بزرگوار از حضرت مهدی علیه السلام است.  
ابوبصیر در بیانی از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌نماید که  
فرمودند:

«در برخی از انبیاء، سنت غیبت و پنهان زیستی وجود داشته است و  
این سنت همچنان در قائم اهل بیت ما وجود دارد.»  
ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره‌ی قائم اهل بیت پرسش  
می‌نماید. حضرت به او فرمودند:  
«قائم پنجمین فرزند پسر موسی است. مادرش خانم کنیزان است.  
زمانی را پنهانی زیست می‌کند که افرادی درباره‌اش به شک می‌افتند.  
سپس خداوند او را آشکار می‌فرماید. پس شرق عالم و غربش را بدست  
او می‌گشاید. حضرت عیسی روح‌الله از آسمان فرود آمده در پشت سرش  
به نماز با او می‌ایستد...»

نویسنده‌ی محترم کتاب مکیال المکارم در ۷۵ صفحه از کتاب  
خود شباهت‌های امام عصر علیه السلام را با انبیا به ویژه حضرت  
محمد صلی الله علیه و آله و سلم و نیز ائمه معصومین علیهم السلام بخصوص حضرت

---

۱- بحار، ج ۵۳، ص ۹.

ابی عبدالله رضی الله عنه نقل می کند.

برخی از شباهت‌هایی که در این قسمت به امام زمان علیه السلام و انبیای عظام بدین شرح است:

## الف - غیبت امام زمان و برخی از پیامبران

### ۱- حضرت شیث رضی الله عنه

امام باقر رضی الله عنه فرمودند: «جناب شیث، هبه الله پس از دفن پدرش - حضرت آدم - با برادرش قابیل مواجه شد. قابیل به او گفت: پدرم علم را برای تو قرار داد. در حالی که به من از علمش نبخشید. هابیل با استفاده از همان علم، از خداوند درخواست نمود، که قربانیش پذیرفته شد. من او را کشتم که فرزندان او نتوانند در برابر فرزندان من به آن دانش و قبولی قربانی افتخار ورزند. ای شیث! اگر تو مردم را از علمی که آدم به تو بخشیده آگاه سازی، تو را هم همچون هابیل خواهم کشت.»<sup>(۱)</sup>

تهدید جدی قابیل باعث شد که برادرش شیث رضی الله عنه، سالها در پنهانی زندگی کرده علم و دانش الهی خود را آشکار نمی نمود.

---

۱- روضه کافی، ص ۱۱۴، حدیث ۹۱.

## ۲- حضرت ادریس علیه السلام

جناب ادریس علیه السلام مورد حمله حکومت طغیانگر زمان خود قرار گرفت و به امر الهی سالهای زیادی پنهانی زندگی نمود. در دوران غیبت وی، پیروانش در نهایت سختی و شدت قرار گرفتند.

به تعبیر پیامبر صلی الله علیه و آله، فشار ظلم در دوران پنهانی امام زمان علیه السلام به جایی می‌رسد که افراد جرأت نمی‌کنند، نام خدا را بر زبان جاری کنند. (۱)

مردم زمان ادریس علیه السلام در اثر فشارها، تصمیم گرفتند که در برابر خدا توبه نمایند. این بازگشت و پشیمانی واقعی باعث شد که خداوند دوران غیبت را پایان بخشد. ادریس علیه السلام ظاهر شد و حاکم ستمگر در برابر ادریس علیه السلام به ذلت افتاد.

در زمان غیبت امام عصر علیه السلام چنانچه مردم به صورت دسته جمعی توبه نموده و تعهد بر یاری واقعی امام علیه السلام نمایند، امید آن است که خداوند تومار غیبت را در هم پیچد و آن بزرگوار را ظاهر نماید و همه اهل عالم و ستمگران در برابرش ذلیل خواهند گردید.

---

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۶۸، حدیث ۹.

### ۳- حضرت صالح علیه السلام

آن بزرگوار پس از سالها غیبت، آشکار گردید و ظاهرش دگرگون شد. آنانی که به شک افتاده بودند، تغییرات ظاهری را بهانه کرده او را انکار نمودند. در حالی که افراد متدین، با بروز علامات، یقین به صحّت ادعای صالح علیه السلام نمودند.

امام زمان علیه السلام پس از قرن‌ها غیبت، به صورت جوانی نیکو منظر، ظاهر می‌شوند. برخی به شک می‌افتند، گروهی او را پذیرفته و عده‌ای او را انکار خواهند نمود.

### ۴- حضرت ابراهیم علیه السلام

این بزرگوار دو غیبت داشتند. همانگونه که امام زمان علیه السلام دارای دو غیبت کوتاه و دراز می‌باشند.

### ۵- حضرت یوسف علیه السلام

حضرت یوسف علیه السلام سالهای زیادی غیبت داشت. برادرانش به حضورش می‌رسیدند، اما او را نمی‌شناختند.

امام عصر علیه السلام در دوران غیبت در میان مردم زندگی کرده رفت و آمد دارند، اما مردم آن بزرگوار را نمی‌شناسند.

امام باقر علیه السلام فرمودند: « شباهت حضرت یوسف با قائم ما در



پنهانی او از خواص و عوام است. یوسف از برادرانش و پدرش مخفی بود و حال آنکه بین محل زندگی او و پدرش فاصله چندانی نبود». (۱)

## ۶- حضرت الیاس علیه السلام

قوم الیاس علیه السلام تصمیم بر قتل پیامبر الهی گرفتند و به این ترتیب آن بزرگوار از مردم گریخت و هفت سال پنهان زندگی کرد.

حضرت مهدی علیه السلام نیز مورد حمله دشمنان قرار گرفتند و بنابراین از مردم دوری گزیدند. اما قرنهاست که این غیبت به درازا کشیده و معلوم نیست تا کی ادامه یابد.

## ۷- حضرت موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام دارای دو غیبت بوده که یکی از دیگری طولانی تر بوده است.

غیبت اول وی از مصر برای مدت ۲۸ سال بود و غیبت دومی برای رفتن به کوه طور به مدت ۴۰ شبانه روز بوده است.

مبنای پنهان زیستی حضرت موسی علیه السلام فرار او از قومی بود که قصد کشتن وی را داشتند. امام زمان علیه السلام نیز بر اساس فشار

---

۱- کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷، باب ۳۲، ذیل حدیث ۷.

دشمنان و ناامنی حاصله، از مردم دوری جستند.

امام باقر علیه السلام فرمودند: «سنتی که از حضرت موسی، در قائم ما است، ترس مداوم و درازی غیبت و پنهانی ولادت آن بزرگوار و نیز سختیهای وارد بر پیروان آن بزرگواران در دوران غیبت است. این فشارها تا زمان ظهور ادامه خواهد یافت.»<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند: «گویا من سفیانی یا یار سفیانی را می بینم که در اطراف کوفه لشکریانش را جمع کرده است. منادی از جانب او ندایش را در همه جا پراکنده است و از مردم می خواهد که شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام را سر بریده و سرها را برای جایزه تحویل دهند. مردم هم همسایگان خود را کشته برای هر سر، هزار درهم جایزه می گیرند. در آن زمان هر آن کس از شما که مسئولیتی در حکومت داشته باشید در مسیر ستمگران حرکت خواهد کرد.»

## ۸- حضرت سلیمان علیه السلام

زمانی را حضرت سلیمان علیه السلام از مردم خود غیبت نمودند.

## ۹- جناب آصف علیه السلام

خداوند مدت زیادی آصف علیه السلام را از دیدگان مردم پنهان نمود

---

۱- کمال الدین، ج ۱، ص ۲۷ و ص ۳۲۷، باب ۳۲، ذیل حدیث ۷.

و بنی اسرائیل در این دوران مشکلات فراوانی را تحمل کردند.

### ۱۰- حضرت دانیال علیه السلام

حضرت دانیال علیه السلام را مدتی در چاهی بزرگ زندان نمودند. حتی شیر درنده‌ای را تدارک دیدند تا در چاه به آن بزرگوار حمله کند. خداوند جناب دانیال علیه السلام را از خطر شیر محفوظ داشت. از طرف دیگر، خداوند یکی از انبیای بنی اسرائیل را مأمور ارسال آب و غذا به دانیال علیه السلام نمود. پیروان دانیال علیه السلام در زمان غیبت و زندانی بودن ایشان سختیهای فراوانی را متحمل شدند.

### ۱۱- حضرت یونس علیه السلام

محمد بن مسلم نقل می‌کند که قصد پرسشی را درباره قائم علیه السلام از امام باقر علیه السلام داشتم که خدمت حضرت رسیدم. آن بزرگوار، بدون مقدمه فرمودند:

«ای محمد! قائم ما، پنج سنت از پنج پیامبر را داراست. از یونس، از یوسف، از موسی، عیسی و محمد صلی الله علیه و آله. اما سنت از یونس بن متی بازگشت او بعد از غیبت می‌باشد. و در عین گذراندن سالهای دراز به صورت جوان، ظاهر و آشکار می‌شوند.»

## ب- گریه فراوان امام زمان علیه السلام

### ۱- حضرت آدم علیه السلام

ایشان گریه فراوان داشتند تا آنکه گونه هایشان زخم شد. امام زمان علیه السلام نیز از گریه بر امام حسین علیه السلام کار را به جایی رسانده‌اند که در زیارت امام حسین علیه السلام عرضه می‌دارند: هر صبح و شام بر مصیبت ای امام حسین، صدا به گریه بلند می‌کنم! و به جای اشک، از دیدگانم خون جاری می‌شود.

### ۲- حضرت یعقوب علیه السلام

این بزرگوار در فراق یوسف علیه السلام سالهای سال گریست تا بدانجا که چشمانش سفید گشت. حضرت مهدی علیه السلام در رثای جدش حسین علیه السلام گریه فراوان می‌نماید.

### ۳- حضرت شعیب علیه السلام

این بزرگوار در راه محبت خداوند به قدری گریست که نابینا شد، خداوند بینایی او را بازگرداند. ایشان بار دیگر گریست تا نابینا شد، بار دیگر خداوند بینایی وی را برگرداند. بار سوم هم این کار تکرار گردید.

### ۴- حضرت زکریا علیه السلام

حضرت زکریا علیه السلام در مصیبت حضرت حسین علیه السلام ۳ روز گریست.

## ج- طول عمر

### ۱- و ۲- حضرت آدم و حضرت نوح علیهم السلام

امام سجاد علیه السلام فرمودند: «در قائم ما سنتی از حضرت آدم و حضرت نوح علیهم السلام است که آن هم درازی عمر آن بزرگوار است.»<sup>(۱)</sup>

### ۳- حضرت خضر علیه السلام

خداوند تبارک و تعالی عمر حضرت خضر علیه السلام را بسیار طولانی قرار داد و اکنون نیز آن بزرگوار زنده هستند تا تأییدی بر دراز عمری حضرت ولی عصر علیه السلام باشند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «خداوند، عمر خضر را برای نبوت وی یا کتابی که با او فرستاده باشد و یا دیانتی که دیانت قبل را نسخ کند و یا امامت و پیشوایی‌ای که بر مردم پیرویش لازم باشد، دراز نفرموده است و لکن از آن روی که در علمش درازی عمر حضرت مهدی علیه السلام مشخص شده بود و نیز انکار مخالفین حضرتش را در غیر عادی بودن طول عمر آن بزرگوار می‌دانست، عمر بنده صالحش، خضر را نیز طولانی قرار داد. به این ترتیب می‌توان عمر دراز حضرت مهدی علیه السلام را مستدل کرد و

---

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۷۱، روایت ۴۱۰.

دلایل معاندین را رد نمود.»<sup>(۱)</sup>

از ویژگیهای حضرت خضر علیه السلام که همراه با طولانی بودن عمر اوست و شباهت به حضرت مهدی نیز دارد، شرکت همه ساله وی در مراسم حج می باشد.

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: «خضر از آب زندگانی نوشیده و تا قیامت زنده خواهد بود. او پیوسته نزد ما می آید و به ما سلام می کند. صدایش شنیده می شود اما خودش دیده نمی شود. هرکس ذکری از او به میان آورد، در آن مجلس حضور می یابد. پس بایستی به دنبال یاد او، بر او سلام کنید. خضر در موسم حج هر ساله شرکت می کند و اعمال حج را بجای می آورد. در عرفات، حضور می یابد و همه مؤمنین را دعا می فرماید.»

او در دوران غیبت، مونس تنهایی حضرت مهدی علیه السلام است.<sup>(۲)</sup> امام عصر علیه السلام هر ساله در مراسم حج تشریف دارند و بنابراین لازم است که حجاج محترم در ایام حجّ به دنبال امیر خود که امیرالحاجّ است باشند، در حق او دعا کرده فرجش را از خداوند تبارک و تعالی درخواست نمایند، شاید دیدار او نصیبشان شود.

---

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۷، باب ۳۳، ذیل حدیث ۵۳.

۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۹۰، باب ۲۸، حدیث ۴.

شیخ صدوق رحمته الله و نیز شیخ طوسی رحمته الله هر دو با سندهایی از ابونعیم انصاری نقل کرده‌اند که:

روز ششم ذی‌الحجه سال ۲۹۳ هجری در نزدیکی دیوار مستجار خانه خدا، همراه سی نفر از زاهدان زمان نشسته بودم. به ناگاه جوانی که لباس احرام پوشیده بود، از طواف خارج شد، کفشهایش در دستش بود. هیبتش ما را به قیام واداشت. در میان ما محمد بن القاسم العلوی دارای اخلاص خاصی بود!

جوان بر ما سلام نمود و در میان ما نشست. روی به ما کرد و پرسید: آیا می‌دانید امام صادق علیه السلام در دعای الحاح چه می‌فرماید؟ گفتیم: شما بفرمایید.

فرمود: دعا چنین است:

«خدایا به آن اسمی که آسمان و زمین برپاست و به آن اسمی که بین حق و باطل را جدا می‌فرماید و نیز هر تفرقه را به اتحاد می‌رسانی و جمع را با آن به جدایی می‌کشی و به آن اسم تعداد ریگها و سنگینی کوهها و میزان آب دریاها را حساب می‌کنی، به آن اسم، تو را سوگند می‌دهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و برای من فرج و گشایشی برسانی.»

جوان بعد از آن برخاسته داخل مطاف شد، ما هم به احترامش برخاستیم و فراموش کردیم درباره او سخن بگوییم. فردای آن روز در همان زمان و مکان باز از طواف خارج شده به جمع ما پیوست و باز به احترامش

برخاسته او را در میان گرفتیم. به اطراف نگریست و فرمود: آیا می‌دانید  
امیرالمؤمنین بعد از نماز چه مناجاتی داشت؟ از ایشان خواستیم تا خود  
بازگو کنند. فرمود: چنین است مناجات:

خدایا! سخن‌ها به سوی تو بالا می‌رود. همگان خواسته‌هایشان را از  
تو می‌خواهند. گردن‌ها در مقابل تو خضوع دارند. محاکمه‌ی همه اعمال  
با توست. ای بهترین کسی که می‌توان از تو درخواست نمود و ای  
بهترین عطاکننده! ای راستگو و ای آفریدگار! ای آن که از وعده تخلف  
نمی‌کنی! تو امر به دعا نموده‌ای و کفالت استجابت دعا را به عهده  
گرفته‌ای. ای آن که فرموده‌ای: «مرا بخوانید! اجابتان می‌نمایم.» ای آن  
که گفته‌ای: «آنگاه که بندگان مرا بخوانند من به آنان نزدیکم و  
خواسته‌های آنها را اجابت می‌کنم. پس از من بخواهید و به من ایمان  
آورید، باشد که هدایت شوید.» ای آن که فرموده‌ای: «ای بندگان من که  
بر خود اسراف کرده‌اید، از رحمت خدا مأیوس نباشید که خداوند، همه‌ی  
گناهان را می‌بخشاید. زیرا که او بخشنده و مهربان است»

من فرمان تو را لبیک می‌گویم و اکنون در برابرت قرار دارم. من از  
آنانی هستم که اسراف بر خود کرده‌ام و تو هم فرموده‌ای: «از رحمت خدا  
مأیوس نباشید که خدایتان همه گناهان را می‌بخشاید.»

جوان باز به راست و چپ نگریست و باز پرسید: آیا مناجات علی علیه السلام  
را در سجده شکر می‌شناسید؟

از خودش پاسخ را خواستیم که فرمود: چنین است:



ای آنکه زیادی بخشش بر وسعت و بخشش او می‌افزاید. ای کسی که  
اصرار اصرارکنندگان، بخشش و کرم او را می‌افزاید. ای کسی که خزائنش  
تمامی نمی‌پذیرد و ای آن کسی که تمامی خزائن آسمانها و زمین برای  
اوست... بد رفتاری من تو را از احسان و نیکی باز نمی‌دارد. از تو  
می‌خواهم که به لطف خودت با من رفتار کنی که تو اهل بخشش و  
کرامت و گذشت هستی. با من بر مبنای رفتار خودم برخورد نکن. چه اگر  
این اساس کار باشد، من مستحق عقوبت هستم و هیچ عذر و بهانه‌ای  
در برابر تو ندارم. جز اعتراف به گناهان خود راهی ندارم. تو بر من از  
خودم داناتری. به سوی تو آمده‌ام و همه گناهانم و خطاهایم و  
زشتی‌هایم را با خود آورده‌ام. پروردگارا! مرا ببخشای و بر من ترحم  
فرمای و از آنچه که از من می‌دانی گذشت فرما که تو عزیزترین و  
کریم‌ترین هستی.

جوان برخاست و داخل طواف شد.

روز بعد باز به طرف ما آمد. در میان ما نشست و به راست و چپ  
نگریست. سپس فرمود: امام سجاده علیه السلام زیر همین ناودان طلا - با دستانش  
اشاره به حجر اسماعیل و ناودان فرمود - در سجده عرض می‌کرد:

بنده کوچک توام که به درگاه تو آمده‌ام. مسکینی هستم که به درگاه  
تو روی آورده‌ام.

فقیرم در درگاه تو. گدای درگاه توام.

از تو چیزی را می‌خواهم که جز تو هیچ کس توان پاسخ آن را ندارد.

جوان به راست و چپ نگریست و روی به محمد بن قاسم علوی که در میان ما نشسته بود، نمود و فرمود:

ای محمد، کار توبه خیر خواهد بود انشاء الله - محمد بن قاسم مرتب این جمله را تکرار می کرد - جوان برخاست و به طواف خود ادامه داد. همه ما دعاهایی را که ایشان بیان کرده بود تا پایان اعمال در نظر داشتیم. از میان ما ابوعلی محمودی رو به ما کرد و پرسید: آیا این جوان را شناختید؟ قسم به پروردگار که او صاحب الزمان بود.

پرسیدیم: از کجا او را شناختی؟

در پاسخ داستان طولانی خود را این چنین توضیح داد:

من هفت سال، مداوم از خداوند درخواست دیدار امام زمان علیه السلام را نمودم. شامگاه روز عرفه همین جوان را زیارت کردم که دعایی را می خواند و من آن دعا را فرا گرفتم. پرسیدم: این دعا از کیست؟ فرمود: از یکی از آدمها؟ پرسیدم: از کدام انسان؟ فرمود: از عرب؟ پرسیدم: از کدام عرب؟ فرمود: از شریف ترین عرب ها. پرسیدم: شریف ترین عرب از کدام طایفه اند؟ فرمود: از بنی هاشم. پرسیدم از کدام دسته از بنی هاشم؟ فرمود: از برترینشان. پرسیدم از چه کسی؟ فرمود: آنکه در جنگ ها، سرهای دشمنان را می شکافت و شبانگاهان به مردم غذا می رساند و آن وقت که همگان در خوابند، او به نماز می ایستاد.

اینجا بود که فهمیدم او علوی یعنی شیعه است. از این که او هم شیعه بود، محبتی در دلم به او پیدا کردم. به ناگاه او را گم کردم و نفهمیدم چه شد و به

کجا رفت. از اطرافیان خود سراغ او را گرفتم. برخی گفتند که او را هر ساله در ایام حج دیده‌اند که پیاده به حج می‌آید. از این که همه ساله پیاده به حج می‌آمده اما آثار ضعف در او ندیدم، خدا را تسبیح کردم. با حزن و اندوه فراوان از اینکه دیگر او را نمی‌دیدم به سوی مزدلفه - مشعر الحرام - حرکت کردم. شبانگاه که خوابیدم، در خواب، وجود مقدس رسول الله ﷺ را زیارت کردم. به من فرمود: آیا به مراد خودت رسیدی و امام زمانت را دیدی؟ عرض کردم: کدامین انسان، امام زمان من بود؟ فرمود: آن کس که امشب زیارتش کردی، امام زمان تو بود. اینجا بود که همه ما به ابوعلی محمودی اعتراض کردیم: تو که او را شناختی چرا از ابتدا به ما نگفتی؟ ابوعلی گفت: من تازه امروز به یادم افتاد و او را شناختم. (۱)

#### ۴- حضرت الیاس علیه السلام

جناب الیاس علیه السلام همچون حضرت خضر علیه السلام دارای عمر طولانی بوده و زنده است و هر ساله در مراسم حج شرکت می‌کنند. (۲)

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۷۰، باب ۴۳، حدیث ۲۴ و بحار، ج ۵۲، ص ۹، باب ۱۸، حدیث ۵.

۲- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۵.

## د- پنهانی ولادت

### ۱- حضرت ابراهیم علیه السلام

بارداری مادر حضرت ابراهیم علیه السلام بر مردم زمان مخفی بود و لذا حضرت ابراهیم علیه السلام پنهان به دنیا گام نهادند.

### ۲- حضرت موسی علیه السلام

فرعون انتظار تحقق پیشگویی‌ها در مورد ظهور منجی بنی اسرائیل را داشت، لذا کنترل شدیدی در میان بنی اسرائیل نمود و همه فرزندان پسر را می‌کشت تا مبادا موسی علیه السلام به دنیا آید. اما خداوند، بارداری مادرش را مخفی نگاه داشت و پس از تولد موسی علیه السلام هم زمینه رشد وی را در دربار فرعون ایجاد نمود. امام زمان علیه السلام هم در شرایط مشابهی به دنیا آمدند و تنها افراد خاص و ویژه از تولد حضرت علیه السلام خبردار شدند و بعدها آن بزرگوار را در سنین کودکی هم زیارت کردند.

## هـ- صبر

### ۱- حضرت نوح علیه السلام

تحمل سختی‌های تبلیغ مردم و روی گرداندن آنها برای حضرت نوح علیه السلام بسیار سخت بود. آن بزرگوار، تنها ۹۵۰ سال قبل از طوفان به دعوت مردم به سوی خدا پرداخت، اما هرچه می‌گذشت مردم به جای پذیرفتن حرف حق، به تمسخر او پرداخته، یارانش را اراذل و اوباش می‌خواندند.

### ۲- حضرت ایوب علیه السلام

خداوند تبارک و تعالی حضرت ایوب علیه السلام را برای مدت هفت سال به بلایی مبتلا نمود<sup>(۱)</sup> و حضرت ایوب علیه السلام در برابر این بلا صبری استثنائی کرد و لب به شکوه نگشود. مولای بزرگوار ما حضرت ولی عصر علیه السلام از ابتدای دوران امامت تا کنون که قرن‌ها می‌گذرد در مقابل مشکلات گوناگون صبر پیشه فرموده‌اند.

---

۱- بحار، ج ۱۲، ص ۳۴۷، حدیث ۹.

## و - بنای کعبه

بنای بیت الله الحرام و نصب حجرالاسود به دست حضرت ابراهیم و فرزندش حضرت اسماعیل علیهما السلام انجام شد. طبق روایات، در زمان ولی عصر علیه السلام خانه کعبه خراب می شود و به دست مبارک آن بزرگوار خانه، بار دیگر برپا می شود و حجرالاسود نیز به دست آن حضرت در محل خودش نصب می گردد.

در طول تاریخ اسلام دو بار حجرالاسود از محل خودش جابجا شد و در هر دو بار به دست ولی زمان نصب گردید. بار اول در زمان حضرت زین العابدین علیه السلام بود که آن حضرت، مباشرت نصب حجر را بر عهده گرفتند. بار دوم در قرن چهارم هجری پس از حمله قرامطه به خانه کعبه و دزدیدن حجرالاسود انجام شد. جعفر بن محمد قولویه نقل می کند که:

«در سال ۳۲۷ هجری، قصد تشریف برای حج را داشتم. در این سال حجرالاسود به خانه خدا برگردانده شد و من می دانستم نصب به دست مولای زمان انجام می شود. تصمیم گرفتم با هر قیمتی که هست به دیدار آن عزیز نائل شوم، اما متأسفانه مریضی سختی مرا از سفر حج بازداشت. نامه ای نوشتم و در آن از سرورم سؤال کردم که من تا چند سال دیگر زنده

خواهم بود و آیا از این مریضی جان سالم به در خواهم برد یا نه؟  
از یکی از آشنایانم به نام ابن هشام که قصد حج داشت درخواست کردم  
تا نامه‌ی مهر و موم شده را به دست کسی برساند که نهایتاً حجرالاسود را  
نصب می‌نماید.

ابن هشام با کوشش تمام در روز نصب حجرالاسود خود را در میان  
شلوغی جمعیت به خانه خدا می‌رساند و تمامی صحنه نصب سنگ را زیر  
نظر می‌گیرد. او مشاهده می‌کند که چندین بار افرادی سنگ را در جای  
خود قرار دادند اما از جای خود رها شد. تا این که جوانی سبزه‌رو و خوش  
سیما آن را به جای خود نهاد و سنگ محکم قرار گرفت. فریاد شادی  
حاضران برخاست و جوان مزبور پس از نهاده شدن سنگ به سوی در  
مسجد الحرام به راه افتاد. ابن هشام می‌گوید: «من به دنبال ایشان دویدم و  
جمعیت را به سختی شکافتم تا این که در محل خلوتی به آن بزرگوار  
رسیدم. ایشان توقف فرمودند. بدون آن که من سخنی بگویم از من خواستند  
تا نامه را تحویل دهم.

حضرت نامه را باز نکردند. اما فرمودند: «به او بگو از این مریضی  
رهایی پیدا می‌کنی و ۳۰ سال دیگر هم عمر خواهی نمود.»  
من اشکم سرازیر شد و آن بزرگوار از من دور گردید.

پاسخ به ابن قولویه می‌رسد و پس از ۳۰ سال مریض می‌شود و یقین بر  
مرگ خود می‌کند. اقدام به وصیت نموده مراسم کفن و دفن خود را نیز سر و  
سامان می‌دهد و در پاسخ اطرافیان که امیدواری به صحت و سلامتی

می‌دادند، می‌گفت: من امسال خواهم مرد و چنین شد.»

در پایان این قسمت، لازم به تذکر است که شباهتهای بیان شده در کتاب مکیال المکارم، بین امام زمان علیه السلام و پیامبران دیگر، بسیار بیشتر از آن چیزی است که در این قسمت آورده‌ایم. توصیه نگارنده آن است که به کتاب مزبور یا ترجمه آن مراجعه کرده از معنویت این بحث استفاده فرمایید.



## شباهت حضرت ولی عصر علیه السلام به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

درباره شباهت حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - به وجود گرامی پیامبر اسلام، گویاترین عبارت، بیان پیامبر عظیم الشان اسلام است. ایشان فرمودند:

«مهدی از فرزندان من است. نام او چون من (محمد) است، کنیه او چون من (ابوالقاسم) است. از جهت ظاهر خلقت و نیز خوی و رفتار، شبیه‌ترین انسانها به من می‌باشد.»

## شباهت امام زمان علیه السلام به ائمه گرامی علیهم السلام

حضرتش همچون:

امام متقین علیهم السلام از نظر علم و زهد و شجاعت، برترین است.

امام مجتبی علیه السلام حلیم و بردبار و دارای سکونت است.

امام حسین علیه السلام که امنیت در مدینه از ایشان گرفته شد و از

شهر جدش در حال خوف خارج شد؛ امام عصر هم در دوران

غیبت در حالت خوف یعنی عدم امنیت و ترسان بر حال خود  
زندگی را می‌گذرانند.

امام سجاد علیه السلام عبادتی ویژه را داراست.  
امام باقر علیه السلام شباهت به جد بزرگوارش - رسول گرامی  
اسلام صلی الله علیه و آله - دارد.

امام صادق علیه السلام از علوم فراوانی که تا آن زمان پنهان بوده  
پرده برمی‌دارد.

امام کاظم علیه السلام مبتلا به تقیه شدید و هراس فراوان  
بیشتر از آنچه که بر دیگر ائمه وارد می‌شد، بوده است.

امام رضا علیه السلام دارای ریاست ظاهری بود؛ در دوران  
ظهور هم امام زمان علیه السلام تمامی مبانی خوف و هراس برداشته  
شده، امنیت در عبادت خداوند در تمامی گیتی ظاهر و آشکار  
می‌گردد.

امام جواد علیه السلام در دوران کودکی منصب امامت را دارا  
شدند.

امام هادی علیه السلام دارای هیبت است که دشمنانش از او  
هراسانند.

امام عسکری علیه السلام رعب و ترس در دل دشمنانش ایجاد  
می‌شود.

## حرف کاف - کرم امام عصر علیه السلام

فرد با سخاوت در برابر درخواست نیازمند او را پاسخی شایسته می‌دهد.

کریم آن است که بدون درخواست، انسان نیازمند را بی‌نیاز می‌سازد.

این ویژگی در مورد همه ائمه علیهم السلام دیده شده است. در زیارت جامعه خطاب به آن بزرگواران عرضه می‌داریم:

عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ.

عادت شما خانواده، احسان و نیکی است و سجیه و طبیعت ویژه شما کرامت و بزرگواری شماست.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«حضرت مهدی علیه السلام در دوران ظهور خود، وارد کوفه می‌شوند. هفتاد هزار نفر به امر الهی جزء یاران حضرت می‌شوند. آن بزرگوار در سال، دو بار هدایایی را به همگان می‌بخشد. در هر ماه دو بار نیاز ماهیانه را تقسیم می‌فرماید. عدالت را بین همه رعایت می‌فرماید تا بجایی که نیازمندی که چشم به زکات داشته باشد، پیدا نمی‌شود. شیعیان در آن زمان زکوة را رد می‌کنند زیرا که نیاز ندارند.»<sup>(۱)</sup>

---

۱- بحار ج ۵۲، ص ۳۹۰، باب ۲۷، حدیث ۲۱۲.

## حرف کاف - کشف علم

امام صادق علیه السلام فرمودند: علم دارای ۲۷ حرف است. تمامی پیامبران، تنها دو بخش آن را برای مردم، روشن و آشکار نمودند. اما آنگاه که مهدی ما قیام فرماید ۲۵ بخش دیگر را نیز آشکار می‌سازد و با دو بخش قبلی تمامی ۲۷ حرف آشکار می‌گردد. (۱)

## حرف کاف - کشف ضرّ و رفع ناراحتی از مؤمنین

### به دعای امام عصر علیه السلام

مرحوم مجلسی نقل می‌فرماید که:

فردی به نام ابوالوفاء شیرازی در اسارت ابن الیاس که حاکم کرمان بود قرار داشت. وی در زندان به زنجیر بسته شده بود. روزی خبر اعدام خود را دریافت کرد و پریشان شد. خود می‌گوید: به پیشگاه خداوند روی آوردم و از امام زین العابدین علیه السلام درخواست کردم تا شفاعت فرموده از خداوند نجات مرا خواستار شوند. در خواب، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت کردم که فرمودند: نه به من، نه به دخترم و نه به فرزندانم تو سئل پیدا نکن، بلکه در این گونه موارد به علی بن ابی طالب روی آور.

پرسیدم چگونه آن بزرگوار مرا کمک می‌فرماید حال آنکه هم خودش

---

۱- بحار ج ۵۲، ص ۳۳۶، باب ۲۷، حدیث ۷۳.

و هم همسرش فاطمه علیها السلام مورد ستم قرار گرفتند اما صبر پیشه فرمودند؟! فرمودند: من از او بر این صبر عهد گرفته بودم اما اکنون او به فریاد دوستدارانش که مورد ظلم قرار گرفته باشند، می‌رسد.

سپس پیامبر برای هر یک از ائمه کار و شأن ویژه‌ای را در فریادرسی‌ها بیان فرمودند. در پایان فرمودند: اگر دشمن شمشیر بر گلوی تو گذاشت - و با دستان اشاره به گلوی مبارک کردند - در این هنگام فرزندم مهدی علیه السلام را صدا بزن! او به یاری تو خواهد شتافت، زیرا که او پناه هر بی‌پناه و فریادرس فریادکنندگان است.

در خواب، آن وجود گرامی را صدا زدم. به ناگاه در کنار خودم اسب سواری که حربه‌ای آهنین در دست داشت، مشاهده کردم. از او کمک خواستم. فرمودند که من از خدا رفع مشکل تو را خواستم و خداوند هم پذیرفت.

فردای آن روز حاکم، دستور آزادی مراد داد و از من پرسید: از چه کسی کمک خواستی؟ من به او گفتم: از فریادرس بیچارگان درخواست کردم و او از خداوند آزادی مرا خواست. (۱)

مرحوم مجلسی از پدرش ملا محمدتقی معروف به مجلسی اول نقل می‌نماید که:

در زمان ما مرد شایسته‌ای بنام امیرالحق استرآبادی بود که چهل بار

---

۱- بحار ج ۵۳، ص ۸۶ سطر ۲.

پیاده به مکه رفته بود و بین مردم اشتهار به این داشت که طی الارض می‌کند  
(یعنی می‌تواند مسافتی دور را به سرعت درنوردد).

زمانی فرد مزبور، به اصفهان آمده بود و من به دیدارش شتافتم و علت  
دستیابی او را به طی الارض پرسیدم.  
او گفت:

در یکی از سفرها که با جمعی به مکه می‌رفتم، مقداری به مکه مانده  
بود که بنا به دلایلی از کاروان عقب افتادم و راه را گم کردم. تشنگی و  
بیچارگی بر من غلبه کرد و از زندگی مأیوس شدم. در این حال مولایم را  
بدین گونه صدا زدم:

**ای اباصالح مرا دریاب و راه را به من نشان بده.**

به ناگاه در دور دست شبی را دیدم که پس از اندک زمانی خود را در  
کنارش مشاهده کردم. جوانی خوش سیما بود که لباس تمیز بر تن داشت و  
همچون مردمان شریف بر شتری سوار بود. بر او سلام نمودم، سلامم را  
پاسخ داد. از من پرسید: تشنه‌ای؟ عرضه داشتم: بله. به من آب عطا فرمود و  
من نوشیدم. سپس فرمودند: آیا می‌خواهی که تو را به کاروانت برسانم؟  
پاسخ مثبت دادم. مرا بر شتر خود سوار فرمود. حرز یمانی را - که دعائیست  
- با خود زمزمه می‌کردم. چندین جای آنرا نادرست خواندم و ایشان  
تصحیح فرمود. دیری نگذشت که به اطراف مکه رسیدیم. مرا پیاده کرد و  
خود بازگشت. تازه متوجه شدم که آن بزرگوار، مولایم امام عصر علیه السلام بوده  
است.

هفت روز بعد کاروان به مکه رسید، در حالی که ایشان از زنده ماندن من ناامید بودند و زمانی که فهمیدند من هفت روز است در مکه هستم، اظهار داشتند که توطی الارض کرده‌ای که این چنین سریع، راه هفت روزه را در اندک زمانی پیموده‌ای. (۱)

### حرف میم - محنت و سختی‌های وارد بر امام عصر علیه السلام

امام زمان علیه السلام چه در زمان غیبت و چه در زمان ظهور سختیهای فراوانی را متحمل شده و می‌شوند.

اما در زمان غیبت، دوری مردم از بندگی خدا، بزرگترین فشاری است که بر حضرتش وارد می‌شود.

از طرفی، دوران ناامنی حضرت است که به صورت ناشناخته زندگی می‌فرمایند و بالاخره ظلم و ستمی که بر نیکان وارد می‌شود، قلب آن بزرگوار را جریحه دار می‌سازد. چه بسیار سختیهای دیگری نیز هست که بر آن سرور و مولا وارد می‌گردد و ما از آنها بی‌خبریم.

در زمان ظهور هم مخالفت بزرگان با ایشان، فشار سختی را به ایشان وارد می‌کند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «قائم ما آنگاه که ظهور کند، نادانان به

---

۱- بحار ج ۵۲، ص ۱۷۵، باب ۲۴.

مقابله و ستیز برمی‌خیزند؛ به گونه‌ای که از فشارهای بر رسول خدا ﷺ سخت‌تر بر او می‌گیرند.»

شنونده از امام صادق علیه السلام سوال کرد: چگونه این امر واقع می‌شود؟

حضرت فرمودند: «پیامبر در زمانی به رسالت برانگیخته شدند که مردم سنگ و چوب را می‌پرستیدند. اما قائم ما در زمان ظهورشان با انسان‌هایی روبرو می‌شود که قرآن را وسیله معارضه و مجادله با امام زمان علیه السلام قرار داده و از طریق تأویل آیات قرآنی سعی در محکوم کردن او می‌نمایند.»

شبیبه این روایات، روایات دیگری هم هست.

### حرف میم - مصائب امام زمان علیه السلام

امام عصر علیه السلام در غم مصیبت‌های فراوان وارد بر جدشان - امام حسین علیه السلام هستند. در روایات به ما دستور داده شده است که برای فرد مصیبت زده دعا نماییم؛ برجسته‌ترین فردی که شایسته است در حق او دعا نماییم، امام زمان علیه السلام می‌باشند.

### حرف میم - محبت آن بزرگوار نسبت به مؤمنین

بر طبق روایات فراوانی حضرت ولی عصر علیه السلام همچون پدری مهربان برای مؤمنین می‌باشند. آن بزرگوار در مصیبت‌ها و



ناراحتیهای شیعه احساس حزن و اندوه دارند و از مریضی‌های شیعه ناراحت می‌شوند.

پیوسته در حق شیعه دعا می‌نمایند.

در سختیها به فریاد شیعیان‌شان می‌رسند.

در تشییع جنازه‌ی مؤمنین شرکت می‌فرمایند.

در مشکلات شیعه، گاهی به احوال سخت آنان گریه می‌فرمایند.

این همه محبت‌ها، از سوی آن سرور، ما را بر آن می‌دارد که در حقّ حضرتش پیوسته دعا نماییم.

### حرف نون - نفع امام علیه السلام برای مردم

تا کنون موارد مکرری از منفعت وجودی حضرت ولی عصر علیه السلام در دوران غیبت و ظهور بیان داشته‌ایم و برای اختصار از تکرارش خودداری می‌نماییم.

### حرف نون - نور حضرت ولی عصر علیه السلام

آن عزیز که درود خدا بر او باد همچون خورشید درخشانی هستند که در شب ظلمانی، درخشیده هم راه را بر انسان می‌نمایانند و هم از خطرها او را دور می‌کنند.

نویسنده محترم کتاب مکیال المکارم بحث نور را در چهار بخش توضیح داده‌اند:

## الف - معنی نور

نور هر چیزی را که خود نورانی و آشکار است و چیزهای دیگر را نیز ظاهر می‌سازد می‌گویند.

هر نوری در عالم، نورانیت خود را از خدا می‌گیرد و تنها خداست که نورانیتش به خودش می‌باشد.

**ب - نورانیت هر چیزی موجب شرافت است.**

نورانیت درجات و اقسام گوناگونی دارد ولی دارنده‌ی نورانیت، دارنده کمال ویژه‌ایست. در قرآن کریم خداوند تبارک و تعالی نور آسمانها و زمین معرفی شده است.

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾<sup>(۱)</sup>

از طرفی، آفرینش ماه و خورشید با توصیف نور، توجیه شده است و بالاخره خداوند به نورانیت خورشید و ماه سوگند یاد می‌فرماید.

در روایات فراوانی شرافت خلقت پیامبر و ائمه به نورانیت ویژه آنها نسبت داده شده است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «پیامبر و علی علیه السلام قبل از آفرینش مخلوقات، به صورت نوری در برابر خداوند قرار داشتند، ملائکه چون به اصل و ریشه آن نور نگریستند، شعاع فروزنده‌ای را از آن منبع نور ساطع

---

۱- نور، آیه ۳۶.

دیدند. پرسیدند: خداوندا این نور چیست؟ این چنین بر آنها وحی شد که این نور از نور من است. اصلش نبوت و شاخه‌اش امامت است. اما نبوت به بنده و رسولم محمد اختصاص دارد و اما امامت برای حجت و ولی من، علی است و اگر این دو نمی‌بودند، جهان را نمی‌آفریدم.»<sup>(۱)</sup>

ابوذر غفاری از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که حضرت فرمودند:

«علی، امیرالمؤمنین کنار حوض کوثر، با پرچمی به من می‌رسد، من برخاسته دستش را می‌گیرم. در این هنگام صورت او و یارانش سفید می‌گردد. از ایشان سؤال می‌کنم با دو یادگار گرانقدر من چه کردید؟ پاسخ می‌دهند که از قرآن که یادگار گرانقدرتر بود تبعیت کردیم و با یادگار کوچکتر که عترت بود، همراهی نمودیم و یاری کرده در رکابشان جنگیدیم. سپس به آنها می‌گوییم: آب گوارا بنوشید! ایشان آبی می‌نوشند که بعد از آن دیگر تشنه نمی‌شوند. صورتشان چون خورشید می‌درخشد یا چون ماه در شب تاریک درخشندگی دارد و همچون روشن‌ترین ستاره آسمان است.»<sup>(۲)</sup>

ج - امام زمان علیه السلام نور است.

اولاً هر امام به دلیل دارندگی کمالات فراوان از بهترین و

۱- بحار، ج ۱۵، ص ۱۱، باب ۱، حدیث ۱۳.

۲- بحار، ج ۸، ص ۲۴، باب ۲۰، حدیث ۱۹.

روشن‌ترین مخلوقات می‌باشد.

امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمودند: «هر آن کس که امام و پیشوایی از سوی خدا برای او نباشد، گمراه و سرگردان است.»<sup>(۱)</sup>

امام زمان علیه السلام در دوران پنهان زیستی، هر از گاهی رخ می‌نماید و این امر روشنی امر آن بزرگوار را مؤید می‌دارد.

امام صادق علیه السلام برای مفضل بن عمر، شدت شبهاست مربوط به امام عصر علیه السلام را بیان کردند. مفضل بن عمر گریست. امام علیه السلام جهت آرامش او فرمودند: آیا این خورشید را می‌بینی؟  
عرضه داشت: بله.

فرمودند: قسم به خدا امر ما از این خورشید هم روشن‌تر است.  
نکته دیگر آنکه همه موجودات، وجود و هستی خود را مدیون امام عصر علیه السلام هستند و بنابراین نورانیت هر چیزی به امام عصر علیه السلام است و بالاخره سرچشمه‌ی همه‌ی علوم به منبع فیاض حضرت بقیةالله برمی‌گردد.

ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا»<sup>(۲)</sup> سوال می‌نماید.

حضرت می‌فرمایند: «قسم به خدا منظور از نور تا روز قیامت،

---

۱- اصول کافی، ج ۱، باب فیمن دان الله بغير امام، ص ۳۷۵.

۲- تغابن، آیه ۹.

ائمه عليهم السلام هستند و ایشان همان نوری هستند که نازل شده‌اند و ایشان نور خدا در آسمان و زمین هستند.»<sup>(۱)</sup>

از امام صادق عليه السلام نیز روایت شده که در توضیح آیه «وَ اتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>(۲)</sup> فرمودند:

از نوری که با پیامبر آمده است تبعیت کردند، چنین کسانی رستگارانند. حضرت فرمودند: «منظور از نور در این آیه امیرالمؤمنین و ائمه عليهم السلام هستند.»<sup>(۳)</sup>

ثانیاً در زیارت روز جمعه خطاب به آن بزرگوار عرضه می‌داریم: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَوْرَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ درود خدا بر تو ای نور خدا که هدایت شدگان، راه درست را به وسیله تو پیدا می‌کنند.

عباد بن محمد مدائنی می‌گوید:

«بعد از نماز ظهر در مدینه بر امام صادق عليه السلام وارد شدم. دیدم حضرت دستهای مبارک را به سوی آسمان دراز کرده با خدای خود مناجات می‌نمایند. به حضرت عرض کردم شما برای خود دعا نکردید؟ حضرت فرمودند:

«من برای نور آل محمد و انتقام‌گیرنده از دشمنان به امر خدا دعا

---

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۴، باب ان الائمه عليهم السلام نور الله، حدیث ۱.

۲- اعراف، آیه ۱۵۸.

۳- اصول کافی، ج ۱، باب ان الائمه عليهم السلام نور الله، حدیث ۲.

کردم.» (۱)

د - تجلیات نورانی حضرت ولی عصر علیه السلام در عوالم قبل، هنگام ولادت، دوران غیبت و ظهور آن بزرگوار

- نور وجود امام عصر علیه السلام در عالم ملکوت بر حضرت ابراهیم تجلی نمود.

- در شب معراج نیز نور امام زمان علیه السلام بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله ارائه گردید.

خداوند خطاب به حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود: آیا دوست می داری که اوصیایت را بنگری؟ پس از پاسخ مثبت، خواسته شد به سمت راست عرش نگاه کند. در این هنگام، انوار دوازده امام علیهم السلام به همراه حضرت فاطمه علیها السلام تجلی نمود. در این میان نور امام دوازدهم، در هاله‌ای از نور، در حال نماز، در میان بقیه‌ی ائمه علیهم السلام چون ستاره‌های درخشان جلوه‌گر بود. (۲)

- محمد بن عثمان عمروی - یکی از نوّاب چهارگانه حضرت مهدی - می‌فرماید: «آنگاه که حضرت مهدی علیه السلام به دنیا گام نهادند، در بالای سر آن سرور، نوری تا به وسط آسمان درخشیدن گرفت. در این هنگام در برابر پروردگار سر به سجده گذارد و شهادت بر یکتایی خداوند

۱- بحار، ج ۸۶ ص ۶۲، باب ۳۹، حدیث ۱.

۲- غایة المرام، ص ۱۹۴، المقصد الاول، باب ۲۴، جزء ۳۹.

داد.» (۱)

- بسیاری از نزدیکان، صورت درخشان آن بزرگوار را زیارت کردند.

محمد بن حسن کرخی از ابهارون نقل کرده که گفت:

من صاحب الزمان را زیارت کردم. صورت آن بزرگوار، همچون ماه شب چهاردهم درخشش داشت. (۲)

- نور حضرت مهدی در قلوب مؤمنین تجلی دارد. مؤمنان پیشوای خود را به حقیقت ایمان مشاهده می‌کنند و در همه حالات بدان بزرگوار توجه دارند.

اباخالد کابلی از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمودند:

«ای اباخالد! قسم به پروردگار، نور امام در دل‌های مؤمنان از خورشید درخشنده در روز نیز روشنتر است. ائمه دل‌های آنان را روشن می‌کنند. خداوند نور ایشان را از هر کس که بخواهد دور می‌نماید و بدین ترتیب دل‌های این افراد تاریک می‌باشد.»

ای اباخالد! قسم به پروردگار، هیچ بنده‌ای ما را دوست ندارد و ولایت ما را پذیرا نیست، مگر آنکه پروردگار قلب او را طاهر و پاکیزه کند و البته

---

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۳، حدیث ۱۳.

۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۴، باب ۴۳، حدیث ۱.

قلب هیچ بنده‌ای طهارت و پاکیزگی نخواهد یافت، مگر آنکه در مقابل ما تسلیم باشد. چنین کسی را خدا از شدت حساب در روز قیامت محفوظ داشته و از سختیهای آن روز حفظ می‌فرماید.»

- نور امام زمان علیه السلام در دوران غیبت بر برخی از انسانهای برگزیده تجلی ویژه‌ای دارد.

شمس‌الدین محمد بن قارون نقل می‌کند که:

ابوراجح حمّامی در حله می‌زیست؛ به حاکم زمان که سنی مذهب بود، خبر رسید که ابوراجح، صحابی مورد قبول اهل تسنن را دشنام می‌دهد. او هم دستور دستگیری و ضرب و شتم و شکنجه ابوراجح را صادر کرد. بدین ترتیب تمامی بدن وی مجروح شد و دندانهای جلو شکست، در زبانش میله‌ای آتشین وارد کردند و بینی وی را سوراخ نمودند و با طناب او را در شهر گرداندند و مردم را تشویق کردند تا هر کدام به نحوی او را بیشتر بیازارند.

حاکم، دستور قتل وی را صادر کرد. اما اطرافیان که ابوراجح را در حال مرگ می‌دیدند، درخواست نمودند تا حاکم او را رها کند، زیرا که او را مُشْرِف به مرگ می‌دیدند. او را در چنین حالتی به خانواده‌اش تحویل دادند، ماتم و عزا در خانه‌ی وی نیز برپا شد.

اما صبح بعد، ابوراجح، سالم و بدون هیچ جراحتی در برابر اطرافیان ظاهر شد و باعث تعجب همگان شد. او در بیان علت صحت و سلامتی



خود چنین بیان داشت:

من در حال مرگ بودم. حتی زبانی برای گفتار نداشتم. در دل به مولایم صاحب الزمان متوسل شدم...

شب هنگام، که همه جا تاریک شد، خانه را روشن و نورانی یافتم. در این هنگام آقایم - حضرت ولی عصر علیه السلام را زیارت کردم. آن حضرت دستهای مبارکش را بر صورتم کشیدند و فرمودند: برخیز و به دنبال زندگانی معمولت برو که خداوند تو را شفا عنایت فرمود.»<sup>(۱)</sup>

داستانی که نقل می شود در نزد اهل نجف بسیار مشهور بوده و در قرن هشتم هجری اتفاق افتاده است.

فردی به نام حسین مدلل، گرفتار فلج می شود. وی توانایی حرکت نداشته است. بنابراین زن و فرزندش سالهای چندی در حرکت کردن، او را یاری می داده اند.

کم کم فشار زندگی و کمبود درآمد و خستگی های حاصله از رسیدگی به حسین مدلل، آنان را در سختی قرار داد.

شبی از شبها در سال ۷۲۰ هجری قمری، اهل خانه را در نیمه شب بیدار می کند و به آنها روشنائی استثنایی خانه را نشان می دهد و می گوید امام زمان علیه السلام بزرگوارانه تشریف فرما شدند و مرا به برخاستن امر کردند و من

---

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۷۰، باب ۱۸، حدیث ۵۵.

که توانایی حرکت نداشتیم، عرضه کردم: مگر می‌توانم برخیزم؟ دست مرا گرفتند و من به روی پا ایستادم.

از آن هنگام، تمامی ناراحتی از من دور شد. سپس مرا امر فرمودند تا هر شب به زیارت امیرالمؤمنین مشرف شوم و من هم امر آن بزرگوار را پذیرا شده برای سپاسگزاری به زیارت مولایم امیرالمؤمنین شتافتم.<sup>(۱)</sup>

- مرحوم میرزا حسین نوری از عده‌ای از افراد نیک و قابل اعتماد از جمله عالم بزرگوار، محمد بن احمد بن کاظمی که از شاگردان برجسته مرحوم شیخ مرتضی انصاری بوده‌است، چنین نقل می‌فرماید:

من در جریان تحصیل علوم دین در نجف در حوالی سال ۱۲۷۵ هجری قمری مطلع شدم که فرد کاسبی موفق به زیارت حضرت بقیة الله - ارواحنا فداء - شده‌است. علاقمند شدم تا او را شناسایی کرده از زبان خودش، توفیق وی را بشنوم. بعد از مدتی او را شناختم و با او طرح دوستی ریختم. در این رفت و آمدها او را فردی شایسته و متدین یافتم.

مدتها با او رابطه دوستی و تجارتي داشتم تا روابط ما بسیار صمیمی و نزدیک شد. در همین مواقع، در یک شب چهارشنبه که به مسجد سهله جهت انجام اعمال مخصوصه آنجا رفتم، در کنار در ورودی با او برخورد

---

۱- بحار، ج ۵۲، باب ۱۸، ص ۷۳ و ۷۴.

کردم. این ملاقات را به فال نیک گرفتم. در کنار او موفق به اعمال مسجد  
 سهله شدم و پس از تمام شدن اعمال، با هم به سوی مسجد کوفه به راه  
 افتادیم. فاصله مسجد کوفه تا مسجد سهله چند کیلومتر بیشتر نیست و  
 حدود یک ساعت پیاده روی دارد. زمانی که به مسجد کوفه رسیدیم و  
 برخی اعمال آنجا را انجام دادیم در فرصتی از او صمیمانه درخواست  
 نمودم تا داستان تشریفش را به حضور حضرت ولی عصر علیه السلام تعریف کند.  
 او گفت: من شنیده بودم اگر کسی چهل شب چهارشنبه، پی در پی بتواند  
 در مسجد سهله حضور یافته، اعمال مخصوصه آن را انجام دهد، توفیق  
 زیارت حضرت ولی عصر علیه السلام را پیدا می نماید. بنابراین تصمیم گرفتم تا این  
 عمل را همراه با اعمال مسجد کوفه دنبال کنم.  
 اعمال من حدود یک سال ادامه یافت. آن شب، هوا سرد بود و ابرهای  
 غلیظ زمستانی همراه با نم باران حالتی ویژه داشت.  
 من که سابقه حضور تعداد زیادی از مردم را در شب های چهارشنبه  
 داشتم، آن شب هم تصور حضور افراد زیادی را داشتم.  
 زمانی که در تاریکی بعد از غروب به مسجد رسیدم، رعد و برق فراوانی  
 بود، اما هیچ کس، حتی خادم مسجد را ندیدم. تنهایی، وحشت عجیبی در  
 من ایجاد کرده بود. تصمیم گرفتم سریعاً نماز مغربم را خوانده اعمال مسجد  
 را انجام دهم و به مسجد کوفه بروم.  
 پس از نماز مغرب و انجام اعمال مسجد، متوجه روشنایی در مقام

حضرت صاحب الزمان شدم.<sup>(۱)</sup> کم کم صدای مناجات در آن مکان به گوشم رسید و یقین کردم که عده دیگری مشغول انجام اعمال مخصوصه هستند. این نور و این صدای مناجات اطمینان خاطر می‌برای من هم ایجاد کرد.

در مرحله‌ای از انجام اعمال به مقام صاحب الزمان رفتم. بدون آنکه چراغی باشد روشنایی زیادی دیدم که احساس کردم طلبه‌ای از اهل نجف مشغول عبادت است. تصمیم گرفتم از او بخواهم که همراه من تا مسجد کوفه باشد زیرا که رعد و برق شدیدی بود و تاریکی دهشتزایی حکمفرما بود. سلام کردم. او خود از من پرسید: آیا می‌خواهی با هم به مسجد کوفه برویم؟ در پاسخ گفتم: بله، ما عادت داریم که بعد از اعمال مسجد سهله به مسجد کوفه هم برویم.

با هم به راه افتادیم و صحبت می‌کردیم. زمانی که به مسجد کوفه می‌رفتیم، راه روشن به نظر می‌رسید و نیز مسیر کاملاً خشک بود در حالیکه واقعاً تاریکی حکمفرما بود و باران می‌بارید و من به هیچ وجه متوجه باران و تاریکی نشدم. زمانی که به مسجد کوفه رسیدیم، در مسجد را به شدت کوبیدم تا خادم در را باز کرد. خادم با تعجب از اینکه با وجود باران و رعد و برق جرأت کرده بودم به مسجد بیایم، پرسید: از کجا

---

۱- مقام صاحب الزمان در قسمت قبله مسجد قرار دارد و معروف است که حضرت ولی عصر در آن محل بر برخی افراد تجلی فرموده‌اند.

آمده‌ای؟ گفتم: از مسجد سهله. از سیدی که همراهم بود خواستم داخل مسجد شود اما متأسفانه او را ندیدم. چندین بار به اطرافم نگریستم و جستجو نمودم اما دیگر او را نیافتم. در همین مدت کم که به دنبال آن سید می‌گشتم، باران و سرما به شدت مرا آزرده در حالیکه از مسجد سهله تا کوفه هرگز ناراحتی ندیدم.

در این هنگام بر غفلت خود، تأثر شدیدی خوردم و از اینکه مولایم را نشناخته بودم خود را سرزنش کردم. آن بزرگوار مرا به اسم صدا زده بود و من هرگز از خود نپرسیده بودم او چگونه مرا شناخته بود؟

روشنایی استثنایی مقام صاحب الزمان در مسجد سهله، خشکی مسیر مسجد سهله تا مسجد کوفه و روشنایی راه از جمله عواملی بودند که به من اطمینان دادند پس از تحمّل زحمات یک ساله در رفتن به مسجد سهله و کوفه، آن بزرگوار بر من منت گذارده، دیدارش را نصیبم فرموده بود.<sup>(۱)</sup>  
خداوندا! ما را نیز از توفیق زیارت مولا و سرورمان بی بهره مگذار!

- نور وجود حضرت بقیة الله در زمان ظهور نه تنها از نظر ظاهری بلکه از نظر باطنی تجلی دارد.  
امام صادق علیه السلام فرمودند:

«آنگاه که قائم ما برخیزد، زمین به نور آن بزرگوار، روشن

---

۱- جنة المأوی، ص ۳۰۹، حکایت ۵۸.

می‌گردد. بندگان، در این زمان از روشنی خورشید بی‌نیازند و ظلمت و تاریکی رخت برمی‌بندد.»

حرف نون - نعمت‌های برخاسته از وجود امام عصر علیه السلام

نعمت‌های ظاهری و باطنی همگان به برکت وجود امام عصر علیه السلام به مخلوقات می‌رسد. بنابراین همه‌ی آنانی که برخوردار از این نعمت‌ها می‌شوند، موظفند بر صاحب نعمت دعا نمایند. یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند بر مردم، وجود مقدس پیامبر و ائمه گرامی هستند.

از امام صادق علیه السلام درباره این آیه قرآن توضیح خواسته شد.

﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾<sup>(۱)</sup>

یعنی روز قیامت از مردم درباره نعیم پرسش می‌شوید.

حضرت فرمودند: «از مردم درباره تمامی نعمتهایی که از طریق

رسول و اهل بیتش به مردم ارزانی داشته سوال می‌شود.»<sup>(۲)</sup>

در جای دیگر فرمودند: «نعیم ما هستیم، یعنی از مردم درباره ما

سوال می‌شود که نسبت به ما چه کردند؟»

اباخالد کابلی نقل می‌نماید که خدمت امام باقر علیه السلام شرفیاب

شدم. حضرت با غذایی که پاکیزه‌تر از آن ندیده بودم پذیرایی

۱- تکاثر، آیه ۸

۲- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۵۰۲، حدیث ۲۲.

فرمودند. سپس از من پرسیدند: «غذای ما چگونه بود؟» عرضه داشتم که پاکیزه‌تر از آن ندیده بودم. در عین حال به یاد آیه‌ای از آیات قرآن افتادم. آن حضرت چهره در هم کشیدند و پرسیدند: کدامین آیه؟ عرض کردم: «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» فرمودند: «قسم به پروردگار از این غذا سؤال نخواهی شد.» سپس خنده‌ای کردند و فرمودند: «آیا می‌دانی منظور از نعیم در این آیه چیست؟» عرض کردم: خیر. فرمودند: «نعیم، ما هستیم.»<sup>(۱)</sup>

البته مصادیق دیگری از نعیم، امنیت، صحت و آب نیز هستند. نویسنده محترم مکیال المکارم، درباره انواع طبقاتی که روز قیامت، مورد سؤال از نعمت‌های ظاهری و معنوی قرار می‌گیرند، بحث نموده است که جهت اختصار از توضیح، خودداری می‌شود.

حرف نون - ندای امام عصر علیه السلام به عنوان درخواست از مردم  
برای دعای برفرج

امام زمان علیه السلام در توقیعی چنین فرموده‌اند:  
«وَ أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرْجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرْجُكُمْ»<sup>(۲)</sup>

۱- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۵۰۲، حدیث ۱۱.

۲- احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴.

دعای بر فرج را زیاد انجام دهید، زیرا که همین دعا گشایش شماسست.

پاسخ مثبت به این خواسته مولای بزرگوار که قرن‌ها در اسارت غیبت و یا زندان غیبت، به سر می‌برند، امری منطقی و ضروری است. جایی که پیامبر گرامی اسلام می‌فرمایند:

«هرکس صبحگاهان که آغاز کار می‌نماید، اهتمامی در رفع گرفتاریهای مسلمانان نداشته باشد نمی‌توان او را مسلمان انگاشت و آن کس که ندای مسلمانی را به کمک بشنود و به یاری او نشتابد، نام مسلمانی نگیرد.»<sup>(۱)</sup>

آیا پاسخ برترین مسلمان و الگوی اصلی و واقعی اسلام، یعنی حضرت حجت علیه السلام در ساده‌ترین کار که دعای بر فرج و گشایش امر آن بزرگوار است. بدیهی و ضروری نیست؟

پس پیوسته بر آن باشیم که

در سر هر سفره با دعای بر آن بزرگوار، حق نعمت الهی را برآورده کنیم.

در هر نماز، دعای فرج را در قنوت بخوانیم.

در پس هر نماز، با دعای بر سلامتی و فرج آن حضرت شکر نعمت نماز را به جای آوریم. و بالاخره انواع گوناگون دعاهایی که

---

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۴، حدیث ۵.



در این زمینه دستور داده شده و در مواقع مختلفی توصیه به خواندن آنها شده است، این کمترین وظیفه را ادا کنیم.

پروردگارا! وجود مسعود حضرت بقیةالله را از هر نوع خطر، محفوظ بفرما!

پروردگارا! امر فرج آن بزرگوار را اصلاح بفرما!  
خداوندا! موجبات سرور و انبساط را برای آن عزیز، مهیا بفرما.

**حرف واو - ولایت و محبت آن امام همام به خدای تعالی**  
وَلَايَتِ وَ دُوسْتِي اَن بَزْرگُوَار بَه مَا وَ نِيْزِ وِلَايَتِ وَ سِرپَرسْتِي  
ايشان بر ما. همه‌ی مؤمنین، دوستداران خداوند و از طرفی توجه  
به مؤمنین، دوست داشتن مؤمنین و رعایت حال آنان ضروری  
است.

یکی از خدمتکاران امام صادق علیه السلام می‌گوید: در انجام فرمان  
آن حضرت با حضرت می‌رفتیم که سخن از گروهی به میان آمد.  
من اظهار کراهت و دوری از آنان نمودم. عرض کردم: آنچه را  
که ما بیان می‌کنیم، ایشان به همان گونه نمی‌گویند. حضرت  
فرمودند: آن گروه ما را دوست می‌دارند، اما آنچه را که شما  
می‌گویید، نمی‌گویند و بر این اساس شما از آنها دوری  
می‌جوئید؟ عرض کردم: بله. حضرت فرمودند: ما این گونه

نیستیم و مانند شما فکر نمی‌کنیم. پس درست است که ما هم از شما تبری بجوییم؟ عرضه داشتیم: خیر. عرض کردم: پس چه کنیم؟ فرمودند: آنها را دوست بدارید و از آنها تبری نجوید. برخی مسلمانان دارای یک سهم هستند و برخی دیگر نیز دارای دو سهم می‌باشند. (۱)

مصدق تمام و کمال ایمان، وجود شریف حضرت بقیة الله علیه السلام می‌باشد. بنابراین دوستی آن بزرگوار، بر دوست داشتن پدر و مادر و فرزند و دیگر نزدیکان، تقدم ویژه‌ای دارد. نتیجه‌ی این دوست داشتن، دعا در حق آن محبوبی است که قرنهای متمادی، در فشار و سختی غیبت است. ما موظفیم که پیوسته از خداوند، آسایش و راحتی و فرج برای آن سرور درخواست کنیم.

از سوی دیگر؛

سه عامل اساسی در محبت و دوستی نسبت به چیزی عبارتند از: لذت، نفع و خیر

اگر انسان در برخورد با چیزی لذت ببرد یا نفعی از آن شیء برای او ایجاد شود و یا خیری از آن شیء به او برسد، وابستگی عاطفی بین او و آن چیز ایجاد می‌شود.

حتی می‌توان لذت و نفع موجود در هر چیز را به قدر وجود

---

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۳، حدیث ۲.

خیر و خوبی در آن چیز دانست. پس اگر خیری در چیزی نمایان بود و یا از فردی خیر و نیکی برخاست، رابطه عاطفی محبت بین ما و آن چیز و یا آن فرد برقرار می‌شود.

- کدام انسان شیفته‌ایست که زیارت مولا و سرورش، بهترین لذت‌ها و خوشی‌ها را برای او ایجاد نکند؟

- نفع و جودی حضرت بقیة الله علیه السلام خیلی خیلی برتر از آن چیزی است که ما بتوانیم حتی برخی از آنها را بشماریم.

- خیر و نیکی‌های موجود در امام عصر علیه السلام قابل شمارش و درک نیست.

هر کس به اندازه ظرف وجودش، توان درک گوشه‌ای از خیرات وجود مقدس حضرتش را داراست. پس، دعا کردن در حق این محبوب، کمترین ادای وظیفه ما نسبت به آن حضرت است.

آنچه تاکنون در مقام ولایت به معنی محبت آن حضرت گفتیم غیر از ولایت به معنی سرپرستی آن بزرگوار نسبت به ماست.

همان گونه که پیامبر، ولایت و سرپرستی بر مردم دارد، ائمه علیهم السلام بر ما ولایت و سرپرستی مستقیم دارند. این حق عظیم ما را بر آن می‌دارد که خواسته‌های آن حضرت را بر خواسته‌های خود ترجیح دهیم.

پس هرگاه قصد کردیم در حق خود دعایی کنیم، ابتدا برای

مولایمان دعا کنیم و سپس برای خود از خداوند خواسته‌های خود را بخواهیم.

**حرف واو - وصل و رسیدن به آن امام عزیز**

دیدار آن حضرت و درک محضر آن آقای مهربان، از بالاترین خواسته‌های مشتاقان آن بزرگوار است. پس از خداوند، تعجیل در این وصل را خواستار گردیم.

**حرف ه - هدم و خراب کردن همه بناهای شرک و اختلاف و دورویی دشمن ستیزی شیعه، انگیزه‌ایست برای اشتیاق در انهدام همه مبانی کفر و شرک. یکی از مسئولیتهای امام عصر علیه السلام در دوران ظهور، تخریب تمامی بناهای کفار و طغیانگران است. در دعای ندبه خطاب به آن بزرگوار عرض می‌کنیم:**

کجاست آن که بناهای کفر و اختلاف و دورویی را از بیخ و بن برکند؟ در طول تاریخ بسیاری از بناهای اسلامی توسط طغیانگران و حکومت‌های جباران و ستمگران از مسیر اصلی خود دور شده و رنگ‌های دیگری گرفته‌اند. امام زمان علیه السلام تمامی آنها را تخریب فرموده به مبنای اصلی خود برمی‌گردانند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «آنگاه که قائم مابرخیزد، مسجدالحرام را منهدم می‌فرماید و آن را به مبنا و اساس اصلی

خود باز می گردانند. از تغییراتی که آن بزرگوار در این مسجد ایجاد می فرمایند. تغییر محل مقام ابراهیم علیه السلام است که به جای اصلی خودش می برند.

در پایان این جلد از کتاب نکات ذیل یادآوری می شود:

۱- تاکنون ۴ باب از ابواب کتاب مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام تلخیص و معرفی شده است.

۲- باب پنجم که هدف اصلی کتاب این کرامت های حاصله در اثر دعای بر امام زمان علیه السلام است، در مرحله بعدی معرفی می شود. جلد دوم دارای سه باب است که در مجلدات بعدی معرفی خواهند شد. (انشاءالله)

۳- چند نوع تلخیص انجام شد:

الف- برخی از بحث ها حذف شده و اشاره بدانها نشده است.  
ب- برخی از بحث ها دارای روایات مکرری بودند که برخی از آنها در این مجموعه آورده شده است.

ج- گرچه سعی در ترجمه عبارات نویسنده بوده است. اما در برخی موارد، این جانب جهت روشن شدن مطالب تعبیر دیگری را به کار برده ام. بنابراین در برخی موارد انشای نویسنده می باشد و عین عبارت نویسنده ترجمه نشده است.

د- مدارکی که در پاورقی ها آمده است توسط مصحح کتاب

مکیال المکارم عربی تهیه شده است و ما عیناً نقل کرده‌ایم و تحقیق مستقل اینجانب نبوده است.

۴- به دلیل کمی وقت، امکان اشتباه در ترجمه و یا نارسایی در تلخیص می‌باشد. بنابراین نظرات عزیزانی که در رفع این نواقص، نویسنده را یاری دهند، موجب خرسندی می‌باشد.

خواهشمند است به پرسشهای صفحه بعد پاسخ دهید  
و به نشانی تهران: صندوق پستی ۱۳۴-۱۳۵-۱۴۸  
انتشارات دیار ارسال دارید.  
به تعدادی از نوشته‌های زیبا و تمیز، هدایایی تقدیم  
خواهد شد.

- ۱- مأموریت ویژه‌ی حضرت ولی عصر علیه السلام چیست؟ (لطفاً در چند خط توضیح دهید.)
- ۲- بندگان شایسته دارای چه خصوصیات هستند؟ (با استناد به آیات قرآن، شش ویژگی را بنویسید.)
- ۳- لطفاً توضیح دهید اگر کسی امام زمانش را نشناسد چرا به مرگ جاهلیت مرده است؟
- ۴- یکی از عنایات امام عصر علیه السلام احسان آن بزرگوار نسبت به مردم بویژه شیعیان است، شما برای جلب احسان امام زمان علیه السلام چه کار یا کارهایی را انجام می‌دهید؟
- ۵- در روایتی مشخص شده است که حضرت ولی عصر علیه السلام در مسجد الحرام دو رکعت نماز خواهند خواند و سپس آیه‌ای از قرآن مجید را تلاوت می‌فرمایند. آن آیه را با ترجمه بنویسید و توضیح دهید چرا این آیه باعث استجاب دعا‌ی امام عصر علیه السلام در فرج آن حضرت می‌شود؟
- ۶- با استناد به یک روایت توضیح دهید، ظهور امام زمان علیه السلام در عقول مردم چه اثری خواهد داشت؟



۷- شش حکمت غیبت را بنویسید، در مورد علت اصلی غیبت چه توضیحی دارید؟

۸- دو معنی بیان شده برای غیبت را بنویسید.

۹- اگر دچار مشکلی شدید چه می‌کنید؟ آیا از دستگیریهای امام زمان علیه السلام خاطره‌ای به یاد دارید.

۱۰- شباهت طول عمر امام زمان علیه السلام را با سه پیامبر بنویسید.

۱۱- اگر به حج تمتع بروید چه احساسی به امام عصر علیه السلام بروز خواهید داد؟ چرا؟

۱۲- پس از خواندن این کتاب در احساساتتان نسبت به امامتان چه تغییری ایجاد شده است؟

۱۳- بنظر شما چه صحبت یا مباحثی از کتاب دارای کمبود یا کمبودهایی بود؟ آنها را ذکر نمایید.

۱۴- خواندن این کتاب را به چه کسانی پیشنهاد می‌کنید؟ چرا؟